

























## از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها صورت می‌گیرد

## افزایش سرمایه ۵۰ درصدی بانک پارسیان

مجمع عمومی عادی سالانه و مجمع عمومی فوق‌العاده بانک پارسیان در آخرین روز تیرماه سال جاری در سالن اجتماعات پژوهشکده نیرو برگزار شد.

از مهم ترین مصوبات مجمع عمومی عادی سالانه بانک پارسیان می‌توان به تصویب صورت‌های مالی ارائه شده برای عملکرد سال مالی ۱۳۹۳، تقسیم ۶۰ ریال سود به ازای هر سهم، تعیین روزنامه‌های دنیای اقتصاد و اطلاعات به عنوان روزنامه رسمی بانک برای سال ۱۳۹۴، انتخاب موسسه حسابرسی «دایا رهیافت» به عنوان بازرس قانونی و حسابرس مستقل اصلی و موسسه حسابرسی دش و همکاران به عنوان بازرس علی‌البدل اشاره کرد. در مجمع عمومی فوق‌العاده این بانک نیز که بلافاصله پس از مجمع عمومی عادی سالانه برگزار شد، اکثریت سهامداران با افزایش سرمایه ۵۰ درصدی بانک از محل مازاد تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت موافقت کردند.

به این ترتیب سرمایه بانک پارسیان از مبلغ ۱۵/۸۴۰ میلیارد ریال به مبلغ ۲۳/۷۶۰ میلیارد ریال افزایش خواهد یافت. سهامداران بانک پارسیان با تفویض اختیار به هیات مدیره این امکان را فراهم کردند تا اجرای این افزایش سرمایه پس از دریافت مجوزهای لازم از مراجع ذی‌ربط طی مدت دو سال عملی شود.

از مهم‌ترین دلایل ضرورت افزایش سرمایه در بانک پارسیان، افزایش توانایی و ظرفیت بانک در جذب منابع، ارتقای سهم بازار، توسعه توانایی و ظرفیت بانک در اعطای تسهیلات، افزایش توانایی و ظرفیت بانک در گسترش شبکه شعب، توسعه توانایی و ظرفیت بانک در گسترش فعالیت‌های ارزی و افزایش نسبت کفایت سرمایه اعلام شده است. در ابتدای جلسه مجمع عمومی عادی سالانه بانک پارسیان، دکتر کورش پرویزیان، مدیرعامل این بانک طی سخنانی گزارش عملکرد هیات مدیره بانک پارسیان را ارائه کرد.

\*\*\*

## ■ سخنان مدیرعامل

دکتر پرویزیان با اشاره به شرایط رکودی کسب و کار در سال‌های اخیر و تحریم‌های بین‌المللی گفت: وضعیت بانکداری در این سال‌ها نسبت به گذشته سخت‌تر شده است. وی افزود: با این وجود، بانک



این بانک با در اختیار داشتن ۱۸ درصد سهم بازار از منابع بانک‌های خصوصی رتبه نخست را در بین این بانک‌ها به خود اختصاص داده است. در سال ۱۳۹۳ این بانک با

۲۱ درصد رشد در جذب سپرده‌های بانکی، رقم مانده سپرده‌های خود را به ۵۰۹ هزار میلیارد ریال رسانده و در بخش تسهیلات در سال ۱۳۹۳ بیش از ۸۷ هزار میلیارد ریال برای اشخاص حقیقی و حقوقی (بنگاهای اقتصادی) در بخش‌های مختلف اقتصادی تأمین مالی انجام داده است.

مانده ناخالص تسهیلات بانک پارسیان در پایان سال ۱۳۹۳ معادل ۳۴۹ هزار و ۹۴۶ میلیارد ریال اعلام شده است که ۱۵ درصد رشد نسبت به سال قبل از آن را نشان می‌دهد. مجموع درآمد‌های بانک پارسیان در پایان سال ۱۳۹۳ بیش از ۷۶ هزار و ۴۳۰ میلیارد ریال گزارش شده است. درآمد تسهیلات اعطایی در این مدت حدود ۵۳ هزار و ۲۵۱ میلیارد ریال اعلام شده است. در سال ۹۳ سود پرداختی به سپرده‌گذاران بانک پارسیان با رشدی معادل ۲۶ درصد نسبت به سال قبل از آن به رقم ۶۶ هزار و ۸۵۱ میلیارد ریال رسیده است. عملکرد هیات مدیره

**سرمایه بانک پارسیان از مبلغ ۱۵/۸۴۰ میلیارد ریال به مبلغ ۲۳/۷۶۰ میلیارد ریال افزایش خواهد یافت. سهامداران بانک پارسیان با تفویض اختیار به هیات مدیره این امکان را فراهم کردند تا اجرای این افزایش سرمایه پس از دریافت مجوزهای لازم از مراجع ذی‌ربط طی مدت دو سال عملی شود**

را مشکل دیگر بانکداری در ایران ذکر کرد و افزود: حدود ۹۰ درصد تسهیلات بانکی را عقود مشارکتی تشکیل می‌دهد که با کاهش نرخ سود آن از ۲۸ درصد به ۲۴ درصد عملاً دست‌انداز دیگری برای بانک‌ها به وجود آمده است.

## ■ گزارش عملکرد

گزارش عملکرد هیات مدیره بانک پارسیان در سال ۱۳۹۳ که توسط مدیرعامل این بانک ارائه شد نشان می‌دهد، بانک پارسیان در پایان سال ۱۳۹۳ با سرمایه ۱۵/۸۴۰ میلیارد ریال دارای ۷۳ هزار و ۲۰۹ سهامدار بوده که ۷۲ هزار و ۹۳۹ شخص حقیقی معادل ۱۶ درصد سهام و ۲۷۰ شخصیت حقوقی معادل ۸۴ درصد سهام آن را در اختیار داشته‌اند. همچنین

پارسیان هم‌اکنون به یک سرمایه ملی تبدیل شده و به لطف و حمایت بی‌دریغ سهامداران آن، خدمات ارزشمندی را در دوران تحریم و شرایط سخت اقتصادی ارائه کرده است. به گفته مدیرعامل بانک پارسیان در حال حاضر این بانک به یک بانک پیش‌تاز در نظام بانکی کشور تبدیل شده که زنجیره متنوع کامل بانکداری را در اختیار دارد و امید می‌رود که در آینده‌ای نزدیک در بعد بین‌المللی این زنجیره را ارتقا دهد و فعالیت‌های خود را از نظر ارزش افزوده و سود با افزایش قابل توجهی مواجه کند. دکتر پرویزیان با اشاره به موققات بانکی در شرایط سخت اقتصادی سال‌های اخیر گفت: بانکداری کشور دوران پیچیده‌ای را سپری می‌کند اما با وجود چالش‌های فعلی انتظار داریم که با بهبود شرایط اقتصادی، اوضاع بانکی نیز بهتر شود.

وی خاطرنشان کرد: در دولت یازدهم با توجه به مشکلات اقتصادی که در گذشته پیش آمده بود، سیاست‌های جدیدی اتخاذ شده که بر این مبنا تلاش شد تا رشد نقدینگی و تورم کنترل شود و این مولفه باعث شد تا صنعت بانکداری شاهد رشدی که در دوره‌های گذشته داشته نباشد. مدیرعامل بانک پارسیان، کاهش نرخ سود تسهیلات

## صورت سود و زیان

## سال مالی منتهی به ۲۹ اسفندماه ۱۳۹۳

(میلیون ریال)		شرح	
سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۲۹	سال مالی منتهی به ۱۳۹۳/۱۲/۲۹	درآمد‌های مشاع، سود تسهیلات اعطایی	سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها و سپرده‌گذاری‌ها
۵۲,۶۱۲,۱۸۹	۵۳,۲۵۰,۷۴۹	جمع درآمد‌های مشاع	جمع درآمد‌های مشاع
۶,۱۵۰,۳۴۳	۶,۸۵۴,۶۳۶	سود علی‌الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری	سود علی‌الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری
۵۸,۷۶۲,۵۳۳	۶۰,۱۰۵,۳۸۵	تفاوت سود قطعی و علی‌الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری	تفاوت سود قطعی و علی‌الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری
(۵۳,۰۴۶,۸۹۹)	(۵۳,۰۴۶,۸۹۹)	سهم سود سپرده‌گذاران	سهم سود سپرده‌گذاران
۵,۷۱۵,۶۲۳	(۶,۷۴۶,۰۸۳)	سهم بانک از درآمد‌های مشاع (شامل حق الوکاله)	سهم بانک از درآمد‌های مشاع (شامل حق الوکاله)
درآمد‌های غیر مشاع، سود و وجه التزام فعالیت‌های غیر مشاع		درآمد‌های غیر مشاع، سود و وجه التزام فعالیت‌های غیر مشاع	
۳,۱۵۹,۰۳۷	۵,۶۹۴,۱۹۶	درآمد کارمزد و عملیات ارزی	درآمد کارمزد و عملیات ارزی
۴,۰۷۷,۵۶۵	۱,۹۹۲,۹۵۷	نتیجه مبادلات ارزی	نتیجه مبادلات ارزی
۲,۸۸۳,۸۳۴	۶,۶۰۲,۰۲۹	سایر درآمد‌ها	سایر درآمد‌ها
۷۸۷,۴۸۷	۲,۰۳۵,۵۸۶	جمع درآمد‌های غیر مشاع	جمع درآمد‌های غیر مشاع
۱۰,۹۰۷,۹۲۳	۱۶,۳۲۴,۷۶۸	جمع درآمد‌ها	جمع درآمد‌ها
۱۶,۶۲۳,۵۵۷	۹,۵۷۸,۶۸۴	کسر می‌شود هزینه‌ها، هزینه‌های اداری و عمومی	کسر می‌شود هزینه‌ها، هزینه‌های اداری و عمومی
(۴,۱۰۸,۳۰۸)	(۴,۹۵۱,۴۵۲)	هزینه ذخیره مطالبات تسهیلات اعطایی	هزینه ذخیره مطالبات تسهیلات اعطایی
(۵,۰۶۴,۳۷۵)	(۲,۹۰۳,۴۱۶)	هزینه‌های مالی	هزینه‌های مالی
(۶,۰۴۳)	(۲,۹۶۵۴)	سایر هزینه‌ها	سایر هزینه‌ها
(۶۰۵,۵۳۷)	(۷۱۹,۱۱۴)	جمع هزینه‌ها	جمع هزینه‌ها
(۹,۷۸۴,۲۶۳)	(۸,۶۰۳,۶۳۵)	سود قبل از مالیات	سود قبل از مالیات
۶,۸۳۹,۲۹۴	۹۷۵,۰۴۹	مالیات	مالیات
(۱,۴۸۱,۱۱۲)	-	سود خالص	سود خالص
۵,۳۵۸,۱۸۲	۹۷۵,۰۴۹	سود هر سهم براساس تعداد سهام روز مجمع (ریال)	سود هر سهم براساس تعداد سهام روز مجمع (ریال)
۴۰۵/۹	۶۱/۶	تعداد سهام (میلیون سهم)	تعداد سهام (میلیون سهم)
۱۳,۲۰۰	۱۵,۸۴۰		

## ترازنامه

## در تاریخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۹۳

(میلیون ریال)		دارایی‌ها	
۱۳۹۲/۱۲/۲۹	۱۳۹۳/۱۲/۲۹	۱۳۹۲/۱۲/۲۹	۱۳۹۳/۱۲/۲۹
۱۳۹۲/۱۲/۲۹	۱۳۹۳/۱۲/۲۹	بدیهی‌ها و حقوق صاحبان سهام	بدیهی‌ها و حقوق صاحبان سهام
۴۹,۰۹۳,۳۹۷	۶۳,۱۶۸,۳۵۵	موجودی نقد	موجودی نقد
۱۸,۳۳۱,۱۳۵	۳۲,۵۸۱,۱۳۲	مطالبات از بانک مرکزی	مطالبات از بانک مرکزی
۲۱,۴۸۹,۷۹۹	۱۳,۲۷۸,۱۰۳	مطالبات از سایر بانک‌ها و موسسات اعتباری	مطالبات از سایر بانک‌ها و موسسات اعتباری
۱۳,۳۹۸,۷۴۸	۱۴,۳۶۴,۰۷۸	تسهیلات اعطایی	تسهیلات اعطایی
۳۱۳,۵۲۴,۷۵۵	۳۸۱,۹۱۱,۴۱۲	سرمایه‌گذاری‌ها و سایر اوراق بهادار	سرمایه‌گذاری‌ها و سایر اوراق بهادار
۶,۱۶۶,۲۰۴	۴,۰۴۶,۷۰۲	سایر حساب‌های دریافتی	سایر حساب‌های دریافتی
۸۱۶,۵۱۶	۸۳,۶۱۷	دارایی‌های ثابت مشهود	دارایی‌های ثابت مشهود
۶۳۰,۴۵۲	-	دارایی‌های نامشهود	دارایی‌های نامشهود
۷,۹۸۲,۶۶۰	۷,۴۸۶,۸۷۳	سایر دارایی‌ها	سایر دارایی‌ها
۴,۱۳۸,۰۱۲	۷,۰۳۶,۵۰۵	ذخایر و سایر بدیهی‌ها	ذخایر و سایر بدیهی‌ها
۳۴۴,۲۱۸	۴۷۸,۱۸۶	ذخیره مزایای پایان خدمت کارکنان	ذخیره مزایای پایان خدمت کارکنان
۴۳۵,۹۱۵,۸۹۷	۵۲۴,۴۳۴,۹۶۱	جمع بدیهی‌ها	جمع بدیهی‌ها
		حقوق صاحبان سهام، سرمایه پرداخت شده	حقوق صاحبان سهام، سرمایه پرداخت شده
۱۳,۲۰۰,۰۰۰	۱۳,۲۰۰,۰۰۰	افزایش سرمایه در جریان	افزایش سرمایه در جریان
۱,۸۵۲,۵۵۹	۲,۶۲۴,۷۱۰	اندوخته قانونی	اندوخته قانونی
۶,۶۴۹,۱۵۳	۶,۷۹۵,۴۱۱	سایر اندوخته‌ها	سایر اندوخته‌ها
۸۸۶,۵۵۴	۹۰۶,۰۵۵	سود انباشته	سود انباشته
۶,۷۵۳,۳۰۲	۴,۲۶۲,۵۹۳	جمع حقوق صاحبان سهام	جمع حقوق صاحبان سهام
۲۹,۳۴۱,۵۶۹	۲۷,۷۸۸,۷۶۹	جمع بدیهی‌ها و حقوق صاحبان سهام	جمع بدیهی‌ها و حقوق صاحبان سهام
۴۶۵,۲۵۷,۴۶۶	۵۵۲,۲۲۳,۷۳۰		















پس از پایان جنگ تحمیلی، نگاه‌مردم به‌ویژه خانواده‌شهادا و مفقودالگزاره‌ها به‌سبب‌زرمندگانی متجاوز اعوام خیره از وضع آنها از سوی کشور رسیدن آنها هم زیاد بود. معطوف شد. به این ترتیب واحدی‌با عنوان کمیته‌جستجوی مفقودین تشکیل و عملیات تفحص در خاک کشورما و سپس در کشور عراق آغاز شد.

در آنجاخط‌پدافندی ایجاد کنیم. پس از فتح فاو بایدسببشن دیگری از این منطقه را هم که در نزدیکی های ابرالمرصاص و ابوالمصیب بود می گرفتیم تا کار عراق یکسر شود.غواص های از لشکرکهرای ۱۰۰۰ اسیدالشهدا برای انجام پیشانی (پیشتراف) ۴۰ نفر کار را تشکیل داده بودند. در این عملیات ۴۰ نفر از رزمندگان زنده و آموزش دیده در چهار



پیکر دست بسته یکی از شهدای غواص در معراج شهدا

طی سال های گذشته پیکر مظهر شهدا پس از تفحص و کشف، به مین پاز گردانده شده و از غورخ مردم جا گرفته است اما روز ۲۶ خرداد بود حتم نقطه عملیات استقبال مردم از شهدا به شمار می آید. در این روز پیکر ۱۷۵ شهید غواص و تخریب چی با شکوهی نظیری ازمیدان بهشت‌استان تهران تا معراج شهدا در خیابان بهشت تشییع شد.

تصاویر پیکر شهدا حکایت از آن داشت که عرافا قایل از به شهادت رساندن فرزندان دلیر ایران، دست آنها بسته بودند و سپس در دوران بیرحمی ،آنها را زنده به گور کرده اند.علت بشتن دست این عزیزان توسط دشمن، موضوعی است که تاکنون چند نفر از جانیان‌نفر از شهدا حاضر در جنگ به آن پرداخته اند.

جغسری یکی از رزمندگان دوران دفاعمقدس است که در این باره توضیحاتی ارائه می کند. این رزمنده کسیه یکی از غواصان و تخریب‌چیان لشکر۱۰۰ (اسیدالشهدا) بوده است. در این باره می گوید: من از عملیات خیر به بعد آموزش های نظامی خاصی را گذرانده تا بهر بعد از سال ها در جریان در شرایط مختلف آب، خاکی، دشت و کوبی با دشمن مقابله کنیم. در اصطلاح به کسانی که این دوره را گذرانده بودند «مردان قورباغه‌های» می گفتند. در دوران جنگ هنگامی که قرار شد نخستین عملیات «آب‌پایه»(جاری عملیات به آب) با اجرای وانچه (انجمن قاف) انجام شود سه مجرب عملیاتی شلمسجده ام‌المرصاص و اوانشایی و انتخاب شدند که در نهایت عملیات اصلی در منطقه فاو انجام شد.

وی می افزاید: لشکرها ی ۱۰۰ اسیدالشهدا، ۲۱ ماه (رضاع) و ۱۸ و الفلدر قرار بود تا از جزایر عبور کنند و ارتباط بین سپاه هفتم و سوم عراق را قطع کنند. در حقیقت پیس از عبور از فاو، جاده‌های فلو برصبر، راه و موقتیه و موقعیت مربوط به کارخانه نمک عراق تصرف شد و ما توانستیم

## راز دستار بسته ۱۷۵ غواص شهید

از آنجاخط‌پدافندی ایجاد کنیم.

منطقه را هم که در نزدیکی های ابرالمرصاص و ابوالمصیب بود می گرفتیم تا کار عراق یکسر شود.غواص های از لشکرکهرای ۱۰۰۰ اسیدالشهدا برای انجام پیشانی (پیشتراف) ۴۰ نفر کار را تشکیل داده بودند. در این عملیات ۴۰ نفر از رزمندگان زنده و آموزش دیده در چهار

یکی از نکات جالبی که در مورد این شهید قابل ذکر است، وجود مزاری با نام وی در گلزار شهدای فریدونکنگار است. مزاری که خانواده‌وی در نبودش با سنگ‌قبرش عشق‌بازی می کردند و فقط تا چند روز دیگر صاحب این مکان ابدی، ساکن همین مزار می شود.

غواص فریدونکنگاری در جمع خبرنگاران و ستولان در فریدونکنار می گوید:فرزندم تمایل زیادی به درس خواندن داشت و برای این کار زیاد تلاش کرد و در نهایت دیپلم خود را در کردستان گرفت. پس از گرفتن مدرک دیپلم، در دانشگاهی در کردستان پذیرفته شد اما من در آنجا نبودم و برای حضور وی در آنجا داشتم و به همین دلیل پس از درخواست من وی به فریدونکنگار برگشت. حضورش در فریدونکنگار زیاد به طول انجامیدو دوباره به کردستان رفت.

نامه آخر او در جبهه را فراموش نمی‌کنم، در آن نامه نوشته بود این آخرین نامه‌ای است که برای شما می‌نویسم، به نظر می‌رسید از شهادتش آگاه شده بود. مسلم علاوه زیادی به مفقودالاش شدند.داشت فکر نمی‌کردم فرزندم را به این شکل تحویل بگیرم اما زمانی که به جبهه می‌رفت او را به‌خدا سپردم.

**خواهر غواص شهید از برادرش می گوید**
همچنین خواهر شهید،محمدرضاصلی‌زاده از شهدای غواص تازه تفحص شده، می گوید: محمدرضا بعد از شهادت شهید خروانی که از دوستانش بود، رفتی شد و ما این موضوع را در چهره‌اش می دیدیم. به مادرم می گفت دعاکن شهیدشوم.
همچنین خواهر شهید،محمدرضاصلی‌زاده در دیدار نماینده مردم از شهدای غواص تازه تفحص شده، می گوید: محمدرضا بعد از شهادت شهید خروانی که از دوستانش بود، رفتی شد و ما این موضوع را در چهره‌اش می دیدیم. به مادرم می گفت دعاکن شهیدشوم.
همچنین خواهر شهید،محمدرضاصلی‌زاده در دیدار نماینده مردم از شهدای غواص تازه تفحص شده، می گوید: محمدرضا بعد از شهادت شهید خروانی که از دوستانش بود، رفتی شد و ما این موضوع را در چهره‌اش می دیدیم. به مادرم می گفت دعاکن شهیدشوم.

نشاط انگیزی ما بر اثر وجود محمدرضا بود، برادرم شجاع بود و به کارهایش همیشه اخلاص مخرج می‌داد.برادرم دو دوست صمیمی داشت که هر دو نفر آنها هم یک‌بارکای هاهاطلاعات عملیات‌ای را داشت و سایشلش را با دوستانش عوض می‌کرد. عاشقش را با ساعت شنی شهید شریفی عوض کرده بود و که وقتی شریفی شهید شد برای همیشه آن را نگه داشت و دیگر این عادت را از دست داد. بعد از شهادت شریفی، خروانی دوست دیگرش هم شهید شد. محمدرضا دیگر محمد رضا ی قلی نبود. ما مدرم می گفت برابرم دعاکن، پیکروز مادرم گفت: بربايت چه دعایی کنی، گفتم: بربايم دعاکن رسيده بوديم که توان زړه‌ي دشمن به دليل بارش‌های باران در منطقه خورستان به شدت کاهش می‌یابد و در این شرایط انجام عملیات‌ها، به پس از آن می‌توانستیم با گرفتن خطوط دشمن در بهار مقابل تک‌های دشمن پادافند کنیم.

**مادر غواص شهید، می‌فراتجدیدبیدار، ۳۰ساله**
مسلم رسولی یکی از ۲۰ شهیدهای است که پیکرش همراه شهدای دیگر از روزهای ۱۵ تا ۱۹ مرداد در استان مازندران تشییع می‌شود و یکی به شهادت رسید.

**اشاره:** از فرودگاه نظامی تا

فرودگاه ملی، از رنج بی‌آبی تا انتقال آب سبـد جـگین، از درد بیماری تا ساخت بیمارستان‌های شبانه روزی، از بیم تارگی تا سـاخت تـیـر اـش برق و... همه این‌ها گوشه‌ای از تلاش غور مردان در زلای است که می‌کشند تا به عنوان پلان‌مداران

و پیش قراولان آبادانی و حضور در جنوب و جنوب شرق کشورما ر مقاطع فرمانده و پیشوایشان را اجرا کنند که می‌فرایند «حضور نیروی دریا» فعال شدن نیرو، کارهایی که می‌خواهید انجام بدهید، روی

منطقه (سواحل مکران) اثر خواهد گذاشت؛ امید مردم را بالا ببرید، اعتماد به نفسشان را از یاد میکند، احساس میکند نقطه اتکا کنی دارند.

علت اینکه من از سال‌ها پیش، همیشه روی این پایگاه‌های دریایی، ... کنارک تأکید می‌کردم، روی ساختمانها و... به خاطر همین بوده که این می‌تواند یک نقطه اتکایی باشد برای مردم خوب ما، مردم بلوچ ما؛ که در آن منطقه احساس کنند که جمهوری اسلامی در اینجا جایگاه و

نامه آخر او در جبهه را فراموش نمی‌کنم، در آن نامه نوشته بود این آخرین نامه‌ای است که برای شما می‌نویسم، به نظر می‌رسید از شهادتش آگاه شده بود. مسلم علاوه زیادی به مفقودالاش شدند.داشت فکر نمی‌کردم فرزندم را به این شکل تحویل بگیرم اما زمانی که به جبهه می‌رفت او را به‌خدا سپردم.

**خواهر غواص شهید از برادرش می گوید**
همچنین خواهر شهید،محمدرضاصلی‌زاده از شهدای غواص تازه تفحص شده، می گوید: محمدرضا بعد از شهادت شهید خروانی که از دوستانش بود، رفتی شد و ما این موضوع را در چهره‌اش می دیدیم. به مادرم می گفت دعاکن شهیدشوم.
همچنین خواهر شهید،محمدرضاصلی‌زاده در دیدار نماینده مردم از شهدای غواص تازه تفحص شده، می گوید: محمدرضا بعد از شهادت شهید خروانی که از دوستانش بود، رفتی شد و ما این موضوع را در چهره‌اش می دیدیم. به مادرم می گفت دعاکن شهیدشوم.

نشاط انگیزی ما بر اثر وجود محمدرضا بود، برادرم شجاع بود و به کارهایش همیشه اخلاص مخرج می‌داد.برادرم دو دوست صمیمی داشت که هر دو نفر آنها هم یک‌بارکای هاهاطلاعات عملیات‌ای را داشت و سایشلش را با دوستانش عوض می‌کرد. عاشقش را با ساعت شنی شهید شریفی عوض کرده بود و که وقتی شریفی شهید شد برای همیشه آن را نگه داشت و دیگر این عادت را از دست داد. بعد از شهادت شریفی، خروانی دوست دیگرش هم شهید شد. محمدرضا دیگر محمد رضا ی قلی نبود. ما مدرم می گفت برابرم دعاکن، پیکروز مادرم گفت: بربايت چه دعایی کنی، گفتم: بربايم دعاکن رسيده بوديم که توان زړه‌ي دشمن به دليل بارش‌های باران در منطقه خورستان به شدت کاهش می‌یابد و در این شرایط انجام عملیات‌ها، به پس از آن می‌توانستیم با گرفتن خطوط دشمن در بهار مقابل تک‌های دشمن پادافند کنیم.

**مادر غواص شهید، می‌فراتجدیدبیدار، ۳۰ساله**
مسلم رسولی یکی از ۲۰ شهیدهای است که پیکرش همراه شهدای دیگر از روزهای ۱۵ تا ۱۹ مرداد در استان مازندران تشییع می‌شود و یکی به شهادت رسید.

**ساخت و بهینه‌سازی جاده‌ها**

وی در ابتدا درباره ساخت جاده مناسب برای مسیر دسترسی

**حکاسه پایداری**

زمینی به منطقه می‌گوید: در بحث محرومیت‌زدایی نخستین‌موضوعی که‌حاز اهمیت تلقی می‌شود، بحث راه است که ما از بندرعباس تا جاسک حدود ۳۰۰ کیلومتر و از جاسک تا کنارک هم به همین اندازه و از چابهار تا پسانبدر حدود ۱۰۰ کیلومتر راه برای مرمت پیش‌رو داشتیم که همه این مسیرها به طور یک راه دسترسی ساده مطرح بود و هیچ‌گونه کار راه سازی برای آن انجام نشده بود تا جایی‌که در وقت و امدها و پیشرفت منطقه حتی تأثیر منفی داشت.

به همت کارکنان مهندسی نیروی دریایی ارتش، ۱۶۰ کیلومتر از ۲۰۰ کیلومتر جاده میناب تا جاسک بهینه‌سازی شد و در مسیر جاسک به کنارک هم کار شروع شده‌وی در این قسمت پیش‌تر به اینه و پل‌ها توجه شده‌است.

همین تلاش‌ و پیگیری‌ها موجب شده است تا در مسیرهایی که در گذشته تعداد اندکی خودرو رفت و آمد می‌کرد، امروز بعضیا شاهد ترافیک جاده ای می باشیم. یکی از آثار این رفت و آمد بهانه ایجاد امنیت است و این سبب می‌شود غیرعامل نادجا ایسن اقدام را یک وظیفه شرعی می‌داند. در همین راستا باوی گفتگویی را انجام می‌دهیم.

برادر یار دوم حسن جعفری با این که سال‌ها از تعهد و عمر خدمت‌اش سپری شده است ولی همچنان با دیدسی‌باز و نیتی پای استوار ایستاده‌است و علاوه‌بر انجام مأموریت‌های محوله سازمانی خود که به‌ویژه از امور ا شامل می‌شود، در راه به تمرینشتن تأثیرات فرمانده و مقتدایش رهبر فرزانة انقلاب بکوشد، باشدن که مقداری از کوه رنج مردمان محروم روستاها و دهکوره‌های سواحل مکران را از دوشان بردارد.

معاون مهندسی و پادفند غیرعامل نادجا ایسن اقدام را یک وظیفه شرعی می‌داند. در همین راستا باوی گفتگویی را انجام می‌دهیم.

**انتقال آب سد جگین به جاسک**

جعفری درباره اقدامات به عمل آمده برای بهر مندی مردم از آب شیرین، می‌گوید: در بخش

آب و برق هم مشکلات بسیاری در این منطقه وجود دارد که با پیگیری‌های متعددی که معاونت مهندسی نیروی دریایی ارتش انجام‌داد، خوشبختانه ۹۵ درصد اقدامات انتقال آب سد جگین به بندر جاسک انجام گرفته است که پس از اتمام این پروژه برابر اعلام وزارت نیرو حداقل آب شرب ۱۵۰ هزار نفر تأمین می‌شود و این اقدامی است که جعفری به آن اشاره می‌کند و می‌افزاید: با کمک و پیگیری‌های نیروی دریایی ارتش علاوه بر این که بیمارستان ۲۳ تختخوابی جاسک از حالت منفعل به یک بیمارستان

دست اقدام است و در همین راستا جساتی را با وزارت نیرو و اعضای کارگروه توسعه سواحل مکران به ریاست آقای جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهوری برگزار کرده‌ایم که خوشبختانه نتایج مثبتی در برداشته است.

تلاش برای ساخت بیمارستان در سواحل مکران موضوع دیگری است که جعفری به آن اشاره می‌کند و می‌افزاید: با کمک و پیگیری‌های نیروی دریایی ارتش علاوه بر این که بیمارستان ۲۳ تختخوابی جاسک از حالت منفعل به یک بیمارستان



شبه روزی مبدل شد، در حال رازینی برای تأمین نیروی انسانی متخصص و افزایش ظرفیت این بیمارستان هستیم کما این که کارکن این بیمارستان، نیروی دریایی ارتش طرح ساخت بیمارستان ۴۴ تختخوابی را در این شهر در دستور کار قرار داده‌است که با تأمین اعتبار عملیاتی خواهد شد.

در شهرستان کنارک هم طرح ساخت بیمارستان ۴۴ تختخوابی در دستور کار قرار داده‌است که با تأمین مراحل پایانی را سپری می‌کند و تا اوایل سال ۹۵ افتتاح می‌شود. وی همچنین به اقدامات معاونت تحت امرش برای سهولت گسترش شرف جاسک اشاره می‌کند و می‌گوید: ما توانستیم با رفع مشکلات پیش رو در جمله مساله در منظوره کردن فرودگاه، تطویل باند فرود، بازسازی و تکمیل پایانه و همچنین ساخت برج کنترل پرواز

**ساخت نیروگاه برق ۶۳ کیلو وات**

معاون مهندسی و پادفند غیرعامل نادجا در ادامه به‌ساخت نیروگاه برق ۶۳ کیلو وات اشاره می‌کند و می‌گوید: به منظور برق‌رسانی به مردم مستقر در سواحل مکران، ساخت یک نیروگاه ۶۳ کیلوواتی برای افزایش توان و همچنین ساخت برج کنترل پرواز

**آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت الباق تر که هدف بنیادین شده به شماره ۱۳۷۰**

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت فوق دعوت می گردد در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که در تاریخ ۱۳۹۴/۵/۲۸ ساعت ۸:۰۰ در محل محل شرکت حضور به هم رسانید.

**دستور جلسه:**
انتخاب بازرس - تصویب تراز و حساب سود و زیان سالانه و تعیین هیئت مدیره

پاداش هیئت‌مدیره

**آگهی تغییرات سهام بی نام به سهام با نام شرکت هنزا (سهامی خاص) شماره ثبت ۱۰۰۲۴۴۷۱۰۰**

نظر به اینکه طبق تصمصم ۹۲۰۲۰۳۱۸ مجمع عمومی فوق العاده کلیه سهام بی نام شرکت به سهام با نام تبدیل گردیده است لذا به موجب این آگهی به کلیه سهامداران این سهام بی نام اطلاع می گردد که مستنداً به ماده ۴۴۰ قانون تجارت در مدت حداکثر ۶ ماه پس از تاریخ سهام خود به هر مزر که شرکت مراجعه فرمایند، بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور

کلیه سهام بی نام شرکت باطل و اعتباری نخواهد داشت.

**توضیحات:**
تغییرات سهام بی نام شرکت صنایع الکتریک الوند هنزا (سهامی خاص)

**آگهی مناقصه عمومی (نوبت دوم)**

۱- **مناقصه گراژ:** اداره کل بیمه سلاط استان هرمزگان ۲- **موضوع مناقصه:** اجرای اسکلت و سقف تارگی ساختمان‌داری بیمه سلاطمت در شهرستان قسم به‌مساحت تقریبی ۱۲۵۵ مترمربع.

۳- **تعیین نوع تضمین شرکت در مناقصه:** ضمانتنامه بانکی به‌مبلغ ۲۷۵۰۰۰/۰۰۰ ریال و نیز به حساب شماره ۲۲۲۲۲۷۰۰۰ بانک ملی شعبه بیمه سلامت.

۴- **مهلت اجرا:** شام

۵- **تاریخ اخذ اسناد مناقصه:** از تاریخ اول نوبت درج این آگهی لغایت تاریخ ۹۴/۵/۲۱

۶- **تاریخ تحویل پاکت‌ها:** تا پایان وقت اداری مورخ ۹۴/۵/۲۱

۷- **تاریخ بازگشایی پاکت‌ها:** از ساعت ۱۱ صبح مورخ ۹۴/۶/۱

۸- **محل دریافت اسناد مناقصه:** و تحویل و بازگشایی پاکت‌ها: اداره کل بیمه‌سلاط استان هرمزگان واحد حراست.

۹- **توضیحات:**
پیشنهادهای مفروضه و محدودش و پیشنهادهایی که بعد از انقضای مدت مقرر آگهی در مناقصه واصل شده ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۱۰- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه درج شده است.

**آگهی فراخوان عمومی**

**آگهی فراخوان عمومی**

**آگهی فراخوان عمومی**

**آگهی فراخوان عمومی**

**آگهی فراخوان عمومی**

**آگهی فراخوان عمومی**

**آگهی فراخوان عمومی**

**آگهی فراخوان عمومی**

**آگهی فراخوان عمومی**

**آگهی فراخوان عمومی**

**آگهی فراخوان عمومی**

**حکاسه پایداری**

نیرو-هماهیا کرده‌است.

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**حکاسه پایداری**

**آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت الباق تر که هدف بنیادین شده به شماره ۱۳۷۰**

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت فوق دعوت می گردد در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که در تاریخ ۱۳۹۴/۵/۲۸ ساعت ۸:۰۰ در محل محل شرکت حضور به هم رسانید.

**دستور جلسه:**
انتخاب بازرس - تصویب تراز و حساب سود و زیان سالانه و تعیین هیئت مدیره

پاداش هیئت‌مدیره

**آگهی تغییرات سهام بی نام به سهام با نام شرکت هنزا (سهامی خاص) شماره ثبت ۱۰۰۲۴۴۷۱۰۰**

نظر به اینکه طبق تصمصم ۹۲۰۲۰۳۱۸ مجمع عمومی فوق العاده کلیه سهام بی نام شرکت به سهام با نام تبدیل گردیده است لذا به موجب این آگهی به کلیه سهامداران این سهام بی نام اطلاع می گردد که مستنداً به ماده ۴۴۰ قانون تجارت در مدت حداکثر ۶ ماه پس از تاریخ سهام خود به هر مزر که شرکت مراجعه فرمایند، بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور

کلیه سهام بی نام شرکت باطل و اعتباری نخواهد داشت.

**توضیحات:**
تغییرات سهام بی نام شرکت صنایع الکتریک الوند هنزا (سهامی خاص)

**آگهی مناقصه عمومی (نوبت دوم)**

۱- **مناقصه گراژ:** اداره کل بیمه سلاط استان هرمزگان ۲- **موضوع مناقصه:** اجرای اسکلت و سقف تارگی ساختمان‌داری بیمه سلاطمت در شهرستان قسم به‌مساحت تقریبی ۱۲۵۵ مترمربع.

۳- **تعیین نوع تضمین شرکت در مناقصه:** ضمانتنامه بانکی به‌مبلغ ۲۷۵۰۰۰/۰۰۰ ریال و نیز به حساب شماره ۲۲۲۲۲۷۰۰۰ بانک ملی شعبه بیمه سلامت.

۴- **مهلت اجرا:** شام

۵- **تاریخ اخذ اسناد مناقصه:** از تاریخ اول نوبت درج این آگهی لغایت تاریخ ۹۴/۵/۲۱

۶- **تاریخ تحویل پاکت‌ها:** تا پایان وقت اداری مورخ ۹۴/۵/۲۱

۷- **تاریخ بازگشایی پاکت‌ها:** از ساعت ۱۱ صبح مورخ ۹۴/۶/۱

۸- **محل دریافت اسناد مناقصه:** و تحویل و بازگشایی پاکت‌ها: اداره کل بیمه‌سلاط استان هرمزگان واحد حراست.

۹- **توضیحات:**
پیشنهادهای مفروضه و محدودش و پیشنهادهایی که بعد از انقضای مدت مقرر آگهی






























**شرکت فروش اموال مزاد بانکها (فام)**

**مزایده شماره ۵/۹۴**

**آرامش در خرید،**

**اطمینان در سرمایه گذاری**

**پنجاه و سومین مزایده بزرگ املاک مزاد سیستم بانکی کشور**

**( اختصاصی، ویژه املاک مزاد بانک سپه )**

**شرکت فروش اموال مزاد بانک ها (فام)** در نظر دارد املاک مزاد بر نیاز بانک سپه در تهران و دیگر استان ها را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر، بازدید از املاک، دریافت اسناد مزایده و تسلیم پیشنهادات خود همه روزه حتی ایام تعطیل از ساعت ۸ صبح لغایت ۸ شب به نشانی **تهران، خیابان کریمخان زند، بین خیابان های شهید عضدی (آبان) و استاد نجات الهی (ویلا)، جنب بانک ملی (شعبه اردشیر)، پلاک ۲۴۲، طبقه پنجم** (دفتر مرکزی) مراجعه و یا با کارگزاران استان ها هماهنگی لازم بعمل آورند. پاکت های پیشنهادات ارائه شده در روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۴/۶/۳ ساعت ۱۱ صبح در باشگاه بانک سپه واقع در تهران، خیابان استاد مطهری شرقی، بعد از چهارراه سهروردی، در حضور اعضاء کمیسیون معاملات و نمایندگان بانک سپه مفتوح و قرائت خواهد شد. همچنین حضور شرکت کنندگان در جلسه بازگشایی اختیاری و منوط به ارائه رسید تسلیم اسناد به شرکت می باشد.

### توضیحات و شرایط:

۱) مبلغ سپرده شرکت در مزایده معادل ۵٪ مبلغ پایه مندرج در آگهی می باشد که طبق مندرجات اسناد مزایده الزامی بایست به یکی از حساب های ذیل به نام شرکت فروش اموال مزاد بانکها (فام) پرداخت شود. ضمناً جهت دریافت اسناد و اوراق مزایده ارائه فیش واریزی به مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ ریال به یکی از حساب های یاد شده الزامی است.

۲) بازدید از املاک و مطالعه مدارک و سوابق مربوطه قبل از شرکت در مزایده برای تمامی شرکت کنندگان در مزایده ضروری می باشد.

۲) بازدید از املاک و مطالعه مدارک و سوابق مربوطه قبل از شرکت در مزایده برای تمامی شرکت کنندگان در مزایده ضروری می باشد.

۳) مزایده‌گذار در رد یا قبول یک یا تمامی پیشنهادات خرید مختار است.

۴) کلیه املاک با وضع موجود بفروش می‌رسند و در صورت داشتن متصرف، تخلیه به عهده خریدار می‌باشد.

۵) کلیه املاک عرضه شده به استثناء مواردی که سهم عرضه شده در ستون توضیحات آنان قید گردیده شش دانگ می باشد.

شماره حساب ها							
ردیف	بانک	شعبه	شماره حساب	ردیف	بانک	شعبه	شماره حساب
۴	رفاه	مرکزی	۵۰۴۷۰۵۵۲	۱	سپه	بیهقی	۲۰۰۰۸۰۱۰۰۳۰۰۸
۵	کشاوری	مفتح	۶۶۰۳۷۷۲۵۹	۲	ملی	اردشیر	۰۲۰۵۶۱۵۱۷۴۰۰۱
۶	صنعت و معدن	فولاد	۰۲۰۰۰۴۷۷۵۶۰۰۱	۳	صادرات	نجات الهی شمالی	۰۲۰۹۵۰۴۷۳۵۰۰۹

**تلفن ویژه: ۴۲۰۵۸-۰۲۱ (سی خط)**

آخرین مهلت شرکت در مزایده و تحویل بکتهای پیشنهاد قیمت، تا ساعت ۲۰ روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۴/۶/۱ در استانها و تا ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۴/۶/۳ (روز بازگشایی بکات) در

دفتر مرکزی شرکت می باشد.

لطفاً به اصلاحات انجام شده در روزنامه **همشهری مورخ ۹۴/۵/۲۵** و یا سایت **www.fam-bank.ir** که ملاک عمل می باشد توجه فرمایید.

## فتر مرکزی و کارگزاری استان تهران:

• ۲۱-۸۸۹۳۳۹۱۶-۲۰, ۹۱۹۶۰۴۷۹۹۴

ارگزارى استان هاى خراسان رضوى ، شمالى و جنوبى :

ارگزارى استان بوشهر :

ارگزارى استان بوشهر :

از گزاری استان‌های که مانند شاه‌همدان، ایستات:

ارگزارى استان خوزستان :

## کارگزاری استان اصفهان و چهارمحال بختیاری:

### کارگزاری استان سمنان :

### کارگزاری استان کرمان و یزد :

کارکراری استان هرمزگان:

کارگزاری استان فارس:

کارگزاران، استان قم، قم و بنام البرز :

994 9955 1 0 9955

ردیف	کدملک	آدرس ملک	پلاک ثبتی	نوع ملک	کاربری	عرضه (متر مربع)	اعیان (متر مربع)	قیمت پایه (ریال)	توضیحات	شرایط پرداخت
۱	۲/۰۴۷۵۰	خیابان انقلاب- تقاطع خیابان شهیدمیری جایبد (آرشیویدشت)-پلاک (ساختمان ۸۷/۲۵۳) - طبقه پنجم جنوب غربی	۷۲۵۷۱/۲۵۳ قرعی از ۳۸۱۷ اصلی	آپارتمان	مسکونی	قدر السهم	۱۷۱	۵۸۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰	تخلیه-بضامضام پارکینگ (۳۰۱/۶۲)	ز
۲	۲/۰۴۷۶۱	خیابان بهار شمالی-کوچه باغیایی-پلاک ۱۲- طبقه سوم	۶۸۸۹/۷۱۸	آپارتمان	مسکونی	قدر السهم	۱۲۷/۱۹	۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	تخلیه-بضامضام انباری (۳۳۳/۶۴)	ز
۳	۲/۰۵۳۰۴۴	نهران - خ ناوران - روبروی ترمینال خاوران - انتهاهی کوچه یاسینی - بن بست نوین - پلاک ۶ جید (۴ قدیم)	۴۴۷۶/۲۶۳۲۴	ساختمان	مسکونی	۱۰۸	۲۲۸/۴۸	۳۳۷۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰	تخلیه- دارای انباری و پارکینگ - اعیان یاسینیان کار سال ۹۰ - عرصه پس از اصلاح (۹۶/۹۴ م.)	ز
۴	۲/۰۵۳۴۰۰	روامین - بعد از شهرک جوادآباد - کاربوته تر جاده جهان آباد - روستای طغان (بخش) - پلاک ۳ غرب روامین - محل سابق کشت و صنعت مزرعه بر لیان سرخ	۲۲۷/۱۵۰	زمین	کشاورزی - گاوداری	۲۸۷۰۸	۱۸۵۰	۴۰۶۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	زمین با مستحدثات گاو داری نیمه مقروبه و فاقد تاسیسات	ز
۵	۲/۰۵۵۹۳	فلانصدرا - خیابان شیراز شمالی - برج ایران سکتی - پلاک A - پلاک ۲۴۲ - طبقه همکف - محل سابق شعبه بانک ونگ بانک سپه	۸۱۰۶ و ۸۱۰۵ ۷۰/۸۱	مغازه	تجاری	قدر السهم	۱۲۰/۹۳	۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	تخلیه - اعیان شامل همکف تجاری (۳۰۷۷۰/۹۸ م.) و انبار (۳۰۴۵/۱۵ م.)	ز

ردیف	کدملک	آدرس ملک	پلاک ثبتی	نوع ملک	کاربری	عرصه (متر مربع)	اعیان (متر مربع)	قیمت پایه (ریال)	توضیحات	شرایط پرداخت
۱	۲/۰۵۵۷۱	مرغه - شهرک صنعتی (روستای خانقاه) - محل سابق شرکت مجتمع صنایع شیمیایی سپند مرغه	۹۹/۶۱۰	زمین	صنعتی	۴۴۷۵	۰	۲,۳۷۱,۷۵۰,۰۰۰	تخلیه - فاقد اعیانی	ز
۲	۲/۰۵۵۷۲	مرغه - شهرک صنعتی (روستای خانقاه) - محل سابق شرکت مجتمع صنایع شیمیایی سپند مرغه	۹۹/۶۱۱	زمین	صنعتی	۴۵۰۰	۰	۲,۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰	تخلیه - فاقد اعیانی	ز
۳	۲/۰۵۵۷۳	مرغه - شهرک صنعتی (روستای خانقاه) - محل سابق شرکت مجتمع صنایع شیمیایی سپند مرغه	۹۹/۶۱۲	زمین	صنعتی	۴۵۰۰	۰	۲,۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰	تخلیه - فاقد اعیانی	ز
۴	۲/۰۵۵۷۴	مرغه - شهرک صنعتی (روستای خانقاه) - محل سابق شرکت مجتمع صنایع شیمیایی سپند مرغه	۹۹/۶۱۳	زمین	صنعتی	۴۵۰۰	۰	۲,۰۲۵,۰۰۰,۰۰۰	تخلیه - فاقد اعیانی	ز
۵	۲/۰۵۵۷۵	مرغه - شهرک صنعتی (روستای خانقاه) - محل سابق شرکت مجتمع صنایع شیمیایی سپند مرغه	۹۹/۶۱۴	زمین	صنعتی	۴۶۳۹/۵۶	۰	۲,۳۱۹,۷۸۰,۰۰۰	تخلیه - فاقد اعیانی	ز
۶	۲/۰۵۵۷۶	مرغه - شهرک صنعتی (روستای خانقاه) - محل سابق شرکت مجتمع صنایع شیمیایی سپند مرغه	۹۹/۶۳۳	زمین	صنعتی	۴۹۷۵	۰	۲,۶۳۶,۷۵۰,۰۰۰	تخلیه - فاقد اعیانی	ز
۷	۲/۰۵۵۷۷	مرغه - شهرک صنعتی (روستای خانقاه) - محل سابق شرکت مجتمع صنایع شیمیایی سپند مرغه	۹۹/۶۳۴	زمین	صنعتی	۴۵۸۳/۵۲	۰	۲,۴۹۱,۷۶۰,۰۰۰	تخلیه - فاقد اعیانی	ز
۸	۲/۰۵۵۷۸	مرغه - شهرک صنعتی (روستای خانقاه) - محل سابق شرکت مجتمع صنایع شیمیایی سپند مرغه	۹۹/۶۳۵	زمین	صنعتی	۵۰۰۰	۰	۲,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	تخلیه - فاقد اعیانی	ز
۹	۲/۰۵۵۷۹	مرغه - شهرک صنعتی (روستای خانقاه) - محل سابق شرکت مجتمع صنایع شیمیایی سپند مرغه	۹۹/۶۳۶	زمین	صنعتی	۴۵۰۰	۰	۲,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	تخلیه - فاقد اعیانی	ز
۱۰	۲/۰۵۵۸۰	مرغه - شهرک صنعتی (روستای خانقاه) - محل سابق شرکت مجتمع صنایع شیمیایی سپند مرغه	۹۹/۶۳۷	زمین	صنعتی	۵۰۰۰	۰	۲,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	تخلیه - فاقد اعیانی	ز

ردیف	کد ملک	آدرس در ملک	پلاک ثبتی	نوع ملک	کاربری	عرصه (متر مربع)	ایعان (متر مربع)	قیمت پایه (ریال)	توضیحات	شرایط پرداخت
۱	۲/۰۳۰۵۵	ارومیه- خیابان مطهری- کوچه چهارم مسجد خلیب)- نبش کوچه کوثر- پلاک ۳۹	باقی‌مانده ۷۸/۱	ساختمان	مسکونی	۱۷۸/۹۵	۶۴۷	۳۰,۷۶۸,۰۰۰,۰۰۰	تخلیه - اعیان در ۳ طبقه شامل زیرزمین(اتریشی)، سقف (۳۰۷۹)م.مقدار (۳۳۴)م. در قالب دو واحد تجاری به سه سقف و انکدار گزیده است و طبقات ۴ و مسکونی	ز
۲	۲/۰۳۳۹۵	خوی- بلوار مطهری - کوچه شهید اسماعیلو - پلاک ۱۱	۵۱۴/۱۱	ساختمان	مسکونی	۱۷۰/۳۰	۳۳۰	۳۰,۴۳۰,۰۰۰,۰۰۰	متصرف دارد - اعیان شامل سه طبقه	ز
۳	۲/۰۳۳۹۶	خوی- بلوار مطهری- کوچه قربانپور - پلاک ۱	باقی‌مانده از ۴۸۹/۵ بخش ۴ خوی	ساختمان	مسکونی	۱۴۹/۱۰	۲۵۵	۸۱۹,۳۰۰,۰۰۰	متصرف دارد- مقدار ۴۱۸ سهم از ۹۲۰ سهم از ششادنگ به نام بانک است- عرصه پس از اصلاحی (۳۱۶۶/۷۰)م.م	ز
۴	۲/۰۳۹۷	اشوبیه- جاده پیرانشهر - روستای قلعتیان-	۵۳ اصلی بخش ۱۲ ارومیه	زمین	مزرعی	۵۸۱۴۹	۰	۳۲۵,۶۳۰,۰۰۰	متصرف دارد- زمین دیم- حدود ۵ هکتار بصورت تاخت و صاف و مابقی در شیب و دامنه کوه	ز

ردیف	کدملک	آدرس ملک	پلاک ثبتی	نوع ملک	کاربری	عرصه (مترمربع)	اعیان (مترمربع)	قیمت پایه (ریال)	توضیحات	شرایط پرداخت
۱	۲/۰۵۵۸۱	نیر - روستای گلستان	۳۰۰/۲۸۴	ساختمان	مسکونی	۱۰۱۲	۲۱۰	۶۴۰,۰۰۰,۰۰۰	منصرف دارد - ملک ششای بوده و سهم بانک ۶۷۲ سهم از ۹۶۰ سهم از ششادنگ	ز
۲	۲/۰۵۵۸۲	اردبیل - خیابان دانشگاه (والی) - کوچه قدس ۲ - پلاک ۲۰	۳۳/۹۵۴/۱۵۱۹۰	ساختمان	مسکونی	۱۴۹/۵	۲۶۲	۱,۸۰۱,۷۴۸,۴۳۸	منصرف دارد - ملک ششای بوده و سهم بانک ۴۲/۱ سهم از ۹۶ سهم از ششادنگ عرصه و اعیان	ز
۳	۲/۰۵۶۳۱	اردبیل - شهرک صنعتی - فاز ۲ ورودی شهرک - میدان صنعت - سمت راست انتهای خیابان - خیابان سرو - قطعه ۱۶ - شرکت بسته بندی حیوانات	۱۵۵۴۹۱۳۳ اصلی مفروز و مجزا شده از ۵۰۰ فرعی از اصلی	محل کارخانه	پسته پنذی حیوانات	۱۹۵۹/۵۹	حدود ۴۸۴/۵	۲,۸۴۰,۷۳۳,۵۰۰	منصرف دارد - اعیان شامل سوله (۳۰۴۰۰) سهم، ساختمان اداری (۳۰۱۱۱) و نگهبانی (۱۴) (۳۰۱۱۱)	ز
اصفهان										
ردیف	کدملک	آدرس ملک	پلاک ثبتی	نوع ملک	کاربری	عرصه (مترمربع)	اعیان (مترمربع)	قیمت پایه (ریال)	توضیحات	شرایط پرداخت
۱	۲/۰۵۵۴۴	اصفهان - میدان آزادی - خیابان هزار جریب - بین پست یویان - مجتمع صبا - طبقه همکف	۴۹۳۲/۳۳۰۶	آپارتمان	مسکونی	قدرالسهم	۲۰۶/۵	۱۱,۶۶۵,۵۵۰,۰۰۰	تخلیه - باشماره کتبی انبار ۳/۶۳/۳ و یکپایه پارکینگ (۳۰۱۲/۵)	ز

۲	۲/۰۵۵۶۵	اصهان - خیابان هافت - خیابان مشیر - ایستگاه پنجال - کوچه هارویه - روبروی حمام انبلی	۵۰۷۸۵۰۷۷	مغزه	مسکونی وزنه	۲۱۱	۲۷۱	۳۹,۸۵۰,۰۰۰,۰۰۰	تخلیه - طبق اعلام شهرداری اعیان شامل بنای تجاری (۲۱۱ م.م) و انباری (۳۰۶ م.م)	ز
<b>پوشهر</b>										
<b>ردیف</b>	<b>کد ملک</b>	<b>آدرس ملک</b>	<b>پلاک ثبتی</b>	<b>نوع ملک</b>	<b>کاربری</b>	<b>عمر صه (متر مربع)</b>	<b>اعیان (متر مربع)</b>	<b>قیمت پایه (ریال)</b>	<b>توضیحات</b>	<b>شرایط پرداخت</b>
۱	۲/۰۳۱۴۴	جم - نبش خیابان نویی ورودی شهرک توحید (اساسشهر) - شرکت زمین صدف جم	۳۶,۳۷۲/۳	زمین و سوله	مسکونی	۴۰۰۰	۲۴۶۰	۷,۹۱۱,۰۰۰,۰۰۰	تخلیه - بصورت تیرگیه کار و متروک	ز
۲	۲/۰۲۲۲۷	برازجان - روستای آبفویل - جنب خانه یادداشت: منزل احمد سارانی	۴۱۵۵/۱۷	ساختمان	مسکونی	۳۲۸/۰۱	۱۰۰	۱۴۰,۱۴۷,۰۰۰	متصرف دارد - ۲۹/۹ دانگ شمع از ششدانگ به نام بانک است - عرصه حقوق سند یا بوضع موجود از مغایرت: عرصه یادداشت: متروک و انکار می شود - قیمت پایه صراف ارزش سهم بانک می باشد	ز
۳	۲/۰۲۲۴۶	پوشهر - بهمنی - خیابان شهید ماهینی - کوچه پژوهشی ۳۳	۱۱۱۰/۰۵	ساختمان	مسکونی	۲۷۷/۵	۳۲۷/۵۰	۱,۵۸۰,۰۲۷,۰۲۷	متصرف دارد - ۷۸- سهم شمع از ۲۷۷ سهم از ششدانگ به نام بانک است - قیمت پایه صراف ارزش سهم بانک می باشد	ز
۴	۲/۰۵۵۶۸	دوار - خیابان گلزار شهدا - جنب نانویی - منزل ابول نعمتی	۲۴۵۱/۱۸۴	ساختمان	مسکونی	۵۸۷/۱۶	۳۵۹/۳۴	۱,۲۱۵,۰۸۰,۰۰۰	تخلیه	ز
۵	۲/۰۳۱۱۴	پوشهر - جنوب روستای چاه کوتاه - قسمت شرق - ابتدای چاده چاه کوتاه به پایر - شرکت مکانیزاسیون کشاورزی گروه ۷۵۴	۳۷۶۴/۴۵۱	زمین و مستحدثات	کشاورزی	۱۰۰۱۵۹	۳۸/۲۵	۱,۰۱۹,۷۱۵,۵۵۴	متصرف دارد - ۸۰- سهم ۶۰۰۸۰ از ۱۰۱۵۹ سهم از ششدانگ به نام بانک است - قیمت پایه صراف ارزش سهم بانک می باشد	ز
۶	۲/۰۵۵۶۹	دوار - خیابان گلزار شهدا - جنب نانویی - منزل ابول نعمتی	۲۴۵۱/۰۵۱	مغزه	تجاری	۲۲/۶۶	۲۲/۶۶	۳۳۹,۹۰۰,۰۰۰	تخلیه	ز
۷	۲/۰۵۵۷۰	دوار - خیابان گلزار شهدا - جنب نانویی - منزل ابول نعمتی	۲۴۵۱/۹۰۲	مغزه	تجاری	۲۵/۱۰	۲۵/۱۰	۳۷۶,۰۵۰,۰۰۰	تخلیه	ز

ردیف	کدملک	آدرس ملک	پلاک ثبتی	نوع ملک	کاربری	عرصه (مترمربع)	اعیان (مترمربع)	قیمت پایه (ریال)	توضیحات	شرایط پرداخت
۱	۲/۰۵۵۹۶	بیروجند- شهرک صنعتی - بلوار تلاش شرقی - تلاش شرقی ۶	۱۵۸۴/۲۳	مدل کارخانه و ماشین آلات	صنعتی	۳۷۴۶/۴۷	۲۴۵۹/۴۲	۷,۱۴۴,۳۷۱,۵۰۰	تخلیه	ز
۲	۲/۰۵۵۹۷	قائن-شهرک صنعتی-بلوک صنعت فلزی- قفچه ۱۷۲ الی ۱۷۹ -مدل سابق،شرکت اپتکار قائن	-	مدل کارخانه و ماشین آلات	صنعتی	۱۰۱۸۶	۱۹۶۱	۸,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	تخلیه	ز
خراسان رضوی										
ردیف	کدملک	آدرس ملک	پلاک ثبتی	نوع ملک	کاربری	عرصه (مترمربع)	اعیان (مترمربع)	قیمت پایه (ریال)	توضیحات	شرایط پرداخت
۱	۲/۰۴۰۷۴	سبزوار-خیابان آستادآبی-بعد از میدان عظیمیان -قهقهه سوم شمالی-جنب ایمن، سیما	۱/۱۴۶/۱۷۹۵۸	زمین	مسکونی	۳۰۶/۱	۰	۱۳۳,۱۵,۳۵۰,۰۰۰	زمین گودبرداری شده است	ز
۲	۲/۰۴۵۲۱	مشهد - بلوار شهیددستغیب- بیستون ۲ (پیام ۱۶) - پلاک ۷ - پشت بازار کامپیوتر	۴/۶۷۱۹	ساختمان	مسکونی	۴۴۰	۲۷۱	۲۲,۵۴۰,۰۰۰,۰۰۰	تخلیه - عرصه استیجاری و وقفی- اعیان شامل همکف (م.م ۱۹۶) و زیرزمین (م.م ۷۵)	ز
۳	۲/۰۰۰۲۰۹	سبزوار - میدان رسالت- خیابان کاشغر - مدل سابق عطا ملک بانک سپه	۴/۱۵/۸۸	مغازه	تجاری	۲۷۳/۲۰	۱۷۷	۴,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	تخلیه- عرصه دارای عقب نشینی (م.م ۶۲/۶۰)	ز
۴	۲/۰۳۰۸۶	مشهد - خیابان پاسداران - خیابان پاسداران ۳- مقابل هتل جم - جنب پلاک ۷۹ - محل سابق شعبه جم بانک سپه	۲۱۰/۱	مغازه (سرفقش)	تجاری	-	۱۴۱/۱	۷,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰	تخلیه- اعیان شامل: زیرزمین (م.م ۹/۹) همکف (م.م ۱۲/۱۲) باشگاه با لک (م.م ۲۸/۳)	ز
۵	۲/۰۳۱۸۵	مشهد- خیابان خسروی -منبع شمالی- جنب شعبه بانک سپه- همکف هتل بستان- ضلع غربی	۴۲۸۷/۱ الی ۴۲۸۹	مغازه (سرفقش)	تجاری	-	۸۰	۲۳,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	تخلیه	ز

ردیف	کد ملک	آدرس ملک	پلاک ثبتی	نوع ملک	کاربری	عرضه (متر مربع)	اعیان (متر مربع)	قیمت پایه (ریال)	توضیحات	شرایط پرداخت
۱	۲/۰۴۶۵۰	آبخانه- باوار امام رضا شرقی- خیابان دولت (امام رضا) - فرعی اول سمت چپ- چهار راه دوم- قطعه دوم جنوب شرقی (نرسیده به راه روستا نادر آباد)	قوانماه ای	زمین	مسکونی	۱۶۱	۰	۱۶۱,۰۰۰,۰۰۰	تخلیه	ز

ردیف	کدملک	آدرس ملک	پلاک ثبتی	نوع ملک	کاربری	عرضه (متر مربع)	اعیان (متر مربع)	قیمت پایه (ریال)	توضیحات	شرایط پرداخت
۱	۲/۰۴۳۹۹	اهواز- کوی گلستان- کوی سعدی - خیابان کاشان غربی- پلاک ۴۳- مجتمع مسکونی جواد- طبقه سوم	۱۵۷۰/۶۵۶۴	آپارتمان	مسکونی	قدرالسهم	۹۰/۱۵	۱۰۱۲۶۰۸۷۵۰۰۰	متصرف دارد - بانضمام انباری	ز
۲	۲/۰۴۳۴۵	اهواز- کوی گلستان- کوی سعدی - خیابان کاشان غربی- پلاک ۴۳- مجتمع مسکونی جواد- طبقه چهارم	۱۵۷۰/۶۵۶۵	آپارتمان	مسکونی	قدرالسهم	۹۰/۲۰	۱۰۱۲۷۰۵۰۰۰۰۰	متصرف دارد - بانضمام انباری	ز
۳	۲/۰۴۳۴۱	اهواز- کوی گلستان- کوی سعدی - خیابان کاشان غربی- پلاک ۴۳- مجتمع مسکونی جواد- طبقه چهارم	۱۵۷۰/۶۵۶۶	آپارتمان	مسکونی	قدرالسهم	۹۹/۰۸	۱۰۲۴۷۰۵۰۰۰۰۰	متصرف دارد - بانضمام انباری	ز
۴	۲/۰۴۳۴۲	اهواز- کوی گلستان- کوی سعدی - خیابان کاشان غربی- پلاک ۴۳- مجتمع مسکونی جواد- طبقه اول	۱۵۷۰/۶۵۶۷	آپارتمان	مسکونی	قدرالسهم	۹۰/۱۵	۱۰۱۲۶۰۸۷۵۰۰۰	متصرف دارد - بانضمام انباری	ز
۵	۲/۰۴۳۴۳	اهواز- کوی گلستان- کوی سعدی - خیابان کاشان غربی- پلاک ۴۳- مجتمع مسکونی جواد- طبقه اول	۱۵۷۰/۶۵۵۸	آپارتمان	مسکونی	قدرالسهم	۹۰/۱۵	۱۰۳۰۰۱۷۵۰۰۰	متصرف دارد - بانضمام پارکینگ	ز
۶	۲/۰۴۳۴۴	اهواز- کوی گلستان- کوی سعدی - خیابان کاشان غربی- پلاک ۴۳- مجتمع مسکونی جواد- طبقه دوم	۱۵۷۰/۶۵۵۹	آپارتمان	مسکونی	قدرالسهم	۹۰/۲	۱۰۲۶۰۰۸۰۰۰۰۰	تخلیه- بانضمام پارکینگ	ز
۷	۲/۰۴۳۴۵	اهواز- کوی گلستان- کوی سعدی - خیابان کاشان غربی- پلاک ۴۳- مجتمع مسکونی جواد- طبقه دوم	۱۵۷۰/۶۵۶۰	آپارتمان	مسکونی	قدرالسهم	۹۹/۰۸	۱۰۲۴۷۰۵۰۰۰۰۰	متصرف دارد - بانضمام انباری	ز
۸	۲/۰۴۳۴۶	اهواز- کوی گلستان- کوی سعدی - خیابان کاشان غربی- پلاک ۴۳- مجتمع مسکونی جواد- طبقه دوم	۱۵۷۰/۶۵۶۱	آپارتمان	مسکونی	قدرالسهم	۹۰/۱۵	۱۰۱۲۶۰۸۷۵۰۰۰	تخلیه- بانضمام انباری	ز







۲۴	۲۰۲۳۵۱	گرمشاهه-دیزل آباد-خیابان ۱۰۱ - گرازگوران	۱۲۹/۱/۱۸	گراز	تجاری	۴۸۰۰	۱۴۶۸/۹۷	۸۰۴۵۸۰۲۹۳۱۶۷	منصرف دارد - مقدار ۱ دانگ ۱ شفاع از ششدانگ به نام بانک است - سرقتی باب مغازه قبلاً واگذار گردیده و کیفیت باب مغازه و یکپای انباری در حد شمالی مغزوبه می باشد	ز
----	--------	--	----------	------	-------	------	---------	--------------	--	---

**کهنکلیویه و بویراحمد**

ردیف	کدملک	آدرس ملک	پلاک ثبتی	نوع ملک	کاربری	عرصه (متر مربع)	ایمان (مترمربع)	قیمت پایه (ریال)	توضیحات	شرایط پرداخت
۱	۲/۰۵۰۷۶	دهشدت - خیابان شهید نورالدینی- بعد از تقاطع همدان فر	۶۱/۴۰۸	ساختمان	مسکونی	۱۲۹/۷۸	۲۶۴/۷۸	۹۳۴۰۴۱۶۰۰۰	تخلیه- محل فاقد پروانه ساختمانی می باشد	ز

ردیف	کدملک	آدرس ملک	پلاک ثبتی	نوع ملک	کاربری	عرصه (متر مربع)	ایمان (مترمربع)	قیمت پایه (ریال)	توضیحات	شرایط پرداخت
۱	۲/۰۵۶۱۹	شهرک صنعتی علی آباد - واقع در کیلومتر ۵ جاده علی آباد - گراز شهر - منطقه ۷۸۰۸۱ و ۹۴ و ۹۷ - محل سابق سردخانه پتکون	۲۹/۱۸۸۸اصلی و ۱۹/۲۹۷۰اصلی	محل سردخانه و ماشین آلات	صنعتی	۱۲۹۳۱	۹۲۸۶	۳۵۰۵۳۲۰۵۷۲۰۹۰۰	تخلیه - اعیان شامل سردخانه و فا ۱۰ (م.۲۶۰۰) و سردخانه فا ۲ (م.۲۶۰۰) و سایر مستحقات	ز
۲	۲/۰۰۸۷۷	بدر گذر - شهرک صنعتی - بلوار ساندنکی- نبش صنعت ۲ - محل سابق شرکت نیک پخت	۱۳/۱۸/۲/۶۱	محل و ماشین آلات	صنعتی	۳۱۰۱/۶۱	۱۱۶۴	۳۰۰۰۴۰۸۳۹۰۵۱	تخلیه- دارای پروانه ساخت برای (م.۱۱۰۰/۳۳) - بهرراه ماشین آلات تولید ماکارونی	ز
۳	۲/۰۳۰۴۸	گرگان- شهرک صنعتی آق قلا - قطعه ۶-۷ - محل سابق شرکت فولادسازان	۳/۱۲۷	محل و کارخانه و ماشین آلات	صنعتی	۳۹۳۷/۵	۲۲۷۶	۱۱۰۷۲۶۰۲۵۷۰۰۰	تخلیه - اعیان شامل دو سالن فولاد	ز
۴	۲/۰۵۶۱۸	شهرک صنعتی علی آباد - خیابان تلاش ۳ - مقابل کارخانه روغن گیتا طلایی گستان - محل سابق شرکت شاکوکیو و بسته بندی برنج دانه‌پز دانه	۲۹/۱۹/۱۸۸۸/۲۹۷۰اصلی و ۱۹/۷۰۴۷فرعی از	محل و ماشین آلات	صنعتی	۶۷۲۱	۳۸۱۰	۲۰۰۴۸۲۰۲۰۰۰۰	تخلیه	ز

ردیف	کدملک	آدرس ملک	پلاک ثبتی	نوع ملک	کاربری	عرصه (متر مربع)	ایمان (مترمربع)	قیمت پایه (ریال)	توضیحات	شرایط پرداخت
۱	۲/۰۰۸۸۸	دورود- قریه انگر انبار - کیلومتر ۲ جاده صنایع زرهی رهنی هاشم - محل سابق شرکت سمناس	۹۶/۳	محل کارخانه	صنعتی	۱۴۱۶۳	۱۲۳۵	۶۰۹۲۷۰۷۵۰۰۰۰	تخلیه- اعیان شامل یکپای سوله که سمت غربی و شمالی نیمه ویران و سقف و ۶۰٪ زیر آبن رفته است و ساختمان فاهی	ز

ردیف	کدملک	آدرس ملک	پلاک ثبتی	نوع ملک	کاربری	عرصه (متر مربع)	ایمان (متر مربع)	قیمت پایه (ریال)	توضیحات	شرایط پرداخت
۱	۲/۰۳۴۵۰	بهشهر - خیابان ایومار - خیابان بهارستان - کوچه اختر - طبقه اول واحد شرقی- واحد سوم	۴/۴۷۸۲	آپارتمان	مسکونی	قدرالسهم	۶۸/۹۵	۴۸۰۰۰۰۰۰۰۰	منصرف دارد	ز
۲	۲/۰۴۷۵۵	آمل - خیابان ارماف - روبروی ایران خودرو حدادی - نبش کوچه نوشاد - پلاک ۲۸۱ - مجتمع تجاری مسکونی - ط دوم شرقی	۳۳/۴۴/۱۳۴ و ۷۵۰/۳۸۸۶	آپارتمان	مسکونی	قدرالسهم	۱۱۲/۹	۱۰۳۸۱۰۸۹۶۰۰۰	منصرف دارد - بانضمام انباری	ز
۳	۲/۰۴۷۶۶	آمل - خیابان ارماف - روبروی ایران خودرو حدادی - نبش کوچه نوشاد - مجتمع تجاری مسکونی - طبقه همکف	۳۳/۴۴/۱۳۴ و ۷۵۰/۳۸۸۲	آپارتمان	مسکونی	قدرالسهم	۱۳۰/۹۲	۱۰۵۹۳۰۶۰۰۰۰۰	منصرف دارد - بانضمام انباری	ز
۴	۲/۰۳۴۴۸	بهشهر - روستای یکه توت	۸/۶۲۱	ساختمان	مسکونی	۳۷۴۲/۳۵	۷۱۴	۱۱۰۷۰۶۰۰۰۰۰۰۰	منصرف دارد- دارای اصلاحي	ز
۵	۲/۰۴۷۶۴	آمل - خ شیخ فضل اله نوری - فجر ۱۰ - پلاک ۴۱	۱۴/۱/۶۶	ساختمان	مسکونی	۲۵۳	۱۷۰	۱۰۴۸۵۰۰۰۰۰۰۰	منصرف دارد	ز
۶	۲/۰۳۲۹۹	مویران- چپرکود- روستای گرگون - کیلومتر ۵ منطقه لیور محرا - محل سابق دامداری صحرای قرز	۱۱/۱۷۳	محل دامداری	دامداری	۳۰۰۰	۱۱۸۲	۲۰۵۰۰۰۰۰۰۰۰	منصرف دارد	ز
۷	۲/۰۱۰۴۴	بابل- بلوار امام رضا - خیابان قاضشهر - روبروی فرهنگ شهر - جنب پمپ بنزین- محل سابق نمایندگی سایپا (فراخ پدک)	و پابانقه ۲۳۳۹ از ۲۸۱۵۳۰۸۱۴ و ۲۳۳۹ از ۲۳۳۹ از ۲۳۳۹ - فرعی	تجاری	مغازه و کارگاه	۸۰۰۸	۱۴۹/۲۴	۳۴۰۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰	تخلیه- دارای دو سوند مالکیت مغزا - عرصه پس از اصلاح (م.۳۷۷۰/۵۰)	ز

ردیف	کدملک	آدرس ملک	پلاک ثبتی	نوع ملک	کاربری	عرصه (متر مربع)	ایمان (متر مربع)	قیمت پایه (ریال)	توضیحات	شرایط پرداخت
۱	۲/۰۳۱۶۶	محلث سلفی - غرب خیابان شهید کاظمی میرآبادی - کوچه شعبه نفت(بست ۳ متری) - کدپستی۹۱۳۵۵۳۴۳۷۸۱	۴۰۷۱/۲۰۹۹	ساختمان	مسکونی	۱۴۱	۷۶	۳۷۲۰۰۰۰۰۰۰۰	منصرف دارد - اعیان شامل انبار (م.۳۲۸) - تیراهن و بنای مسکونی (م.۳۴۸) - تیرسقف تیرویی	ز
۲	۲/۰۳۳۲۳	ساوه - خیابان استاد مطهری - مطهری ۱۰ - کوچه بن بست شبنم(غرب ساووی) - کدپستی۹۳۷۴۰۳۷۱۶۰	۵/۱۹۵۵	ساختمان	مسکونی	۲۶۷/۲۰	۱۸۴	۴۰۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰	منصرف دارد - اعیان شامل زیرزمین و کارگری انباری (م.۳۱۵)	ز

**مرکزی**

ردیف	کدملک	آدرس ملک	پلاک ثبتی	نوع ملک	کاربری	عرصه (متر مربع)	ایمان (متر مربع)	قیمت پایه (ریال)	توضیحات	شرایط پرداخت
۱	۲/۰۳۱۶۶	محلث سلفی - غرب خیابان شهید کاظمی میرآبادی - کوچه شعبه نفت(بست ۳ متری) - کدپستی۹۱۳۵۵۳۴۳۷۸۱	۴۰۷۱/۲۰۹۹	ساختمان	مسکونی	۱۴۱	۷۶	۳۷۲۰۰۰۰۰۰۰۰	منصرف دارد - اعیان شامل انبار (م.۳۲۸) - تیراهن و بنای مسکونی (م.۳۴۸) - تیرسقف تیرویی	ز
۲	۲/۰۳۳۲۳	ساوه - خیابان استاد مطهری - مطهری ۱۰ - کوچه بن بست شبنم(غرب ساووی) - کدپستی۹۳۷۴۰۳۷۱۶۰	۵/۱۹۵۵	ساختمان	مسکونی	۲۶۷/۲۰	۱۸۴	۴۰۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰	منصرف دارد - اعیان شامل زیرزمین و کارگری انباری (م.۳۱۵)	ز

**شرکت تعاونی مسکن مهر ۷ منطقه ۱۴ (شماره ثبت ۳۲۱۲۲۹)**

**آگهی دعوت مجمع فوق العاده (نوبت اول)**
از کلیه اعضای این شرکت تعاونی دعوت می شود تا در مجمع فوق العاده (نوبت اول) که رأس ساعت ۱۰ روز دوشنبه ۹۴/۵/۲۴ در محل خیابان پیروزی بلوارابور بل دوم کوچه پرادران تورمحمدی مسجد انقلاب اسلامی تشکیل می شود حضوربهرسانند.

**دستور جلسه:** ۱-تصمیم گیری درخصوص انحلال تعاونی

**هیت مدیره**

**آگهی دعوت تشکیل مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده به شماره ثبت ۱۵۶۶۸۰۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۵۶۳۱۱**

بدینوسیله از تمامی سهامداران تعاونی شرکت پومر دعوت می شود که در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت که رأس ساعت ۹ صبح روز ۹۴/۵/۲۴ دستورجلسه:انتخاب اعضای هیأت مدیره

**هیات مدیره شرکت**

**آگهی مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت کنویر سازسانه های حفاظتی هوشمند آسیا (سهامی خاص) به شماره ثبت ۴۷۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۴۳۲۵**

از کلیه سهامداران دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی روز شنبه مورخ ۹۴/۵/۲۴ ساعت ۱۴ در محل جاده داموند، پارک فناوری پردیس، خیابان ناواری نهم پلاک ۹۴ در دفتر مرزی شرکت تشکیل شود.تصویب صورت های مالی، انتخاب بازرین، تعیین مدیران و سایر امور مربوطه

**هیت مدیره**

**اطلاعیه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده انجمن علمی وروانشناسی بابلی**
انجمن علمی وروانشناسی بابلی ایران مجمع عمومی عادی بهطور فوق العاده (نوبت اول) را جهت انتخابات ترمیمی برای انتخاب ۴ نفر از اعضای اصلی هیاتمدیره برگزارمی نماید. بدینوسیله از کلیه اعضای انجمن دعوت به عمل می آید در مجمع مذکور که روزشنبه مورخ ۹۴/۶/۱۲ ساعت ۱۱ الی ۹ در محل بلوار کشاورز خیابان وصال کوچه بهنام پلاک ۵ دفتر موقت انجمن برگزار خواهد شد، شرکت در مجمع.

**هیأت مدیره انجمن علمی وروانشاسی بابلی ایران**

**Invitation for Prequalification 94/17 For financing the guaranteed purchase project to reduce NRW in the cities of Bushehr and Borazjan in the frame of BOT contracts**
The Bushehr Water and Wastewater Company intends to implement the NRW reduction project in the cities of Bushehr and Borazjan through financing and guaranteed purchase in the frame of B.O.T. contract to be awarded to a qualified investor according to Item "a" (142) of the 5<sup>th</sup> Development Plan and following a competitive bidding process as per the relevant laws, regulations and executive orders and the following conditions:
**a- Summary description of the project**
To reduce Non-Reserve Water and to manage consumptions in the cities of Bushehr and Borazjan, the Bushehr Province Water and Wastewater Company require investment in this field. The periods for construction and operation are limited. The offtake purchaser is the Bushehr Province Water and Wastewater Company and the relevant Funds shall be ensured from the Guaranteed Water Purchase Credit Line stipulated in the national budget or from the increased revenues resulting from the operation.
**b- Investor's qualifications**
1- Capacity to ensure the required investment and having experience in the management, execution and operation of similar projects.
2- Qualified investors may obtain the relevant documents maximum by 14 days from the publication of this notice from the Company's Bureau for Contracts and submit the sealed envelope containing the completed forms of the mentioned documents along with their pro posed financial – Technical models maximum by Wednesday 14<sup>th</sup> October 2015 to:
Bushehr Province Water and Wastewater Company
Raees Ali Delvati Street
Bushehr, Iran
And obtain a receipt
3- The envelopes shall be opened on Sunday 18<sup>th</sup> October 2015 in the Bushehr Province Water and Wastewater Company.
4- The documents related to the cities of Bushehr and Borazjan must be prepared submitted in separate envelopes.
5- The Investor may participate in either one or both projects.

**گروه پوشکی مهریاد (بیمارستان قائم (عج) کرج)** در نظر دارد اجرای بخشی از

عملیات اجرایی معماری ساختمان اداری را از طریق مناقشه و اگذاز نماید. لذا از مجریان محترم حقیقی و حقوقی دارای صلاحیت اجراء دعوت میگردد با ارائه سوابق اجرایی در تاریخ های ذیل جهت دریافت اسناد مناقشه به دفتر فنی بیمارستان مراجعه فرمایند.

تاریخ ارائه سوابق اجرایی و دریافت اسناد مناقشه ۹۴/۵/۱۴
تاریخ ارائه پیشنهاد حق الزحمه (قبل از ساعت ۱۱ صبح ۹۴/۵/۱۸)
**تلفن هماهنگی:** ۰۲۶۳۲۷۷۱۰۰۱ - ۰۲۶۳۲۷۷۱۰۰۲

به نام خدا

تأسیسات الکتریکی و مکانیکی ساختمان اداری را از طریق مناقشه و اگذاز نماید. لذا از مجریان محترم حقیقی و حقوقی دارای صلاحیت اجراء دعوت میگردد با ارائه سوابق اجرایی در تاریخ های ذیل جهت دریافت اسناد مناقشه به دفتر فنی بیمارستان مراجعه فرمایند.

تاریخ ارائه سوابق اجرایی و دریافت اسناد مناقشه ۹۴/۵/۱۴
تاریخ ارائه پیشنهاد حق الزحمه (قبل از ساعت ۱۱ صبح ۹۴/۵/۱۸)
**تلفن هماهنگی:** ۰۲۶۳۲۷۷۱۰۰۱ - ۰۲۶۳۲۷۷۱۰۰۲

به نام خدا

تأسیسات الکتریکی و مکانیکی ساختمان اداری را از طریق مناقشه و اگذاز نماید. لذا از مجریان محترم حقیقی و حقوقی دارای صلاحیت اجراء دعوت میگردد با ارائه سوابق اجرایی در تاریخ های ذیل جهت دریافت اسناد مناقشه به دفتر فنی بیمارستان مراجعه فرمایند.

تاریخ ارائه سوابق اجرایی و دریافت اسناد مناقشه ۹۴/۵/۱۴
تاریخ ارائه پیشنهاد حق الزحمه (قبل از ساعت ۱۱ صبح ۹۴/۵/۱۸)
**تلفن هماهنگی:** ۰۲۶۳۲۷۷۱۰۰۱ - ۰۲۶۳۲۷۷۱۰۰۲

**دستور جلسه:**
۱- استماع گزارش هیأت مدیره شرکت.
۲- تصویب گزارش هیأت مدیره درباره فعالیت های اتاق
۳- بررسی و اتخاذ تصمیم نسبت به ترازنامه و گزارش های مالی
۴- بررسی اوجه پیشنهادی برای سسال راری و تصویب آن
۵- انتخاب اعضای هیئت مدیره
۶- انتخاب بازرسان
۷- تعیین روزنامه کنترالانشار
۸- بحث و بررسی درباره خط منشی
۹- پنده اتاق
۱۰- کلیه اعضای داوطلب عضویت در هیئت مدیره و بازرسی می بایستست از تاریخ ۹۴/۵/۲۸ لغایت ۹۴/۶/۲۳ تقاضای خود را حضوراً از محل دبیر خانه اتاق به ثبت برسانند.
۱۱- بدیهی است تقاضاهایی که خارج از دوره مقرر قانونی به دبیر خانه اتاق اعلام گردد قبول قایل نمی باشد.

**هیت مدیره اتاق بازرگانی ایران و سوند**

**فراخوان شوبهر برای منظور تأمین منابع مالی خرید تضمینی عملیات کاهش آب بدون در آمد شهرهای شوبهر و برازجان در قالب قراردادای B.O.T. برازجان در قالب قراردادای B.O.T. نوبت اول**

**شرکت آب و فاضلاب استان بوشهر** در نظر دارد تأمین منابع مالی، خرید تضمینی پروژه کاهش مآش آب بدون درآمد در شوبهرهای شوبهر و برازجان را در قالب قراردادی B.O.T. براساس بند «الف» ماده (۱۴۲) قانون برنامه پنجم توسعه از طریق رقابت عمومی و با رعایت قوانین، مقررات و آیین نامه های اجرایی مربوطه و با شرایط ذیل، به سرمایه گذار واجد شرایط واگذار نماید.

**الف) شرح مختصری از پروژه:**

شرکت آبفا استان بوشهر به منظور کاهش میزان آب بدون درآمد و مدیریت مصرف آب در شهرهای شوبهر و برازجان، نیاز به سرمایه گذاری در این بخش دارد. دوره احداث و بهره برداری، مدت محدود در نظر گرفته می شود، خریدار شرکت آب و فاضلاب استان بوشهر و محل تأمین اعتبار از محل ردیف ملی خرید تضمینی آب و افزایش درآمد ناشی از عملیات می باشد.
**ب) شرایط سرمایه گذاری:**
۱- امکان تأمین سرمایه مورد نیاز و داشتن سابقه مدیریتی، اجرایی و سرمایه گذاری در پروژه های مشابه
۲- سرمایه گذران واجد شرایط می توانند حداکثر تا ۱۴ روز از تاریخ انتشار این آگهی در روزنامه، اسناد مربوط را از دفتر امور قراردادهای این بخش انتشار دریافت و حداکثر تا روز چهارشنبه مورخ ۹۴/۶/۲۲ اسناد مذکور را تکمیل و بوشهر رخ رئیسعلی دلاری - شرکت آب و فاضلاب استان بوشهر تحویل و رسید دریافت دارند.
۳- تاریخ بازگشایی اسناد مذکور در روز یکشنبه مورخ ۹۴/۶/۲۲ در محل خرید آبفا بوشهر می باشد.
۴- پاکت های مربوط به اسناد شهرهای بوشهر و برازجان، بایستی به صورت جداگانه تهیه و تسلیم گردد.
۵- سرمایه گذار در خصوص شرکت در یک یا هر دو پروژه مختار است.

**دفتر قراردادها**
**شرکت آب و فاضلاب استان بوشهر**

۳	۲/۰۳۵۶۵	خمین - جاده رباطرpad - خیابان روستای یمن - محل سابق شرکت تعاونی شیرآوران کوهر خمین	۶۳۵۷/۹	کوداری	محل کوداری	۸/۸۴	۴۰۳۳۰۷۵۰۰۰۰۰	۷۸۰	تخلیه - اعیان شامل ساختمان اداری و استراحتگاه در دو طبقه (م.۱۰۰۰) - سرقتی و یکپای نیمه کاره است. سالن دامداری (م.۳۴۶۰)، انبار علوفه (م.۱۴۴) و سالن شیردوشی (م.۱۷۳)	ز
---	---------	--	--------	--------	------------	------	--------------	-----	--	---

**هرمزان**

ردیف	کدملک	آدرس ملک	پلاک ثبتی	نوع ملک	کاربری	عرصه (متر مربع)	ایمان (متر مربع)	قیمت پایه (ریال)	توضیحات	شرایط پرداخت
۱	۲/۰۴۶۸۴	کیش-شهرک صدف-فاز دو-مجمع خدماتی گستان- طبقه اول - غرفه ۶۲	۷۴۱۱	مغازه	خدماتی	قدرالسهم	۴۸/۵	۷۰۶۳۸۰۷۵۰۰۰۰۰	منصرف دارد	ز
۲	۲/۰۲۳۳۹	کیش- بازار پردیس- ورودی قسمت اداری طبقه اول - غرفه ۲۰۸	۷۶۶۲	مغازه	تجاری	قدرالسهم	۳۹/۸۰	۵۰۸۵۰۰۸۱۰۰۰۰۰	منصرف دارد	ز
۳	۲/۰۲۳۵۷	کیش- بازار بین المللی ونوس- طبقه همکف- غرفه ۹۱	۲۸۸۷	مغازه	تجاری	قدرالسهم	۶۲/۶۲	۱۱۰۱۷۴۰۱۰۰۰۰۰۰	منصرف دارد	ز
۴	۲/۰۲۳۵۸	کیش- بازار بین المللی ونوس- طبقه همکف- غرفه ۱۰	۳۰۷۴	مغازه	تجاری	قدرالسهم	۷۲/۶۰	۱۲۰۹۵۰۱۰۰۰۰۰۰	منصرف دارد	ز
۵	۲/۰۲۳۵۹	کیش- بازار بین المللی ونوس- طبقه اول- غرفه ۲۲۶	۲۹۸۱	مغازه	تجاری	قدرالسهم	۲۱	۲۰۸۶۶۰۵۰۰۰۰۰۰	منصرف دارد	ز
۶	۲/۰۵۵۵۰	کیش - بازار بین المللی ونوس - طبقه همکف - شماره ۴۹	۲۸۳۰	مغازه	تجاری	قدرالسهم	۷۲	۱۲۰۶۷۲۰۰۰۰۰۰۰۰	منصرف دارد	ز
۷	۲/۰۵۵۵۱	کیش - بازار بین المللی ونوس - طبقه همکف - شماره ۵۰	۲۸۳۱	مغازه	تجاری	قدرالسهم	۷۲	۱۲۰۶۷۲۰۰۰۰۰۰۰۰	منصرف دارد	ز

**همدان**

ردیف	کدملک	آدرس ملک	پلاک ثبتی	نوع ملک	کاربری	عرصه (متر مربع)	ایمان (متر مربع)	قیمت پایه (ریال)	توضیحات	شرایط پرداخت
۱	۲/۰۲۳۳۹	رزن-شهرک فرهنگیان- میدان معلم-خیابان ارشد-خیابان رسالت-کوچررسالت۶	۵۹/۱۲۷۴	ساختمان	مسکونی	۲۳۹/۱۰	۲۳۲/۴۰	۵۲۴۰۵۰۰۰۰۰۰	منصرف دارد- ۵۷ شهیر شفاع از ۹۶ شهیر از ششدانگ	ز
۲	۲/۰۳۱۱۹	تویسرکان- خیابان امیرکبیر	۱۳۷۴/۳۹	ساختمان	مسکونی	۳۴۸/۷۰	۲۹۸	۱۰۵۱۲۰۶۳۷۰۵۰۰	منصرف دارد - ۴۴/۴۶ شهیر شفاع از ۹۶ شهیر از ششدانگ	ز
۳	۲/۰۳۱۲۴	رزن- شهرک فرهنگیان - میدان معلم - خیابان ارشد - خیابان رسالت یک - با استراقرار شمالی - جنوبی	۵۹/۳۴۹	ساختمان	مسکونی	۲۴۰	۱۵۷	۷۱۴۰۵۰۰۰۰۰۰۰	منصرف دارد - ۴۰ مترمربع از حیاط بصورت مغازه - ۷ شهیر شفاع از ۹۶ شهیر از ششدانگ	ز
۴	۲/۰۴۷۱۴	همدان - بلوار آیت الله کاشانی-کوچه مسجد حیراز اتفاقا بین بست شهیدان ثمری	۱۰۰۰/۴ الی ۱۰۰۶/۲	ساختمان	مسکونی	۳۲۳/۷	۳۳۰	۱۰۶۰۷۰۷۱۳۰۵۶۲	منصرف دارد - ۹۶ شهیر از شفاع از ۹۶ شهیر از ششدانگ	ز
۵	۲/۰۳۱۲۰	ملایر- اول جاده همدان - روستای حاجی آباد	۲۰۴۶/۵۹۶	محل کوداری	کوداری	۵۲۴۷/۱۹	۱۴۰	۲۰۷۷۸۰۴۴۹۰۳۳۴	منصرف دارد- ۱/۷ شهیر شفاع از ۹۶ شهیر ششدانگ	ز
۶	۲/۰۳۷۷۹	رزن - اول روستای وفس	۱۵۴/۴۲	کوداری	کوداری	۲۵۰۰	۸۶۶	۱۰۵۴۵۰۰۰۰۰۰۰۰	منصرف دارد	ز
۷	۲/۰۰۴۳۹	ملایر - خ شهید مصطفی خمینی- جنب اداره دارایی- محل مسافرخانه قدیمی سید	۱۷۸۰ الی ۱۷۸۴	ساختمان	تجاری (نگاروسرا)	۱۲۹۰	حدود۳۸۰	۷۰۰۹۵۰۰۰۰۰۰۰	عرصه پس از اصلاحی (خودا) - مسرقفلی وواگذار شده و صرفاً مالکیت مورد مزایده است	ز
۸	۲/۰۳۱۲۱	همدان- روستای ده پیاز- انتهای کوچه ده متری	۱۵۰/۹۵۹	ساان	-	۲۸۸	۲۸۸	۴۶۸۰۵۹۱۰۶۶۷	منصرف دارد- اعیان بصورت سالن ورزشی- ۷۷/۵۶ شهیر شفاع از ۹۶ شهیر از ششدانگ	ز

**یزد**

ردیف	کدملک	آدرس ملک	پلاک ثبتی	نوع ملک	کاربری	عرصه (مترمربع)	اعیان (مترمربع)	قیمت پایه (ریال)	توضیحات	شرایط پرداخت
۱	۲/۰۳۰۷۹	یزد - تفت - شهرک قدس - خیابان شهید دسقیبی- پلاک ۲۳	۳۵۰۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰	ساختمان	مسکونی	۴۵۰	۳۶۹	۲۰۳۳۳۳۰۳۰۰۰۰۰۰	منصرف دارد- دارای تأسیسات شامل آب،برق،گاز و لوازمات کوچک و بزرگ	ز
۲	۲/۰۲۰۸۰	یزد - میبد - شهرک صنعتی جهان آباد - سندرزن غربی - شرکت تعاونی شوکا تاز	۱۵۲ فرعی از اصلی ۳۷۶/۱۱ از	محل کارخانه	کارگاهی تولیدی	۴۳۰۴	۱۸۳۵	۱۰۰۰۰۹۰۳۰۰۰۰۰۰۰۰	منصرف دارد- اعیان شامل ملات، اتاق سردباری و اداری و کارگری، سالن اداری - دارای آشپزخانه و ۴۰ کیلووات فولت کشی گاز	ز
۳	۲/۰۰۸۵۵	یزد - شهرستان ایرگوه - ناحیه صنعتی- خیابان صنعت-۴ محل سابق شرکت شمش کاپا	۱۹/۱۹۹۱/۳۷۶	محل کارخانه و ماشین آلات	کارگاهی تولیدی	۳۱۷۰/۲۰	۴۰۸	۲۰۳۵۱۰۹۰۰۰۰۰۰۰۰	تخلیه - - دارای تأسیسات برق و آب مجهز سانی - اعیان شامل سوله و ساختمان اداری	ز
۴	۲/۰۳۰۷۸	یزد - خیابان امام - جنب اورژانس ۱۵ - محل سابق شعبه بانک سپه	۶۶ فرعی از ۷۶۸۱ صفر فرعی از اصلی ۷۶۸۱	ساختمان	تجاری اداری (بانک)	۵۵۰	۵۵۵/۳۳	۳۱۰۳۷۵۰۱۵۸۰۰۰۰۰۰	تخلیه - دارای تأسیسات شامل آب، برق، گاز و تلفن	ز
۵	۲/۰۳۰۷۷	یزد- ابتدای خیابان امام شهر- پاساژ جواهر- ابتدای بازار سوم-کدپستی:۳۵۴۷۱۳۷۱۸۹	۲۴/۳۹۵۹۲۴	مغازه	تجاری	۳۴۰	۲۵/۱۲	۱۰۵۳۳۰۸۰۰۰۰۰۰۰۰	تخلیه- اعیان شامل:مکعب (۱۳۲ م) و نیمه مکعب (۴۰ م)- دارای آب-شامعی و برق-سنگ و لوازم کارگری	ز
۶	۲/۰۳۶۶۵	یزد- صفاییه- ابتدای خیابان تیسار قلایی- شماره ۲۰۶	۶۴۹۶/۶۴۹۶	مغازه	تجاری	۴۴/۶۶	۱۶۰	۸۰۴۴۰۰۷۴۰۰۰۰۰۰۰۰	تخلیه- ساختمان ۳ طبقه- دارای تأسیسات آب- گاز و چهر آشپز صنعتی برق	ز
۷	۲/۰۳۶۶۶	یزد - شهرستان خاتم- بخش مرست- روستای هر چران- مجتمع دامپروری مرست- همان شرکت تعاونی نوبهاران	۶۵۴۴	دامداری	دامداری	۳۳۰۰۰	۷۷۲	۱۰۵۰۰۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	تخلیه- دارای تأسیسات آب و برق - اعیان شامل:امیر- ساختمان کارگری و اداری و استخر و محصور	ز







# فرهنگ

۳۳۰

چهارشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۹۴ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / سال نودم - شماره ۲۶۲۲۰



دکتر احمد مهدوی دامغانی  
یاد یاران

دوستی و رفاقت رسید و خدای را به شهادت می‌گیرم که در طول این مدت هیچ «ترک اولایی» در دوستی از او ندیدم و آنچه از او دیدم وفا بود و صفا و سلامت و صداقت در رفتار و گفتار.

بدیهی است سال‌ها بود (شاید بیست و دو سه سال) که نعمت زیارت و ملاقات او برایم حاصل نشده بود و آخرین باری که دیدار او دلم را شاد و چشمم را روشن ساخت هنگامی بود که آن بزرگوار وفادار به کانادا تشریف آورده بود به مناسبتی به «پنسیلوانیا» آمریکا، که با دوستی که در یکی از شهرهای کوچک این استان وسیع ساکن بود دو سه روزی بسر برد و در یکی از آن روزها، صرفاً به مقتضای وفاداری و فقیرنوازی از آن شهر با همان دوست محترم، به فیلادلفیا تشریف آورد و من بنده را سرافراز و خوشحال ساخت.

آخرین بار که به نعمت مکالمه و شنیدن صدای متین او، و آن لهجه زیبای کرمانی‌اش که به راستی یکی از شیرین‌ترین لهجه‌های زبان نازنین فارسی کنونی است ناظر شدم، اواخر شهریور ماه سال گذشته ۱۳۹۲ بود که آن عزیز در کانادا بود و آخرین کتابش را برایم ارسال فرموده بود و در برابر اصرار فراوان حقیر که باز موهبت دیدار خود را به من بنده ارزانی فرماید وعده داد که سال آینده (یعنی در همین روزهای) باز به فیلادلفیا بیاید و مراقرین مسرت و افتخار فرماید و هزار افسوس که این دیدار به قیامت موکول شد و دریغ که «عمرش به سر رسید و نیامد به سر زمان فراق».

ادامه در صفحات ۵۰۴

## نوشتن درباره کودکی -۳-

### نجوا با برگ‌ها

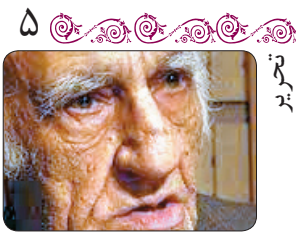
آرش تبریزی: گویا قسمت نبود که خواب راحتی داشته باشم. انگار خواب خوش برایم حرام بود. همین که تابستان به آخر می‌رسید و برگ‌ریزان شروع می‌شد، کار دیگری برایم درست می‌شد و آن جارو کردن برگ‌هایی بود که حیاط را در زیر خود دفن می‌کردند. خانه ما پراز دارو درخت بود. جز یک سموم انتهایی حیاط درازمان که دو اتاق تودرتو و بی‌قواره بود، بقیه حیاط پر بود از درخت که از میان آنها پنج درخت بزرگ و تنومند بودند.

یکی از درخت‌های سیب مال من بود، یکی از درخت‌های انگور مال پروین بود و درختی نیز به اسم راحله بود. میان درخت‌هایمان مسابقه گذاشته بودیم. درخت هرکس که شاخه‌هایش بیشتر بالا می‌رفت و بیشتر از بقیه میوه



دریاورهای کودکانه من، همیشه این خیال جریان داشت که باد و برگ حرف می‌زنند و زیر گوش هم سخنی می‌گویند.

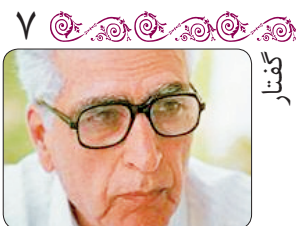
ادامه در صفحه ۲



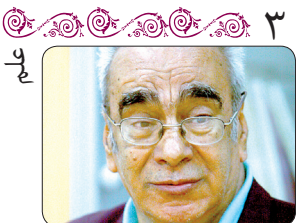
یاد استاد باستانی پاریزی  
طنزهای فی‌البداهه



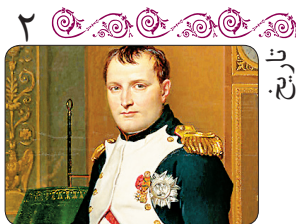
گفتگو با دکتر هادی ندیمی  
معماری یزد



گفتگو با دکتر اسلامی ندوشن  
داستان شور زندگی



مفاخر جهان  
آشنایی با گونه



بیوگرافی ناپلئون بناپارت  
لشکرکشی به مصر



از میراث طب سینوی  
حرارت غریزی بدن



وقفنامه ربع رشیدی  
از بیلانکوه تا یونسکو

## آموزه

زندگی در عصر اطلاعات  
به معنای افزایش تأمل است.  
ما مجبوریم پیوسته درباره  
اوضاع زندگی مان فکر کنیم



آنتونی گیدنز



کریم فیضی

## دیجیتال علیه ژن

با در نظر گرفتن این جنبه از موج و این کارکرد بی‌پایان و در حال جوش و خروش موج و با توجه دقیق و درست با خط و خطوط بی‌پایانی که سایبرنتیک و فرزندان خلف و ناخلف آن در جای جای ذهن و زبان و زندگی امروزی ما می‌کشند و پاک می‌کنند و فعالیت خودمختار از خویش را براساس نوع روابط و مناسبات ما از سر می‌گیرند، آیا باز هم می‌توان گفت که: میان سایبرنتیک و ژنتیک ارتباطی وجود ندارد؟

آیا با هجوم بی‌امان امواج بر نوعیت و شخصیت انسانی بشر امروز که به وضوح در آینه جامعه، هنر، سینما، تلویزیون و حتی دادگاه‌ها و دانشگاه‌های امروزی به صور مختلف قابل مشاهده است، می‌توان گفت که: سایبرنتیک چیزی است و ژنتیک چیزی دیگر؟ آیا با در نظر گرفتن صعود و نزول‌های اخلاقی و رفتاری محسوس و مشهودی که به مدد و عنایت همین دیجیتالیزم قابل مشاهده و بررسی‌های چندگانه و چندگونه است، می‌توان گفت که این دو استقلال خویش را دارند و اصالت با ژنتیک است و سایبرنتیک ابزاری است از ابزارهای ژنتیک؟

شواهد و قرائن بی‌شماری دست است که نشان می‌دهد، میان ژنتیک و سایبرنتیک رابطه‌ای قطعی و لازم و ضروری - به معنای دقیق فلسفی - پدید آمده که در این برهه از تاریخ زندگی و این مقطع از تاریخ ژنتیک و سایبرنتیک رخ نموده و عیان و غریبان شده است.

اکنون اگر نگوئیم که میان سایبرنتیک و ژنتیک نبرد جدی و قاطعانه و علی‌البدوم وجود دارد، می‌توانیم گفت که میان آن دو مواجهه‌ای روی داده است که می‌توان از آن تعبیر به صف‌بندی و صف‌آرایی در برابر هم کرد. اینکه پایان این مواجهه چه خواهد بود و حاصل این تلاقی و به هم رسیدن چه در پی خواهد داشت و کار این اتصال و هم‌آوردی به کجا خواهد رسید، نیازمند توجه به طرفین این معادله و محاجه و مواجهه است و گذشت زمان.

در اصل، هیچ چیزی به اندازه گذشت زمان نمی‌تواند میان ژنتیک و سایبرنتیک داور باشد و داوری کند. پس باید با لحاظ آنچه بر جهان و زندگی و انسان می‌گذرد و با در نظر گرفتن حالات عمومی و غیر عمومی انسان - از حیث‌ها و جنبه‌های مختلف - در عرصه فرد و اجتماع، منتظر گذشت زمان بود تا پس از فرونشستن گردوغبارهایی که ذهن را از جانبی به جانب دیگر مایل می‌کنند، براساس واقعیات و مستندات قضاوت کرد که غلبه با کدام است: ژنتیک یا سایبرنتیک؟

در شرایط فعلی، و تا این حد از بحث و فحص و تأمل و مطالعه، همین مقدار می‌توان گفت که: موضوعی به نام سایبرنتیک و ژنتیک واقعیت دارد و زمینه برای بحث‌هایی چون ژنتیک و دیجیتالیزم و ظهور و تجلی عمده آن اینترنت عملاً گشوده است و نیز می‌توان از نبردی که میان ژن و امواج سایبری در جریان است، سخن به میان آورد و شاید هم با نوعی از احتیاط و ملاحظه و تأمل بتوان از نیروهای غیرقابل مهار نویی سخن گفت که از کمند ژنتیک و توانها و اقتدارهای آن رها شده و بر فراز ژنتیک پرواز می‌کنند.

چه بسا، با تأمل در دگردیسی‌های شخصیتی هر یک از انسانهایی که قابلیت‌های مطالعه اخلاقی، رفتاری، فکری، هویتی، تاریخی، فردی و اجتماعی دارند، بتوان در نهایت از ایده‌ای دفاع کرد که می‌گوید: سایبریزم و دیجیتالیزم علیه ژنتیک به پا خاسته است و اکنون، هویت ثابت و تاریخی انسان، از طریق و دریچه‌های غیر از ژنتیک هم در حال عبور و نقش‌آفرینی است: دیجیتالیزم همه جانبه، اثبات این موضوع نیازمند طرح مباحثی دیگر است که به زمانی دیگر و مکانی دیگر موکول است.



بعد از بررسی اوضاع نظامی، ناپلئون به این نتیجه رسید که نیروی دریایی فرانسه از توانایی مقابله با نیروی دریایی بریتانیا در کانال مانس برخوردار نیست. به همین دلیل تصمیم گرفت از طریق تصرف مصر و حضور در خاورمیانه، به منافع اقتصادی بریتانیا در هند ضربه بزند.

در ماه مه ۱۷۹۸ ناپلئون به عضویت فرهنگستان علوم فرانسه درآمد و سپس به سوی مصر رهسپار شد. در بین نیروهایی که او را در مصر همراهی می کردند هیأتی متشکل از ۱۶۷ دانشمند متخصص در ریاضی، طبیعیات، شیمی و ژئودزی نیز به چشم می خورد که در مصر به فعالیت اکتشافی پرداختند و از جمله کشفیات این هیأت می توان از سنگ رشید نام برد.

در مسیر مصر ابتدا به مالت رفت که در اختیار شوالیه های سنت جان قرار داشت و آنجا را تصرف کرد. به دلیل اصلیت فرانسوی ۲۰۰ شوالیه این گروه و ناراضیتی آنان از فرمانده آلمانی خود، مقاومت چندانی در برابر حمله ناپلئون صورت نگرفت به طوری که تلفات ارتش وی در این نبرد تنها سه نفر بود.

ناپلئون و ارتش وی از تعقیب نیروهای بریتانیایی در امان ماندند و نهایتاً در اول ژوئیه به اسکندریه رسیدند. در ۲۱ ژوئیه نبرد اهرام بین فرانسویان از یک طرف و ممالیک مصر و نیروهای امپراتوری عثمانی از طرف دیگر در گرفت که با پیروزی فرانسویان خاتمه یافت. اما در اول ماه اوت همان سال نیروی دریایی بریتانیا موفق شد در نبرد نیل به فرماندهی هوریشیو نلسون ضربه سنگینی به ناوگان فرانسه وارد کند، به طوری که به غیر از دو کشتی مابقی این ناوگان غرق یا تصرف شد. این شکست رویای ناپلئون برای حضور قدرتمند در مصر را به چالش کشید. بعداً در اوایل سال ۱۷۹۹ ناپلئون نیروهای خود را به سمت دمشق راند و

با ۱۳۰۰۰ سرباز تحت امر خود موفق به تصرف شهرهای بندری عریش، غزه، یافا و حیفا شد. در این میان تصرف یافا بسیار بیرحمانه بود به طوری که برای صرفه جویی در مصرف مهمات ۱۴۰۰ اسیر با سر نیزه به قتل رسیدند یا غرق شدند و کشتار و غارت در این شهر تا سه روز ادامه داشت.

به دلیل تلفاتی که در اثر بیماری به لشکر ناپلئون وارد شده بود، موفق به تصرف عکا نشد و در ماه مه به مصر عقب نشینی کرد. جهت عقب نشینی سریع تر، در راه بازگشت به مصر به دستور او به سربازان بیمار زهر داده شد. هرچند گروهی بر این باورند که این اقدام برای جلوگیری از شکست نیروهای بیمار و جامانده فرانسوی توسط نیروهای عثمانی انجام گرفته. در هنگام حضور مجدد در مصر در ۲۴ ژوئیه، حمله آبی خاکی عثمانی را در ابوقیر با شکست روبرو کرد.

#### حکومت فرانسه

ناپلئون در طول لشکرکشی به مصر از طریق روزنامه ها و پیغام های جسته گریخته ای که به او می رسید از در جریان اوضاع داخلی فرانسه و اروپا قرار می گرفت و به این ترتیب از شکست فرانسه در جنگ دومین اتحاد اروپایی خبردار شد. وی در ۲۴ اوت ۱۷۹۹ از غیبت موقت کشتی های انگلیسی در سواحل فرانسه استفاده کرد و بدون آن که دستوری در این مورد داشته باشد، به فرانسه بازگشت و فرماندهی نیروها در مصر را به ژنرال کلیبر سپرد.

در عین حال دستوری از طرف دیرکتوار برای ناپلئون ارسال شده بود که طبق آن او باید به همراه سپاهش به فرانسه بازگردد و حمله نظامی احتمالی به خاک فرانسه را دفع کند. ولی به علت ضعیف بودن خطوط ارتباطی این پیام به ژنرال فرانسوی نرسید. سرانجام او در اکتبر به پاریس رسید. در این شرایط با وجود ترک میدان نبرد توسط ناپلئون، دیرکتوار ضعیف تر از آن بود که بتواند وی را مواخذه کند.

در ۱۹ نوامبر (۱۸ برومر) همان سال با همدستی بعضی از اعضای دیرکتوار و برادرش لوئیس، طی یک کودتا دیرکتوار را منحل کرد. بعد از این کودتا، با تصویب قانون اساسی جدید قدرت به کنسول های فرانسه رسید که شورایی سه نفره بود. عملاً در این شورا ناپلئون به عنوان کنسول اول قدرت را در اختیار داشت.

در سال ۱۸۰۰ ناپلئون با عبور از آلپ اقدام به لشکرکشی مجدد به ایتالیا نمود. در این حمله سرزمین هایی که در مدت حضور وی در مصر توسط اتریش تصرف شده بود را مجدداً تصرف کرد. او با کمک برادرش ژوزف که رهبری مذاکرات صلح را برعهده داشت، قرارداد صلح لونویل را به اتریش تحمیل کرد.

ناپلئون در سال ۱۸۰۲ قانون برده داری را که بعد از انقلاب فرانسه ممنوع شده بود، دوباره در مستعمرات فرانسه برقرار کرد. این اقدام وی باعث شورش در هائیتی شد. نیروهای فرانسوی در سرکوب این شورش با مقاومت شدیدی روبرو شد و همچنین به علت ابتلا به تب زرد موفقیتی کسب نکرد.

بعد از صلح با اتریش، با انعقاد پیمان آمیان بین انگلیس و فرانسه، دوره صلح کوتاهی از ۱۸۰۲ تا ۱۸۰۳ در اروپا ایجاد شد. از جمله تعهدات این پیمان صلح عقب نشینی نیروهای انگلیس از مستعمرات جدید آن کشور بود. اما صلح بین فرانسه و انگلیس عمر طولانی نداشت. رژیم سلطنتی بریتانیا نگران تاثیر تفکرات و ایده های انقلابی بر روی رژیم سلطنتی انگلیس بود. انگلیس به دخالت فرانسه در ایجاد اتحاد جدید در سوئیس و تصرف پیمونت توسط فرانسه اعتراض داشت، هرچند که این دو کشور از جمله مناطق مورد توافق در پیمان صلح نبودند. همچنین انگلیس برخلاف تعهدات پیمان صلح، مالتا را ترک نکرد و در نهایت در سال ۱۸۰۳ به فرانسه اعلام جنگ کرد.

از جمله اتفاقات مهم دیگر این دوران خرید لوئیزیانا بود. در این



بازار محلی در قاهره

زمان با توجه به وضعیت مالی بد فرانسه و دشواری دفاع از مستعمرات فرانسه در آمریکای شمالی و همچنین خطر جنگ با انگلیس، ناپلئون تصمیم به فروش این مستعمرات به دولت ایالات متحده گرفت. در جریان این معامله، بیشتر از دو میلیون کیلومتر مربع از سرزمین های مورد ادعای فرانسه، در ازای مبلغ ۱۵ میلیون دلار به ایالات متحده واگذار شد.

در سال ۱۸۰۱ بناپارت به ریاست فرهنگستان علوم فرانسه رسید و ژوزف دالامبر را به عنوان دبیر دائم فرهنگستان منصوب کرد. ناپلئون در ماه مه ۱۸۰۴ توسط سنا به عنوان امپراتور فرانسه شناخته شد و در دوم دسامبر همان سال در کلیسای نو تر دام تاجگذاری کرد.

#### اقدامات ناپلئون

بناپارت اصلاحات ماندنی را بنا کرد، شامل: متمرکز کردن حکومت در وزارتخانه ها، تحصیلات عالی، قانون مالیات، سیستم فاضلاب، سیستم راهداری و بانک مرکزی کشور. طی گفتگویی که با کاتولیک های کلیسا داشت، توانست با آنها توافق نامه دوستانه ای را امضا کند. او با اینکار می خواست جامعه کاتولیک را با رژیم خود آشتی دهد و با آنها طرح دوستی داشته باشد. قوانین حقوقی که بناپارت آنها را بنا کرد که امروز از آن به عنوان قانون ناپلئونی استفاده می شود مورد استفاده بسیاری از جوامع می باشد از قبیل کشورهای اروپایی و آمریکای لاتین و غیره. این قانون به وسیله کارشناسان ماهر و قانونی زیر نظر جین ژاکوس تهیه شده بود. بناپارت حضور فعالانه ای در جلسات شورای کشور داشت و کار آنها تجدید نظر بر طرح های پیشنهادی بود. بناپارت همچنین دستور داد که مقررات جنایی و بازرگانی نیز به صورت قانون درآورده شود. در سال ۱۸۰۸ قوانین جنایی به صورت تصویب شده از طرف دولت منتشر شد که قابل اجرا بوده است.

ادامه دارد

#### نوشتن درباره کودکی-۳

## نچوا با برگ ها

فکر می کردم باد و برگ به ما نگاه می کنند و از ما و کارهای ما حرف می زنند. خیلی دوست داشتم تا بدانم که باد با برگ و برگ با باد چه می گوید، اما هرگز به عالم آنها راه نیافتم و هرگز چیزی از سخنان آنها که گاه با غریوهای شبانه نیز همراه بود، نفهمیدم تا بدانم چه می گویند و برداشت شان از ما و شخص من چیست؟

باری، تا پیش از اینکه آن دو اتاق چوبی از شدت فرسودگی با اصرارهای فراوان پروین خراب شود و بجای آنها در آن زمین دراز و کشیده چندین اتاق ساخته شود، یکی از ویژگی های خانه ما، داشتن چندین درخت بلند و بزرگ بود و چندین کیلو میوه ای که از آن می داشتند و سایبان شان در تابستانهای گرم و برگریزان شان در پاییز. همین که پاییز از راه می رسید، نشاط و سرسبزی درختان خانه تمام می شد و نوبت می رسید به افتادن آرام آرام برگ هایی که پیش از آن زنده بودند.

حاصل برگ چندین درخت تنومند در حیاط کوچک بیش از حد عادی بود. به گونه ای که صبح وقتی از خواب برمی خاستیم، اثری از کاشی های سفید دیده نمی شد و هرچه بود، برگ بود که درست از دم در حیاط تا ورودی دهلیز همه جا را به رنگ خود درمی آورد.

من روی برگ راه رفتن را دوست داشتم، چون وقتی گامم روی آنها می رفت صدای خش خش بلند می شد و خش خش صدای محبوب من بود. انگار حرفی بود که از برگ ها می شنیدم. بدم نمی آمد که برگ ها همچنان در کف حیاط باشند و روی آنها راه برویم.

دوست داشتم برگ ها با سقوط تدریجی خویش آنقدر در زمین زیاد شوند و روی هم جمع شوند که کل حیاطمان پر از برگ شود و ما برای راه رفتن در حیاط و بیرون رفتن از خانه، از میان برگ ها برای خودمان راه باز کنیم و از زیر برگ ها عبور کنیم. برخلاف من که برگ های افتاده در حیاط را دوست داشتم و علاقه داشتم که همچنان در زمین بمانند، پدرم اصرار داشت که حیاط هر روز جارو شود و برگ ها از سطح حیاط جمع آوری شود.

از نظر او حیاط تا پیش از دور افکنده شدن برگ ها کثیف بود و زمانی تمیز محسوب می شد که برگی در هیچ جای حیاط نباشد. قرعه انجام این کار سخت و تا حدودی نفرت انگیز به نام من اصابت کرده بود و با آمدن پاییز یکی از کارهای سحرگاهی من این بود که بستر را رها کنم و بروم جارو پیدا کنم و حیاط را از شر برگ ها خلاص کنم. گذشته از حیاط که بخاطر دراز و بزرگ بودن، جارو کردنش خسته کننده بود، زیرزمینی که وسط حیاط داشتیم و با چندین پله به دستشویی منتهی می شد به لحاظ جارو کردن و زدودن از برگ هایی که از بالا تا پایین با آن پوشیده می شد، کاری کشنده به شمار می رفت.

اول باید پله های زیرزمین جارو می شد و برگ های افتاده در آن با خاک انداز به حیاط ریخته می شد، بعد از آن نوبت خود حیاط بود که مساحتش یک متر و دو متر نبود. با اینکه کل خانه ما ۱۰۰ متر نبود، وقتی کار به جارو کردن و گلاویز شدن با برگ های زبان نفهم می رسید، بیش از ۱۰۰۰ متر جلوه می کرد و طبق قانونی نانوشته، این کار، کار همه روزه من بود.

بخش دردناک این کار بیدار شدن از خواب بود، آنهم وقتی که هنوز سپیده آفتاب زده بود. تا آنجا که من می دانستم جارو کردن جزو کارهای پسران نبود و دخترها باید آن کار را می کردند، اما مگر می توانستم چنین قانونی را یادآوری کنم، با پدری که سلطه خویش را از مدتها پیش در خلال رفتارهای روزانه اش بیش از پیش می کرد و در کنار مهر و محبتی که رو به کاهش داشت، حرفی نمی زد که پس بگیرد. در نوع سخن گفتن پدرم تحکمی وجود داشت که ایستادگی و مقاومت را ناممکن می کرد و تنها یک راه وجود داشت: اطاعت و تسلیم: ناصر! پاشو!

- چشم پدر!

حیاط پر از برگ شده.

- من که دیروز جارو کردم

دیروز، دیروز بود. جوری جارو کن که حتی یک برگ هم در زمین نباشد.

... اول از پله ها شروع کن! اگر یک برگ در پله ها و حیاط باشد، چشمتم را درمی آورم! فهمیدی؟

- ببله، فهمیدم.

ادامه دارد





## از میراث طب سینوی / ۱۲

# حرارت غریزی بدن

دارد:

۱- ماده تأثیرگذار به همان صورت که هست سردی بخش و گرمی بخش بدن است، مانند مالدنی های سردکننده و گرمی دهنده نظیر کمادها.

۲- یا این که نیروی تأثیربخش در آن چیز وجود دارد، لیکن باید حرارت غریزی در آن باشد تا نیروی تأثیرکننده را برانگیزد و آنگاه مؤثر واقع شود.

۳- یا اینکه (ماده تأثیرکننده) دارای ویژگی هایی است که به واسطه آن ویژگی ها بر بدن تأثیر می گذارد.

موادی وجود دارند که در برخورد با سطح خارجی بدن کارگرند و در درون بدن تأثیری ندارند، مانند پیاز. اگر پیاز را بر سطح بدن قرار دهیم و آن را ببندیم و مدتی بگذاریم، بر اثر آن زخم پدید می آید، در حالی که اگر آن را بخوریم در درون بدن زخمی ایجاد نمی کند.

مواد دیگری بالعکس در درون بدن اثر دارند و به سطح بدن کارگر نیستند مانند سفیدآب. اگر سفیدآب به درون بدن راه یابد موجب دگرگونی زیاد می شود، در صورتی که اگر بر خارج بدن مالدیه شود هیچ تأثیری ندارد.

موادی نیز وجود دارند که هم در خارج و هم در داخل بدن تأثیر می گذارند.

تأثیر مواد در برخورد با سطح بدن و یا عدم تأثیر آن در درون بدن با علل زیر بستگی دارد:

۱- اگر این ماده مثلاً پیاز باشد، وقتی آن را می خوریم و به درون فرو می بریم، نیروی هاضمه بلافاصله آن را در می یابد، می شکند و مزاجش را تغییر می دهد و نمی گذارد آنقدر سالم بماند که بتواند تأثیر کند و زخمی بر درون وارد سازد.

۲- بیشتر اوقات آن ماده همراه چیز دیگری تناول می شود (که از تأثیر آن جلوگیری می کند).

۳- این ماده در آوندهای غذا با رطوبت ها می آمیزد و توانایی آن می شکند.

۴- این ماده تا موقعی که در خارج است فقط یک جای معین را اشغال کرده است در حالی که در درون همیشه در حال انتقال است.

شوقی این ماده در سطح بدن است به طور محکم به آن چسبیده است، لیکن در درون بدن به چیزی نچسبیده است و تماس کمی با آن دارد.

عوضی این ماده به درون بدن وارد می شود نیروی طبیعت بر او تأثیر می گذارد، مواد زائد آن را بیرون می راند و مواد مطلوب آن را خون می گرداند.

لیکن کار سفید آب با کار پیاز یکی نیست و وضع این دو ماده با هم متفاوت است. اجزای سفید آب غلیظ است و نمی تواند از خارج به مسامات بدن نفوذ کند و اگر هم بتواند نفوذ کند یارای رسیدن به نفس کش های روح را ندارد و به اندام های اصلی هم نمی رسد، لیکن اگر خورده شود کار بسیار دشوار و زار خواهد بود. همچنین

ماده سمی که در سفیدآب وجود دارد تا حرارت غریزی ما را برانگیزد کاری از آن ساخته نیست، به این جهت تا موقعی که سفیدآب در خارج است چون از حرارت غریزی درون به دور است از کار افتاده به شمار می آید. شاید در کتاب «ادویه مفرد» به این موضوع برگردیم و باز با این قبیل مواد روبرو شوی.



ترجمه: ملک زاده

این سسینا در کتاب شریف «القانون» می نویسد: هرگاه ماده ای که باید در بدن ماندگار باشد ولیکن تخلیه می شود، ممکن است بیماری های زیر را در پی داشته باشد. اگر ماده تخلیه شده (ماده) سرد مزاجی مانند بلغم باشد، حرارت مزاج روی می دهد. اگر این ماده از گرمی بخش هایی باشد که گرمای غریزی را تقویت می کنند، سردی مزاج پیش می آید.

اگر ماده تخلیه شده واجد مزاج معتدل مانند خون، یا مزاج گرم بیش از اندازه مانند صفرا بر بدن چیره شود و حرارت بیش از اعتدال به تن عارض گردد، بر اثر این گرمی همیشه خشکی روی آور می شود. ممکن است به جای خشکی رطوبت روی آورد. چنانکه در مبحث عوارض ناشی از گرمی یاد کردیم، این حالت در صورتی پیش می آید که ماده تخلیه ای واجد مزاج معتدل، خلط خشکی بخش باشد و یا این که حرارت غریزی از هضم کامل غذا ناتوان و در مانده باشد و بلغم افزایش یافته باشد. لیکن چنین رطوبتی نه رطوبت غریزی است و نه برای مزاج غریزی سودی دارد، همچنانکه آن حرارت نیز غریزی نیست.

بلکه هر تخلیه زیاده از حد سردی و خشکی را برای گوهر اندام ها و غریزه آنها به ارمغان می فرستد و یا اینکه برخی از اندام ها به گرمی بیگانه و رطوبت ناپسندیده نایل می آیند.

تخلیه زیاد و مفرط بیماری سده را که در جزو بیماری های اولی ذکر کردیم در پی دارد، چه در این حالت رگ ها بسیار می خشکند و بند می آیند و ممکن است منتهی به بیماری تشنج و کزاز (بیماری که بر اثر آن لرزه بر اندام ها می افتد) گردد.

اگر ماندگاری ماده قابل «باقی ماندن» و تخلیه ماده سزوار «بیرون ریختن» در حد اعتدال باشد و احتباس و تخلیه موقعی انجام گیرند که بدن نیاز دارد، این اعمال سودمندند و سلامت بدن را حفظ می کنند.

اینک که انواع علل ضروری و بایسته را شرح دادیم و شاید هم قسمت اعظم آن ها از ضروریات نباشند، بگذار موجبات دیگر را ذکر کنیم.

**موجبات مفید و غیر ضروری**

بگذار از موجباتی سخن گویم که نه از جنس مزاج هستند و نه ضد مزاج؛ نه زیان آورند و نه مانند هوا برای بدن ضروری هستند. منظور من از این موجبات، استحمام، مساز دادن و نظیر آنها است. ابتدا درباره این موضوع به طور عمومی بحث می کنیم و می گوئیم: چیزهایی که خارج از بدن هستند و بر بدن تأثیر می گذارند و در برخورد با بدن واکنشی بر جای می گذارند بر چند وجه هستند:

الف- یا ماده لطیف آن ها به وسیله نیرویی که دارد به منافذ زیر پوست راه می یابد و در آن نفوذ می کند و منتشر می گردد.

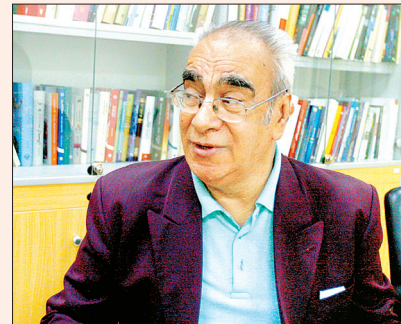
ب- یا این که ماده ای که به پوست رسیده است اندام ها را از راه مسام به سوی خود جذب می کند.

ج- یا این که هم نفوذ می کند و هم جذب می نماید.

د- یا اینکه بدون آمیزش و نفوذ و به همان صورت که هست تأثیر خود را می گذارد و تغییری بر بدن وارد می سازد. این تأثیرگذاری نیز سه حالت

## آشنایی با گوته

شهرام تقی زاده انصاری



شهرام انصاری

صحیح تشریح کند. او عقیده داشت که مذهب دچار بحران شده است و باید از این بحران بیرون آید. او برای حل مشکلات و سؤال های مذهبی مردم به مطالعه کتاب های آسمانی «انجیل» و «تورات» و قرآن می پرداخت. او عقیده داشت که عالی ترین خیر در شکوفائی فردی است که با بجا آوردن وظایف مذهبی به وجود می آید. او با کمک ادیان جهانی دارای تجربیات مذهبی ارزشمندی شده بود و هرگز در عمل عجله نمی کرد و با تأمل و در نظر گرفتن موقعیت، کاری را انجام می داد. عناصر مذاهب مختلف مولفه های اصل جهانی، زندگی، اشعار و هنر زندگی کردن او را تشکیل می دادند. عقاید مذهبی او بیشتر جنبه اخلاقی و انسانی داشت.

او عقیده داشت که مذهب فرد یعنی انسانیت او و انسان می تواند دارای یک مذهب شخصی شود اگر زندگی او خالصانه فقط اعمال خیر و نیک باشد و دیگر اینکه «مدار» و «انسانیت» آزادی فردی و اجتماعی را تضمین می کند. وقتی که او با مفهوم مطلق خداوند سروکار داشت مشغول مطالعه علوم طبیعی و تئوری رنگ ها شد. او نیروی خالق الهی را در علوم طبیعی حاکم می دانست و عقیده داشت که نشانه های الهی و جاودانگی را فقط می توان در تجلی خداوند دید و ما هرگز نمی توانیم به طور مستقیم حقیقت را بشناسیم، بلکه فقط توسط مثال ها، نمادها و رویدادها می توانیم بارقه ای از آنرا درک کنیم.

گوته با کمک مذاهب جهانی متافیزیک مدرن تمایل قبول مذهب را بنیاد نهاد. او با کمک مطالعات «هردر» شرقشناس آلمانی درباره مذاهب جهانی خیلی به مبدا و مبانی ادیان جهانی نزدیک شده بود. او عقیده دارد که این مذاهب جهانی اساس مذهب بزرگ را تشکیل می دهند که جوهر تفکر آن، بشر را می تواند آزاد کند و او را به قله خود یعنی تکریم خداوند خواهد رساند، یعنی دوباره عزت و حیثیت خود را به دست خواهد آورد. برای رسیدن به این هدف باید از احترام مقدس اخلاقی، فلسفی و مسیحی عبور کند.

در مذهب گوته هنر و مذهب رابطه نزدیکی با یکدیگر دارند و بزرگترین اصل ایمان در مذاهب را «ترس از خداوند» می داند و می گوید فعالیت مداوم انسان یکی از شرایط مهم جاودانگی روح است و شعر و نظم جهان هستی

و جامعه چشم ما را برای دیدن حقیقت باز می کند یعنی بارقه ای از خداوند را احساس می کنیم. در مورد ترس از خداوند او می گوید همبستگی دل ها عالی ترین چیزی است که انسان می تواند، به آن دست یابد. اساس این همبستگی دل ها احترام به خود و تکریم در برابر جهان هستی و خداوند است. او معتقد است که امید انسان های خدا پرست را آرام می کند و مذهب و علم و هنر به یکدیگر نزدیک می شوند و احتیاجات انسان را رفع می کنند، چون با یکدیگر یک وحدت دارند.

در مجموع شرایط فکری و تاریخی باعث روی آوردن گوته به دین اسلام شد.

ادامه دارد

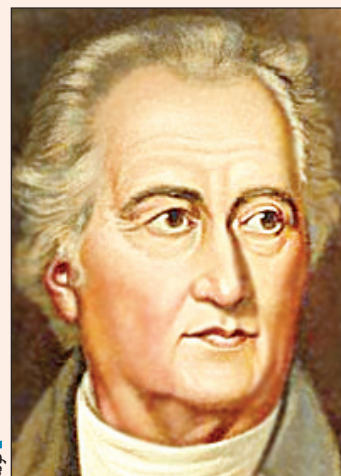
**مقدمه ای بر زندگینامه مختصر گوته:** او در سال ۱۷۴۹ میلادی در شهر فرانکفورت در کشور آلمان پا به عرصه وجود نهاد. او آداب معاشرت و نظم و ترتیب در زندگی را از پدر آموخت و طرز تفکر عالی و نبوغ نویسنده گی را از مادر خود به ارث برد.

او ابتدا به تحصیل علوم مقدماتی پرداخت و سپس وارد تحصیلات علم حقوق و پزشکی و شیمی شد و در کنار آنها به تکمیل مطالعه معارف مسیحیت و فلسفه پرداخت و بالاخره در مدت کمتر از ۳۰ سال با تمام علوم و فنون و ادبیات زمان خود آشنا شد به طوری که بیشتر از ۱۰ رشته علوم طبیعی و فلسفی و هنری و ادبی را خوب می شناخت و رساله های تحقیقی نیز درباره آنها نوشت و سپس به دنیای علوم انسانی، عرفانی، دینی و فلسفی وارد شد و تا آخر عمر با نوشتارهای خود در ارشاد مردم و صلح جهانی و وحدت مردم کوشید و بیشتر از ۶۰ جلد کتاب و ۷۰ مقاله از خود به یادگار گذاشت و بالاخره در سن ۸۳ سالگی در سال ۱۸۳۲ میلادی دنیای فانی را وداع گفت. بدین ترتیب او یکی از چهره های درخشان تاریخ بشریت است.

ادبیات جهانی و معنی دین - او بفکر ایجاد

یک اثر ادبی بنام «ادبیات جهانی» افتاد و برای رسیدن به این هدف به مطالعه ادبیات عرب، ایران، ژاپن، هند، چین و دیگر کشورهای اروپایی پرداخت و قطعات زیبایی آنها را نیز به زبان آلمانی ترجمه کرد. او طبق آیه ۱۱۵ سوره بقره (مشرق و مغرب از آن خداست) عقیده داشت شرق و غرب یکی است و روزی به یکدیگر خواهند رسید چون مسئله مهم «انسانیت» است که در همه فرهنگ ها و تمدن ها وجود

دارد و باید آنرا فهمید و به اصول آن عمل کرد. او می گفت «ایمان به خداوند، گفته تحسین آمیز و زیبایی است» اما مسئله مهم این است که دریابیم که او کجا خود را پنهان کرده است و خود را متجلی می سازد. او به معنای سازمانی کلمه یک فرد مذهبی دگم نبود بلکه سعی می کرد از تمام مذاهب دنیا بهره بگیرد و مشترکات آنها را جدا کرده و به مردم بهماند. او حتی به شخص حضرت مسیح [که کلیسا معرفش بود] انتقاد داشت با اینکه او را مقام ارجمندی می دانست ولی احساس کرده بود که کلیسا با انحرافات که پیدا کرده است دیگر نمی تواند جواب سؤال های اساسی بشر را بدهد و احتیاج به یک تجدید حیات دارد. او می گفت من هیچکس را در تاریخ تفکر انسانی ندیدم که مسئله «تثلیث» را





## فرهنگی

چهارشنبه ۱۴مرداد۱۳۹۴/سالنودم– شماره ۲۶۲۲۰

ویژه فرهنگ تاریخ وتمدن ایران وجهان/ ۲۳۰ **اخبارات**



دکتر مهدی هوشینی

این که عرض کردم در طول شصت و پنج سال دوستی این بنده ترک لایبی از او ندیدم. یقیناً زبان حال همه کسانی است که با مرحوم دکتر باستانی به نحوی از انحاء رابطه‌ای داشته‌اند و با سعادت شاگردی او را درک کرده‌اند و یا با او آشنایی و دوستی و رفاقت داشته‌اند.

رابطه‌ی رفاقت این ناچیز بـِـا آن عزیز به برکت «یکشنبه‌شب‌های» مجله‌ی گرامی نازنین «یغما» استوارتر شد زیرا دکتر باستانی که او هم هنوز مثل این حقیر و جناب استاد دکتر محقق به درجه‌دکتری نائل نشده بود در آن جلسات یکشنبه‌شب‌های مجله یغماشرکت می‌فرمود و آه و آه که گمان نکنم از آن جمعی که در آن جلسات شرکت می‌کردند جز جنابان استادان احمد اقتداری و دکتر مهدی محقق و دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن و جناب کمال اجتماعی جندقی که خداوند به سلامتشان بدارد و این حقیر ناچیز کسی باقی مانده باشد و خداوند رفتگان آنان را ببامرزاد و نامشان گرامی باد.

اجازه بفرمایید حالا که نامی از آن مجمع برده شد یاد خیری کنم از مرحوم استاد حبیب یغمایی شاعر ماهر که گمان نمی‌کنم در میان معاصرین ما کسی در «قطعه‌سرای» به اندازه آن مرحوم مهارت داشته است. او نویسنده‌ای بسیار شیوا! بیان شیرین قلم بود که علاوه بر مهارتش در قطعه‌سرای، قصیده و مثنوی را هم خیلی خوب می‌سرود(مثنوی مختصری که در زمان تشرّفش به حیج در وصف مدینه طیبّه سروده است شاهد این ادعا من بنده است) و از همه اینها مهم‌تر که آدم بود و آدم خوبی بود و در رفاقت و صداقت پای برجا بود و نیز یاد خیری از شرکت‌کنندگان آن جلسه‌نامیم.

مرسوم چنین بود که یکشنبه شبها دوستانران مجله «یغما» در دفتر آن مجله که در طبقه دوم پاساژ اقبال در خیابان شاه‌آباد جای داشت گرد می‌آمدند و از هر دری در آن مجمع سخن به میان می‌آمد و تابستان‌ها در حدود ساعت ده شب و زمستان‌ها زود تر ک آن جلسه ختم می‌شد و حاضران و شرکت‌کنندگان را می‌توان به دو طبقه مرتب ساخت یک طبقه آنان بودند که در آن سال‌ها

نوع مردمی آن در یزد دوره قاجار بروز یافته است.
**\* آیا معماری یزد، مکتب دارد؟**
در صحبت از مکتب معماری یزد، باید با احتیاط باشد. آنچه که معماری امروز یزد که غالب آن معماری دوره قاجار است، جمع‌بندی تجربه هزار ساله است. هرچند به گفته مرحوم دکتر شیرازی علامی از دوران آل‌بویه نیز در برخی خانه‌های یزد دیده می‌شود. معماری یزد، در طول تاریخ ثابت نبوده و تحول یافته است اما این تحول در مسیر استکمال بوده و چون متن تجربه مردمی بدون دستبرد حکومتی داشته و سینه به سینه منتقل شده، در دوره قاجار میوه داده است.

از این جهت دوره قاجار، دوره میوه دادن معماری سنتی است و از طرفی دیگر دوره چرخش معماری ایران به سمت غرب. یعنی این دو هم‌زمان با هم وجود دارند. من همیشه –برای آن مسیر استکمالی که می‌توانست ادامه پیدا کند- مدرسه آقاابوبکر کاشان را مثال می‌زنم. چرا که این مدرسه یک نمونه منحصر به فرد از معماری خلاق و کاملآ نو با چارچوب سنتی است. یک «بداعت»، بی‌همتاست. «بدعت» نیست، چون بدعت به معنای خروج از قواعد ولی بداعت یعنی حفظ قواعد ولی نوآور است. «بداعت» هوای نو فکر نو، خلافتی عظیم با حفظ چارچوب‌هاست. در دوره قاجار، از این نمونه‌ها زیاد است. در حالی که جامعه ما و معماری آن دوره مستعد شکوفایی بود، غلبه دکترین‌های حکومتی به آن اجازه بالندگی ن داده است.

**\* آیا زمینه احیای آن معماری وجود دارد؟**
اصلاً ما در این ۳۰ سال در حوزه معماری منقطر از قبل شده‌ایم. وقتی درختی کاشته می‌شود دوره‌ای باید

یعنی اواخر دهه‌ی بیست (یغما در سال ۱۳۳۷ تأسیس شد) و تمام دهه‌ی سی و تا اواخر دهه‌ی چهل و دهه پنجاه مرتباً اگر در طهران بودند در آن شرکت می‌کردند و اینان تا آن‌جا که به یاد دارم شادروانان مرحومان سلطان محمد علری کرمانی (آن نویسنده بسیار فاضل و مترجم بسیار درست متون انگلیسی) و حسین سعادت نوری و ایرج افشار و احمد آرام و باستانی پاریزی (که همان‌طور که خود آن مرحوم هم مرقوم فرموده است است گاهی اوقات مجله‌ی یغما را هم اداره می‌فرمود) و استاد دکتر زرّین کوب و دکتر مصطفی مرقّبی و اوائل استادان بزرگوار سیدمحمدحیط طباطبایی و مجتبی مینوی، و بعدها اگر

یکی از این دو احتمال می‌داد که در آن شب آن دیگری در آن مجلس حاضر خواهد بود از شرکت در آن جلسه خودداری می‌کرد (و این به جنگ انداختن بعضی از نویسندگان یغما را با یکدیگر نیز باید از شیرین‌کاری‌های مرحوم حبیب یغمایی شمرد) و از طبقه جوان‌تر دکتر سیدجعفر شهیدی و دکتر حسن سادات ناصری و حسن هنرمندی و حسن شهیاز و دکتر علی اکبر درخشان و دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن و دکتر مهدی محقق و کمال اجتماعی جندقی و احمد مهدوی دامغانی و بعضی دیگر که اکنون نامشان به خاطر من نمی‌آید بودند.

اما آنانکه گاه‌گاه در آن محفل حضور می‌یافتند از مرحوم حسین نواب (وزیر اسبق خارجه) و سرهنگ جهانگیر قائم‌مقامی و سیدمحمدرضا جلالی نائینی و احمد اقتداری و دکتر مهدی حمیدی شیرازی و دکتر احمد ناظرزاده کرمانی و آن وکیل دادگستری فاضل گرگانی‌الاصل که نام عزیزش را به خاطر نمی‌آورم (به نظر عمادی) و نیز بعضی دیگر، که اینک نامشان به یاد نمانده است باید یاد کنم.

در دهه پنجاه محل مجله یغما به کوچه ظهیرالاسلام در همان خیابان شاه‌آباد منتقل شد و باز از آن‌جا در سال‌های آخر انتشارش به محل کوچک‌تری رفت و قهرا آن جلسات یکشنبه شبها محدودتر شد استاد حبیب یغمایی که در دو سال اخیر عمرش بسیار شکسته حال شده بود بیشتر در مصاحبت مرحومان استاد اجل امیری فیروزکوهی و ایرج افشار نازنین وقتش را می‌گذراند و آن عزیز در ۲۳ اردیبهشت سال ۱۳۶۳ به اجساد بزرگوارش سلام‌الله علیهم اجمعین پیوست آن‌شاه‌الله در حیات قرب او متعالی باد.

امیدوارم خوانندگان عزیز مرا از این که یک کمی حاشیه‌نویسی کردم ببخشند ولی چه کنم که «از سخن بگذرد تا میوه بدهد. معماری، میوه یک فرهنگ است. الاّ ما در فرهنگ خودمان کجاییم؟ و چرا در انتظار میوه هستیم؟ چه کاشنیم! انتظار برداشت چه چیزی داریم؟ ضمن آنکه معماری، دستوری نیست که از فردا با بخشنامه‌ای، معماری ایران، ایرانی اسلامی شود. باید جای دیگر را درست کرد تا اینجا درست شود.

البته تکلیف جمعی با فردی جداست. برای مثال بنده معمار، این مسائل را می‌فهمم، بنابراین باید طبق اصول حرکت کنم. در حد بضاعت و عقل خودم. با یک اقدام صحیح من، بهار نمی‌شود ولی من باید تکلیف خود را درست انجام دهم. ممکن است جامعه به سمت دیگری برود. باید دید عقلاً تکلیفم چیست و خروج از عقلانیت خودکنم.

یکی از قواعدی که جامعه دارد، هنجاریذیری انسان‌هاست. بدین معنا که اگر ببینند دعای، کاری را می‌کنند، آن‌ها هم آن کار را می‌کنند. بنابراین مدیریت جامعه می‌تواند هنجارهایی را وارد کند که آن جامعه را به سوی سلامت برد. از این‌رو مدیریت جامعه خیلی مهم است. مدیریت فرهنگ هم از آن مهم‌تر می‌شود. در یک کلام باید– گفت تکلیف فردی و جمعی جداست و هرکس باید وظیفه خود را به درستی انجام دهد.

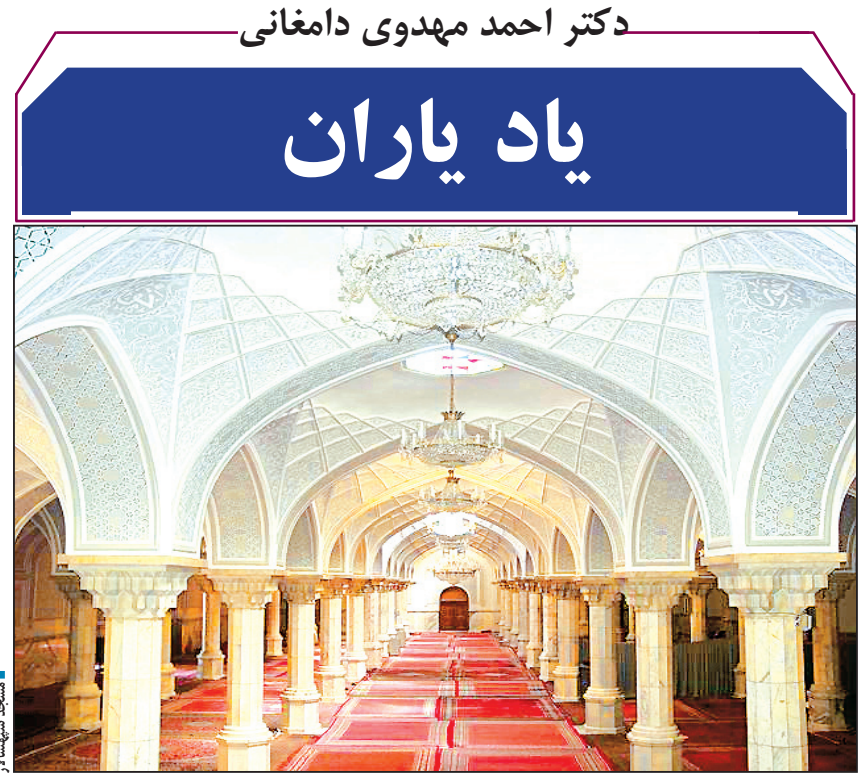
**این هنجارها فقط توسط حکومت می‌تواند ایجاد شود؟**

نه! مهم‌ترین آن در جوامع ما، نهادهای تأثیر گذار است. مثلاً حوزه‌های علمیه.

**کدامیک از علمای ما در خصوص معماری**

سخن خیزد؟ مسلّم است و چه خوب شد که در سایه نام نامی باستانی پاریزی(ره) از آن جلسات و شرکت‌کنندگان آن نیز نامی به میان آمد.

اینکه عرض کردم که خداوند تعالی مودت و



سالن اجتماعات مسجد امام خمینی

و لذّت می‌برد و بدیهی است که همه‌ی آنان چنان نویسنده‌ای را دوست می‌دارند که شک نیست که چه بسیار باشند بیمارانی که اسیر بسترتند و دردمندند و جز امکان «خواندن» از امکانات متوالو برای بیماران از قبیل داشتن کس و کار یا عیادت‌کننده محرومند، و به فرموده سعدی که:

درازی شـب از مـزگان مـن پرس که یکدم خواب در چشمم نگشسته است از درد و دلواپسی خوابشان نمی‌برد. تحمل درد و نگرانی‌شان را با خواندن کتاب‌هایی امثال کتاب‌های نفیس مرحوم دکتر باستانی پاریزی رحمه‌الله علیه بر خود آسان‌تر می‌کنند و از مطالعه آن مطلب متنوّع و شیرینی که دکتر باستانی در کتب متعددی که به تالیف آن به راستی با توکل و توفیق الهی موفق شده است، آرامشی می‌یابند و از این جهت است که عرض کردم انشاءالله مرحوم دکتر باستانی پاریزی از مصداقِ قطعی آن آیه شریفه است و چه عمل صالحی از آن فقید سعید ممکن بود بهتر و صالح‌تر از همین قلمفرسایی ممتدّ و مستمر او باشد؟ آن عزیز با نوشتن این کتاب‌ها چه بسیار از راهزای نهانی و مطالب جالب و ریزه‌کاری‌های ظریف فرهنگ ایران اسلامی را زنگشایی فرموده و زوایای تاریکی از تاریخ ایران اسلامی و خصوصاً قرون اخیره آن را روشن ساخته است. خداهش بیامرزاد

دکتر باستانی از آن قلیل افرادی بود که اساس فکری و عملی و بنیاد اصلی رفتارش در زندگی به معنای واقعی «مدارا» بود، کاش میسّر بود که برخی از فرمایشات و احادیثی که از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از ائمه معصومین علیهم‌السلام درباره مدارا و رفق روایت شده است این‌جا عرض کنم که خوانندگان عموماً و از آنان، آنها که سعادت دوستی و معاشرت و مصاحبت با مرحوم دکتر باستانی را داشته‌اند متوجه شوند که مرحوم دکتر باستانی به چه نعمت و توفیق الهی و متنعم و موفق بوده است. آری او به نعمت مدارا و رفق بسیار آراسته بود. پیغمبر ما فرمود: «مدارا الناس صدقه» و فرمود «اما دخل الرفق فی شیء الا زانه و لا ینزع من شیء الا شانه» که گویا خواجه شیراز(ره) این فرمایشات را به صورت: دوش با من گفت پنھان کردانی تیزهوش و ز شما پنھان نشاید کرد سحر می‌رشد زیرا آن کتاب‌ها را ا همه‌ی کتاب‌خوانان یعنی همه‌ی آن کسانی که سواد معمولی و متوسطی دارند از زن و مرد و جوان و پیر و نیز فضلا و استادان و دانشجویان می‌خوانند



سالن اجتماعات مسجد امام خمینی

**نقش یزد در آینده معماری ایران چیست؟**
می‌توان گفت یزد یکی از شهرهایی است که در آینده معماری ایران می‌تواند نقش ایفا کند. در واقع یزد به علت بستر فرهنگی‌اش مستعدتر است. هم به دلایل ذخایر معماری‌اش و هم به دلیل فرهنگ فعلی یزد که هنوز نسبتاً دستنخورده است.

اما معماری جدید یزد، یک معماری تپ است که فاقد هویت تاریخی و اقلیم است. اصولا این معماری‌ای است، که عقلانیت در آن به حداقل رسیده است و غیرعقلانی است.

**انتقاداز بلندمرتبه‌سازی در یزد**
جامعه ما بیشتر احساسی است تا عقلانی. جامعه احساسی نیز شـدیداً هنجارپذیر است. به همین خاطر مسئولان ما تحت تأثیر قرار می‌گیرند. چرا ما «هابیر اُستار» یا ۳۰ طبقه نداشته باشیم؟ مظهر پیشرفت و ... است، باید داشته باشیم!

یک انسان عاقل فکر می‌کند و می‌بیند بلندمرتبه مناسب است، آن را اجرا می‌کند ولی پس از چند سال به عوارضش می‌رسد و تصمیم می‌گیرد آن را خراب کند؛ این کاری بود که در غرب با معیار عقلانیت کردند.

اما کسی که دنبال رون هنجارهاست و اندیشه نمی‌کند پروژه نواب را تهران اجرا می‌کند در حالی که تمام نظریه جدید شهرسازی آن را رد کرده بود و تجربه آمریکا و اروپا نشان می‌داد که این تجربه رد شده است.

معماری امروز ایران غیرعقلانی است، یزد هم همینطور. مثل یزد باید توجه کنیم که بی‌جیره و مواجب، پیرو تبع‌ان نیستند.

با دل خونین لب خندان بیاور همچو جام نی‌گرت زخمی رسد چون چنگ آبی در خروش ترجمه فرموده است.

این ناچیز در طول بیش از شصت سال اردت‌مندی به دکتر باستانی و دیدن حالات و مقامات مختلف او، هرگز ندیدم او از دو اصل رفق و مدارا جدا باشد و همیشه کارها را بر خود آسان می‌گرفت و در همه کار و همه چیز مدارا و ملایمت می‌فرمود، در همان جلسات مجله یغما گاه در مطلبی که مطرح می‌شد تعارض و تناقض آراء میان حاضران روی میداد و به قول طلبه‌ها کار به «إن قیل قُلْتُ» می‌کشید و گاه برخی به تندی و تحکم اظهارنظر خود را بیان می‌کردند و گاهی به قول سعدی «رگ گردن به جلد سفت می‌کردند» ولی مرحوم دکتر باستانی با ظرافت خاصی و به نحو مطلوبی با رفق و مدارا سر و ته آن مطلب مورد بحث را به هم می‌آورد و با تواضع و لحنی که مناسب با مقام استادانی که به سال و سابقه تعلیماتی بر او مقدم بودند سخن می‌گفت و آنان را آرام می‌ساخت.

به هر حال اینکه دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی، گرچه ظاهر از میان دوستان و ارادتمندان فراوانش رفته است ولی مسلماً از دل آن نرفته است و یاد و نامش در خاطر آنان گرامی مانده است.

ماه گذشته دختر مهربان و فاضل او که هم نامش «حمیده» است و هم خلق و خویش حمیده و ستوده است و براستی همه نشانه‌های فرزندی دکتر باستانی را او هم مثل برادر شریفش که او هم از هر جهت، از نام و صفات «حمید» است من بنده را مطلع فرمود که مقرر است که علاقمندان به مرحوم والد نامدار را کنقدردشان «یادنامه»‌ای فراهم کنند.

از این رواین ناچیز نیز وظیفه لازم خود دانست که مراتب اخلاص و ارادت و احترام وافر را به آن بزرگوار با نوشته‌ای ابراز کنم گو این‌که آنقدر از فقدان این مرد عزیز و دانشمند نازنین متأسفم و آنقدر خاطرم حزین است که نمی‌توانم و نمی‌دانم چه مطلبی که مناسب مقام باشد انتخاب کنم.

چند سـال قبل که برای جناب آقای استاد دکتر مهدی محقق دامت افاضاته جشن‌نامه‌ای ترتیب داده شـدم موضوع مقاله تقدیمی من بنده در آن جشن نامه «ایوان مدائن در شعر عرب» بود که شرحی در آن باره نوشتم، آن زمان از این‌که دو شاعر بزرگ دیگر عرب در قرن پنجم یعنی سیدین سندین حضرتین

سیدمرتضی علم‌الهدی و برادر و الاکهر ایشان سیدرضی رضوان‌الله علیهما نیز درباره ایوان مدائن هر یک قصیده‌ای دارند غفلت کرده بودم و لذا فکر کردم که مناسب است اینک موضوع مقاله تقدیمی برای یادنامه حضرت استاد دکتر باستانی پاریزی را همان دو قصیده قرار دهم. البته مقام حضرت سیدمرتضی علم‌الهدی در فرهنگ شیعه و عظمت درجه علمی او در ادب و فقه و اصول و کلام و تفسیر مسلم و معلوم است و همه می‌دانیم که، در کتب فقه و اصول و کلام و تفسیر لقب یا عنوان «سید» منصرف به حضرت ایشان است ولی در مقام شاعریت شک نیست که سید رضی رضوان‌الله علیه «اشعر» از ایشان است ثعالبی آن نقاد بزرگ شعر و ادب در بیتمه‌الدُّهر» می‌فرماید: ولو قلت انه اشعر قریش لم ابعد عن الصدیق.

پاری سید رضی قصیده خود را در سال ۳۹۷ یعنی تقریباً نه سال پیش از وفات خود سروده است و سید مرتضی قصیده‌اش را در سال ۳۹۸ و یک سال پس از سیدرضی سرورده است و اگر فضولی و اشتباه نکرده باشم باید عرض کنم گویا، بلی گویا سید مرتضی در این قصیده خود قصد استدراک یا توجیه و رفع و رجوع کردن بعضی از ابیات قصیده برادر نازنین عظیم‌الشان خود را داشته است زیرا حضرت سیدرضی به جنگ‌های فتوحات اسلامی در آن قصیده بسیار نازیده است. بهر صورت این‌که این دو سید عظیم‌الشان به «ایوان مدائن و کاخ سفید» آن توجه فرموده و برای آن هر یک قصیده شیوایی سرورده‌اند، با رعایت این معنی که این هر دو بزرگوار از اساطیر فرهنگ ششیعه و از اعلام نامبردار و گرانقدر این مذهب حق‌دانه بسیار قابل تأمل است و دلیل آنست که بزرگان و الایام مذهب شیعه به مفاخر و مآثر ایران گرامی همواره به دیده اعجاب و احترام می‌نگریسته‌اند و گریه‌ای را که از دو قصیده به عرض می‌رسانم گواه آنست.

به پایان رسید شرح درد فراق و تجدید ذکر نام نامی مرحوم روان‌شاد دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی رحمه الله علیه –آن دوست عزیز و یار مهربان دانشمند بسیاردارن فروتن بزرگمکش خوش محضر خوش خلق نیکوپندار نیکو گفتار نیکو کردار که‌ان‌شاءالله همواره‌نامش در فرهنگ ایران نامی و یادش گرامی بماند.

**فقیر فانی احمد مهدوی دامغانی**
**فیالندلیا مهر ۱۳۳۷**

اساسا نیاز وجود ندارد در حالیکه در فلان کشور، یک رئیس جمهور با چندصد نفر جامعه‌شناس می‌نشیند و جامعه را بررسی می‌کند تا چه تصمیماتی بگیرد. جامعه‌شناسان تصمیم سازی می‌کنند و رئیس جمهور تصمیم‌گیری می‌کند ولی اینجا مسئولان ما تصمیم‌سازی می‌کنند، تصمیم‌گیری می‌کنند و هم تصمیمات صحیح را وتو می‌کنند! پس دانشگاه‌ها، در جامعه ما تزئینی هستند. اینکه در برخی رشته‌ها مانند نانو و هسته‌ای پیشرفت کرده‌ایم، به خاطر جریانات سیاسی هست. ایران در جمع ۱۰ کشور تولید مقاله در جهان است ولی چرا جامعه ما این وضعیت را دارد؟!

**چون دانشگاه‌های ما با نیازهای جامعه عجين نشده‌اند. هم جامعه به دانشگاه نیاز ندارد، هم دانشگاه کار خود را می‌کند؟**
البته باید گفت دانشگاه‌ها مانند یک مشک دوغ است که ما داریم آن را می‌زنیم تا کره بدها!

ولی خارجی‌ها می‌آیند و کره‌ها را جمع می‌کنند و می‌برند. زحمت مال ماست ولی محصول در آنجاست! نکته‌ای دیگر در این موضوع مطرح است و آن اینکه وقتی برای مثال ۸۰۰ دانشکده معماری در کشور داریم، چون تعداد نخبگان معماری خیلی کمتر از این حجم محصل در این دانشکده‌هاست، صدایشان ضعیف می‌شود و تحت‌هنجارفرینی‌های جمعیت غالب در رنجه‌ای نمی‌شوند. بدین شکل روش‌های غیرصحیح و غیرعلمی در کشور باب می‌شود و آن عله‌هم برای نشان دادن خود به خارج می‌روند و ...

**بر گرفته از: «مجله «تدبیر آینده»**

## فرهنگی

چهارشنبه ۱۴مرداد۱۳۹۴/سالنودم– شماره ۲۶۲۲۰

ویژه فرهنگ تاریخ وتمدن ایران وجهان/ ۲۳۰ **اخبارات**

**تجرب**

**یاد استاد باستانی پاریزی – ۳**

## طنزهای فی البداهه

**کازم آذری سیسی**

از اواخر دهه چهل که اصحاب مجله راهنمای کتاب هفته‌ای یک بار در محل انجمن کتاب گرد هم می‌آمدند و کتاب‌های چاپ شده را نقد و بررسی می‌کردند. استاد باستانی پاریزی هم یک پای ثابت این جمع بود و من از طریق برادرم در همان انجمن کتاب با استاد باستانی آشنا شدم.

نوشتن از تاریخ و قصاوت دیواره‌ی رویدادهای تاریخی واقعا جسارت می‌خواهد.

استاد باستانی علاوه بر روایت‌های تاریخی، تاریخ را چنان با ادبیات پرورانده است که خواننده هیچ وقت از خواندنش احساس خستگی نمی‌کند. بویژه با آن حاشیه‌ها و زیرنویس‌هایی که خود می‌تواند یک مقاله جداگانه محسوب شود و با آوردن نمونه‌هایی از سبک ادبی تاریخ گشتگان امثال ابی‌بیهی، طبری، ابن اثیر و جهانکشا و... خواننده را در جریان انواع سبک ادبی مورخین گشتگان قرار می‌دهد.

استاد باستانی از روایت‌های تاریخی طنزهای گزنده‌ای نقل می‌کنند. خواننده حیران می‌ماند که باید به این طنزها بخندد یا گریه کند. صحبت از طنزهای تاریخی استاد شد باید بدانیم طنزهای فی البداهه استاد کم نبودند. برای اینکه با طنزهای فی البداهه استاد باستانی آشنا بشویم، در یکی از یادواره‌های استاد باستانی که یکی از دوستان صمیمی اش برایش نوشته کمک میگیریم. آقای دکتر صناعتی در یادواره استاد می‌نویسد: «استاد باستانی پاریزی بعد از پایان تحصیلات دانشگاهی در رشته تاریخ و جغرافیا برای احراز شغل (در رشته دبیری) به وزارت فرهنگ مراجعه می‌کند.

متصدی مربوطه می‌گوید: آقای باستانی معدل شما خیلی پایین است و طبق اصولی که ما داریم باید شما را به شهرستان‌های دور دست بفرستیم اما من چون قبل اشعار شما را خوانده ام به شما علاقمند شده و احترام زیادی برایتان قائل هستم بدون در نظر گرفتن مقررات شما را به دبیری تاریخ و جغرافیا برای شهرستان رشت منظور می‌داریم و امیدواریم که از این پیشنهاد ما خوشحال شده باشید. باستانی می‌گوید: «هشکرم از لطف شما اما من زندگی در شهرستانهای جنوب کشور را دوست ندارم من بفرستید به مراغه که نزدیک کرمان خودمان باشم.

استاد باستانی در مدت عمر پر برکت خویش در صدا کنگره و سمینار و کنفرانس تاریخ و ایران شناسی داخلی و خارجی شرکت کرد و مقالات بی‌شماری در مجامع بین‌المللی درباره تاریخ ایران خوانده و او را می‌توان بزرگترین روایت‌گر تاریخ عصر ما دانست و او توانست مردم عادی، بویژه جوانان را با تاریخ آشتی دهد و روایت‌های واقعی تاریخ ایران برای آنها روایت کند. در مورد «اچرا»‌های تاریخی و بیشتر درباره تکرار تاریخ بحث می‌کرد.

رسم دنیا جمله تکرارست اندر کارها

تا چه زاید عاقبت زین رسم، این تکرارها؟

من ندانم راستی ماهیت تاریخ چیست؟

چون حاصل زین همه تکرارها، تذکارها؟ استاد باستانی فقط روایت‌گر تاریخ کرمان نبود. او نه تنها عاشق زادگاه خود کرمان بود بلکه وجب به وجب سایر مناطق ایران را به اندازه کرمان دوست داشت و با دوست دیرینش ایرج افشار بیشتر جاهای ایران را زیر پا گذاشته بودند.

او ایران را از دریچه چشم کرمان می‌نگریست. نه اینکه کرمان نکهای از خاک ایران است و ایشان از جزء ایران به کل ایران رسیدبه بودند و همه جای ایران را سرای خود می‌دانست و به همین سبب بود که روایت‌های تاریخی کرمان را چنان با رویدادهای تاریخی دیگر مناطق ایران پیوند می‌زد ... ادامه دارد



## فرهنگی

**چهارشنبه ۱۴مرداد۱۳۹۴/سالنودم– شماره ۲۶۲۲۰**

ویژه فرهنگ تاریخ وتمدن ایران وجهان/ ۲۲۰ **اخبارات**



دکتر مهدی موسوی

این که عرض کردم در طول شصت و پنج سال دوستی این بنده ترک لایبی از او ندیدم. یقیناً زبان حال همه کسانى است که با مرحوم دکتر باستانی به نحوی از انحاء رابطه‌ای داشته‌اند و با سعادت شاگردی او را درک کرده‌اند و یا با او آشنایی و دوستی و رفاقت داشته‌اند.

رابطه‌ی رفاقت این ناچیز بـا آن عزیز به برکت «یکشنبه‌شب‌های» مجله‌ی گرامی نازنین «یغما» استوارتر شد زیرا دکتر باستانی که او هم هنوز مثل این حقیر و جناب استاد دکتر محقق به درجه‌دکتری نائل نشده بود در آن جلسات یکشنبه‌شب‌های مجله یغماشرکت می‌فرمود و آه و آه که گمان نکنم از آن جمعی که در آن جلسات شرکت می‌کردند جز جنابان استادان احمد اقتداری و دکتر مهدی محقق و دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن و جناب کمال اجتماعی جندقی که خداوند به سلامتشان بدارد و این حقیر ناچیز کسی باقی مانده باشد و خداوند رفتگان آنان را ببامرزاد و نامشان گرامی باد.

اجازه بفرمایید حالا که نامی از آن مجمع برده شد یاد خیری کنم از مرحوم استاد حبیب یغمایی شاعر ماهر که گمان نمی‌کنم در میان معاصرین ما کسی در «قطعه‌سرایی» به اندازه آن مرحوم مهارت داشته است. او نویسنده‌ای بسیار شیوا! بیان شیرین قلم بود که علاوه بر مهارتش در قطعه‌سرایی، قصیده و مثنوی را هم خیلی خوب می‌سرود(مثنوی مختصری که در زمان تشرّفش به حیج در وصف مدینه طیبّه سروده است شاهد این ادعا من بنده است) و از همه اینها مهم‌تر که آدم بود و آدم خوبی بود و در رفاقت و صداقت پای برجا بود و نیز یاد خیری از شرکت‌کنندگان آن جلسه‌نامیم.

مرسوم چنین بود که یکشنبه شبها دوستانران مجله «یغما» در دفتر آن مجله که در طبقه دوم پاساژ اقبال در خیابان شاه‌آباد جای داشت گرد می‌آمدند و از هر دری در آن مجمع سخن به میان می‌آمد و تابستان‌ها در حدود ساعت ده شب و زمستان‌ها زود تر ک آن جلسه ختم می‌شد و حاضران و شرکت‌کنندگان را می‌توان به دو طبقه مر تب ساخت یک طبقه آنان بودند که در آن سال‌ها

نوع مردمی آن در یزد دوره قاجار بروز یافته است.
**\* آیا معماری یزد، مکتب دارد؟**
در صحبت از مکتب معماری یزد، باید با احتیاط باشد. آنچه که معماری امروز یزد که غالب آن معماری دوره قاجار است، جمع‌بندی تجربه هزار ساله است. هرچند به گفته مرحوم دکتر شیرازی علامی از دوران آل‌بویه نیز در برخی خانه‌های یزد دیده می‌شود. معماری یزد، در طول تاریخ ثابت نبوده و تحول یافته است اما این تحول در مسیر استکمال بوده و چون متن تجربه مردمی بدون دستبرد حکومتی داشته و سینه به سینه منتقل شده، در دوره قاجار میوه داده است.

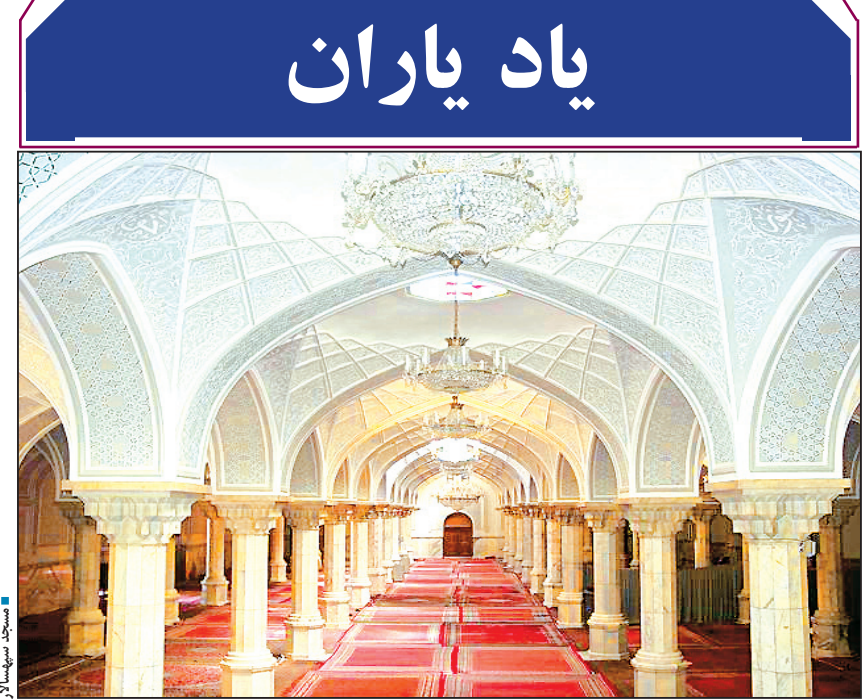
از این جهت دوره قاجار، میوه دوره دادن معماری سنتی است و از طرفی دیگر دوره چرخش معماری ایران به سمت غرب. یعنی این دو هم‌زمان با هم وجود دارند. من همیشه –برای آن مسیر استکمالی که می‌توانست ادامه پیدا کند- مدرسه آقاابوبکر کاشان را مثال می‌زنم. چرا که این مدرسه یک نمونه منحصر به فرد از معماری خلاق و کاملا نو با چارچوب سنتی است. یک «بداعت» بی‌همتاست. «بدعت» نیست، چون بدعت به معنای خروج از قواعد ولی بداعت یعنی حفظ قواعد ولی نوآور است. «بداعت» هوای نو فکر نو، خلافتی عظیم با حفظ چارچوب‌هاست. در دوره قاجار، از این نمونه‌ها زیاد است. در حالی که جامعه ما و معماری آن دوره مستعد شکوفایی بود، غلبه دکترین‌های حکومتی به آن اجازه بالندگی ن داده است.

**\* آیا زمینه احیای آن معماری وجود دارد؟**
اصلا ما در این ۳۰ سال در حوزه معماری منقطر از قبل شده‌ایم. وقتی درختی کاشته می‌شود دوره‌ای باید

سخن خیزد؛ مسلّم است و چه خوب شد که در سایه نام نامی باستانی پاریزی(ره) از آن جلسات و شرکت‌کنندگان آن نیز نامی به میان آمد.

اینکه عرض کردم که خداوند تعالی مودت و

### دکتر احمد مهدوی دامغانی



دوستی مرحوم باستانی پاریزی را در دل‌های مردمان قرار داد بی‌دلیل عرض نکردم زیرا نسبت و «درصد» کسانی که کتب مشهور یعنی متون کلاسیک ادبی یا تاریخی که بدنه‌ی اصلی فرهنگ ایران اسلامی را تشکیل می‌دهد مطالعه می‌کنسند و به آن در مقام کتاب‌خوانی یا تتبع و تحقیق مراجعه دارند، با کسانی که مطالب و موضوعات همان کتب ادبی مشهور و تاریخی معروف را در کتاب‌ها و نوشته‌های خود با طرزی ساده و بیانی مطبوع و خالی از صنایع لفظی و معنوی ادبی و با لحن حکایت و داستان همچون «شهرزاد قصه‌گوی آلف لیله و لیله» بیان می‌کنند طبعاً قابل مقایسه نیست زیرا اگر به فرض و یا تسامح نسبت خوانندگان متول اصیل و کلاسیک را بیست درصد

بگذرد تا میوه بدهد. معماری، میوه یک فرهنگ است.

الآن ما در فرهنگ خودمان کجاییم؟ و چرا در انتظار میوه هستیم؟ چه کاشنیم! انتظار برداشت چه چیزی داریم؟

ضمن آنکه معماری، دستوری نیست که از فردا با بخشنامه‌ای، معماری ایران، ایرانی اسلامی شود. باید جای دیگر را درست کرد تا اینجا درست شود.

البته تکلیف جمعی با فردی جداست. برای مثال بنده معمار، این مسائل را می‌فهمم، بنابراین باید طبق اصول حرکت کنم. در حد بضاعت و عقل خودم. با یک اقدام صحیح من، بهار نمی‌شود ولی من باید تکلیف خود را درست انجام دهم. ممکن است جامعه به سمت دیگری برود. باید دید عقلاً تکلیفم چیست و خروج از عقلانیت خودکنم.

یکی از قواعدی که جامعه دارد، هنجاریذیری انسان‌هاست. بدین معنا که اگر ببینند دعای، کاری را می‌کنند، آن‌ها هم آن کار را می‌کنند. بنابراین مدیریت جامعه می‌تواند هنجارهایی را وارد کند که آن جامعه را به سوی سلامت ببرد. از این‌رو مدیریت جامعه خیلی مهم است. مدیریت فرهنگ هم از آن مهم‌تر می‌شود.

در یک کلام باید– گفت تکلیف فردی و جمعی جداست و هرکس باید وظیفه خود را به درستی انجام دهد.

**این هنجارها فقط توسط حکومت می‌تواند ایجاد شود؟**

نه! مهم‌ترین آن در جوامع ما، نهادهای تأثیرگذار است. مثلاً حوزه‌های علمیه.

**کدامیک از علمای ما در خصوص معماری**

کتاب‌خوانان بپنداریم (که خیال می‌کنم همین بیست درصد (۲۰٪) هم خوشبینانه است) هشاد درصد بقیه کتاب‌خوانان، این کتاب‌های اخیرالذکر داستانی و ساده

که فهم مطالب و مندرجات آن نیازی به توضیحات

و لذّت می‌برند و بدیهی است که همه‌ی آنان چنان نویسنده‌ای را دوست می‌دارند که شک نیست که چه بسیار باشند بیمارانی که اسیر بسترتند و دره‌مندند و جز امکان «خواندن» از امکانات متالول برای بیماران از قبیل داشتن کس و کار یا عیادت‌کننده محرومند، و به فرموده سعدی که:

درازی شـب از مـزگان مـن پـرس
که یکدم خواب در چشمم نگشسته است
از درد و دلواپسی خوابشان نمی‌برد. تحمل درد و نگرانی‌شان را با خواندن کتاب‌هایی امثال کتاب‌های نفیس مرحوم دکتر باستانی پاریزی رحمه‌الله علیه بر خود آسان‌تر می‌کنند و از مطالعه آن مطلب متنوّع و شیرینی که دکتر باستانی در کتب متعددی که به تالیف آن به‌راستی با توکل و توفیق الهی موفق شده است، آرامشی می‌یابند و از این جهت است که عرض کردم انشاءالله مرحوم دکتر باستانی پاریزی از مصداقین قطعی آن آیه شریفه است و چه عمل صالحی از آن فقید سعید ممکن بود بهتر و صالح‌تر از همین قلمفرسایی ممتد و مستمر او باشد؟ آن عزیز با نوشتن این کتاب‌ها چه بسیار از راهزای نهانی و مطالب جالب و ریزه‌کاری‌های ظریف فرهنگ ایران اسلامی را زگشایی فرموده و زوایای تاریکی از تاریخ ایران اسلامی و خصوصاً قرون اخیره آن را روشن ساخته است. خداشد بیمارزاد

دکتر باستانی از آن قلیل افرادی بود که اساس فکری و عملی و بنیاد اصلی رفتارش در زندگی به معنای واقعی «مدارا» بود، کاش می‌سَـر بود که برخی از فرمایشات و احادیثی که از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از ائمه معصومین علیهم‌السلام درباره مدارا و رفق روایت شده است این‌جا عرض کنم که خوانندگان عموماً و از آنان، آنها که سعادت دوستی و معاشرت و مصاحبت با مرحوم دکتر باستانی را داشته‌اند متوجه شوند که مرحوم دکتر باستانی به چه نعمت و توفیق الهی و متنعم و موفق بوده است. آری او به نعمت مدارا و رفق بسیار آراسته بود. پیغمبر ما فرمود: «مدارا الناس صدقه» و فرمود «اما دخل الرفق فی شیء الا زانه و لا ینزع من شیء الا شانه» که گویا خواجه شیراز(ره) این فرمایشات را به صورت: دوش با من گفت پنھان کردانی تیزهوش
وز شما پنهان نشاید کرد سحر می فروش
کتاب‌ها را ا همه‌ی کتاب‌خوانان یعنی همه‌ی آن کسانی که سواد معمولی و متوسطی دارند از زن و مرد و جوان و پیر و نیز فضلا و استادان و دانشجویان می‌خوانند



نقش یزد در آینده معماری ایران چیست؟

نقش یزد در آینده معماری ایران چیست؟
می‌توان گفت یزد یکی از شهرهایی است که در آینده معماری ایران می‌تواند نقش ایفا کند. در واقع یزد به علت بستر فرهنگی‌اش مستعدتر است. هم به دلایل ذخایر معماری‌اش و هم به دلیل فرهنگ فعلی یزد که هنوز نسبتاً دستنخورده است.

اما معماری جدید یزد، یک معماری تپ است که فاقد هویت تاریخی و اقلیم است. اصولا این معماری‌ای است، که عقلانیت در آن به حداقل رسیده است و غیرعقلانی است.

**انتقاداز بلندمرتبه‌سازی در یزد**
جامعه ما بیشتر احساسی است تا عقلانی. جامعه احساسی نیز شـدیداً هنجارپذیر است. به همین خاطر مسئولان ما تحت تأثیر قرار می‌گیرند. چرا ما «هاپیر استار» یا ۳۰ طبقه نداشته باشیم؟ مظهر پیشرفت و ... است، باید داشته باشیم!
یک انسان عاقل فکر می‌کند و می‌بیند بلندمرتبه مناسب است، آن را اجرا می‌کند ولی پس از چند سال به عوارضش می‌رسد و تصمیم می‌گیرد آن را خراب کند؛ این کاری بود که در غرب با معیار عقلانیت کردند. اما کسی که دنبال رون هنجارهاست و اندیشه نمی‌کند پروژه نواب را تهران اجرا می‌کند در حالی که تمام نظریه جدید شهرسازی آن را رد کرده بود و تجربه آمریکا و اروپا نشان می‌داد که این تجربه رد شده است.

معماری امروز ایران غیرعقلانی است، یزد هم

ببیند مسئولان ما در تصمیم‌گیری‌هاشان چقدر نیازمند

متخصصین دانشگاه هستند؟! در مجلس و دولت و ...

با دل خونین لب خندان
بی‌اور همچو جام
نی‌گرت زخمی رسد چون چنگ
آنی در خروش
ترجمه فرموده است.

این ناچیز در طول بیش از شصت سال ارداتمندی به دکتر باستانی و دیدن حالات و مقامات مختلف او، هرگز ندیدم او از دو اصل رفق و مدارا جدا باشد و همیشه کارها را بر خود آسان می‌گرفت و در همه کار و همه چیز مدارا و ملایمت می‌فرمود، در همان جلسات مجله یغما گاه در مطلبی که مطرح می‌شد تعارض و تناقض آراء میان حاضران روی میداد و به قول طلبه‌ها کار به «إن قبل قلتُ» می‌کشید و گاه برخی به تندیی و تحکم اظهارنظر خود را بیان می‌کردند و گاهی به قول سعدی «رگ گردن به جلد سفت می‌کردند» ولی مرحوم دکتر باستانی با ظرافت خاصی و به نحو مطلوبی با رفق و مدارا سر و ته آن مطلب مورد بحث را به هم می‌آورد و با تواضع و لحنی که مناسب با مقام استادانی که به سال و سابقه تعلیماتی بر او مقدم بودند سخن می‌گفت و آنان را آرام می‌ساخت.

به هر حال اینکه دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی، گرچه ظاهر از میان دوستان و ارادتمندان فراوانش رفته است ولی مسلماً از دل آن نرفته است و یاد و نامش در خاطر آنان گرامی مانده است.

ماه گذشته دختر مهربان و فاضل او که هم نامش «حمیده» است و هم خلق و خویش حمیده و ستوده است و براستی همه نشانه‌های فرزندی دکتر باستانی را او هم مثل برادر شریفش که او هم از هر جهت، از نام و صفات «حمید» است من بنده را مطلع فرمود که مقرر است که علاقمندان به مرحوم والد نامدار اگر تقدردشان «یادنامه»‌ای فراهم کنند.

از این رواین ناچیز نیز وظیفه لازم خود دانست که مراتب اخلاص و ارادت و احترام وافر را به آن بزرگوار با نوشته‌ای ابراز کنم گو این‌که آنقدر از فقدان این مرد عزیز و دانشمند نازنین متأسفم و آنقدر خاطرم حزین است که نمی‌توانم و نمی‌دانم چه مطلبی که مناسب مقام باشد انتخاب کنم.

چند سـال قبل که برای جناب آقای استاد دکتر مهدی محقق دامت افاضاته جشن‌نامه‌ای ترتیب داده شـدم موضوع مقاله تقدیمی من بنده در آن جشن نامه «ایوان مدائن در شعر عرب» بود که شرحی در آن باره نوشتم، آن زمان از این‌که دو شاعر بزرگ دیگر عرب در قرن پنجم یعنی سیدین سندین حضرتین

سیدمرتضی علم‌الهدی و برادر و الاکهر ایشان سیدرضی رضوان‌الله علیهما نیز درباره ایوان مدائن هر یک قصیده‌ای دارند غفلت کرده بودم و لذا فکر کردم که مناسب است اینک موضوع مقاله تقدیمی برای یادنامه حضرت استاد دکتر باستانی پاریزی را همان دو قصیده قرار دهم.

البته مقام حضرت سیدمرتضی علم‌الهدی در فرهنگ شیعه و عظمت درجه علمی او در ادب و فقه و اصول و کلام و تفسیر مسلم و معلوم است و همه می‌دانیم که، در کتب فقه و اصول و کلام و تفسیر لقب یا عنوان «سید» منصرف به حضرت ایشان است ولی در مقام شاعریت شک نیست که سید رضی رضوان‌الله علیه «اشعر» از ایشان است ثعالبی آن نقاد بزرگ شعر و ادب در بیتمه‌الدهر» می‌فرماید: ولو قلت انه اشعر قریش لم ابعد عن الصدیق.

پاری سید رضی قصیده خود را در سال ۳۹۷ یعنی تقریباً نه سال پیش از وفات خود سروده است و سید مرتضی قصیده‌اش را در سال ۳۹۸ و یک سال پس از سیدرضی سرورده است و اگر فضولی و اشتباه نکرده باشم باید عرض کنم گویا، بلی گویا سید مرتضی در این قصیده خود قصد استدراک یا توجیه و رفع و رجوع کردن بعضی از ابیات قصیده برادر نازنین عظیم‌الشان خود را داشته است زیرا حضرت سیدرضی به جنگ‌های فتوحات اسلامی در آن قصیده بسیار نازیده است. بهر صورت این‌که این دو سید عظیم‌الشان به «ایوان مدائن و کاخ سفید» آن توجه فرموده و برای آن هر یک قصیده شیوایی سرورده‌اند، با رعایت این معنی که این هر دو بزرگوار از اساطیر فرهنگ ششیعه و از اعلام نامبردار و گرانقدر این مذهب حق‌داند بسیار قابل تأمل است و دلیل آنست که بزرگان و الایام مذهب شیعه به مفاخر و مآثر ایران گرامی همواره به دیده اعجاب و احترام می‌نگریسته‌اند و گریه‌ای را که از دو قصیده به عرض می‌رسانم گواه آنست.

به پایان رسید شرح درد فراق و تجدید ذکر نام نامی مرحوم روان‌شاد دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی رحمه الله علیه –آن دوست عزیز و یار مهربان دانشمند بسیاریان فروتن بزرگمکش خوش محضر خوش خلق نیکوپندار نیکو گفتار نیکو کردار که‌ان‌شاءالله همواره‌نامش در فرهنگ ایران نامی و یادش گرامی بماند.

**فقیر فانی احمد مهدوی دامغانی**
**فیالندلیا مهر ۱۳۹۳**

اساسا نیاز وجود ندارد در حالیکه در فلان کشور، یک رئیس جمهور با چندصد نفر جامعه‌شناس می‌نشیند و جامعه را بررسی می‌کند تا چه تصمیماتی بگیرد. جامعه‌شناسان تصمیم سازی می‌کنند و رئیس جمهور تصمیم‌گیری می‌کند ولی اینجا مسئولان ما تصمیم‌سازی می‌کنند، تصمیم‌گیری می‌کنند و هم تصمیمات صحیح را وتو می‌کنند! پس دانشگاه‌ها، در جامعه ما تزیینی هستند. اینکه در برخی رشته‌ها مانند نانو و هسته‌ای پیشرفت کرده‌ایم، به خاطر جریانات سیاسی هست. ایران در جمع ۱۰ کشور تولید مقاله در جهان است ولی چرا جامعه ما این وضعیت را دارد؟!
**چرا در بافت تاریخی یزد ملک خریدید؟**

خیلی وقت بود می‌خواستم یک خانه قدیمی در یزد با کاشان بخرم. فرزند و داماد هم یزد بودند و بالاخره به این نتیجه رسیدیم. البته نیت مان هنجارسازی بود. اینجا بافت تاریخی، ارزان قیمت است ولی در کشورهای غربی مانند فرانسه گران قیمت‌ترین بخش شهر بافت‌های تاریخی هستند.

**چرا دانشگاهای ما به این روز افتاده‌اند؟**
تشکیل دانشگاه‌های ما براساس الگوهای غربی بوده نه براساس نیازهای ما. خیلی از نهادهایی که در کشور ایجاد شد، فرمایشی بود، بدین‌معنا که آن زمان که دانشگاه در کشور ما ایجاد شد، براساس تقلید از غرب بود نه نیاز. بنابراین هیچ‌گاه ریشه‌نگرفت. غیرعلمی در کشور باب می‌شود و آن عده هم برای نشان دادن خود به خارج می‌روند و ...

**بر گرفته از: «مجله «تدبیر آینده»**

## فرهنگی

**چهارشنبه ۴مرداد۱۳۹۴/سالنودم– شماره ۲۶۲۲۰**

**اخبارات** ویژه فرهنگ تاریخ وتمدن ایران وجهان/ ۲۲۰

**تجرب**

## یاد استاد باستانی پاریزی – ۳ طنزهای فی البداهه

**کازم آذری سیسی**

از اواخر دهه چهل که اصحاب مجله راهنمای کتاب هفته‌ای یک بار در محل انجمن کتاب گرد هم می‌آمدند و کتاب‌های چاپ شده را نقد و بررسی می‌کردند. استاد باستانی پاریزی هم یک پای ثابت این جمع بود و من از طریق برادرم در همان انجمن کتاب با استاد باستانی آشنا شدم.

نوشتن از تاریخ و قصاوت دیواره‌ی رویدادهای تاریخی واقعا جسارت می‌خواهد.

استاد باستانی علاوه بر روایت‌های تاریخی، تاریخ را چنان با ادبیات پرورانده است که خواننده هیچ وقت از خواندنش احساس خستگی نمی‌کند. بویژه با آن حاشیه‌ها و زیرنویس‌هایی که خود می‌تواند یک مقاله جداگانه محسوب شود و با آوردن نمونه‌هایی از سبک ادبی تاریخ گشتگان امثال ابی‌بیهی، طبری، ابن اثیر و جهانکشا و... خواننده را در جریان انواع سبک ادبی مورخین گشتگان قرار می‌دهد.

استاد باستانی از روایت‌های تاریخی طنزهای گزنده‌ای نقل می‌کنند. خواننده حیران می‌ماند که باید به این طنزها بخندد یا گریه کند. صحبت از طنزهای تاریخی استاد شد باید بدانیم طنزهای فی البداهه استاد کم نبودند. برای اینکه با طنزهای فی البداهه استاد باستانی آشنا بشویم، در یکی از یاداوره‌های استاد باستانی که یکی از دوستان صمیمی اش برایش نوشته کمک میگیریم. آقای دکتر صناعتی در یادواره استاد می‌نویسد: «استاد باستانی پاریزی بعد از پایان تحصیلات دانشگاهی در رشته تاریخ و جغرافیا برای احراز شغل (در رشته دبیری) به وزارت فرهنگ مراجعه می‌کند.

متصدی مربوطه می‌گوید: آقای باستانی معدل شما خیلی پایین است و طبق اصولی که ما داریم باید شما را به شهرستان‌های دور دست بفرستیم اما من چون قبل اشعار شما را خوانده ام به شما علاقمند شده و احترام زیادی برایتان قائل هستم بدون در نظر گرفتن مقررات شما را به دبیری تاریخ و جغرافیا برای شهرستان رشت منظور می‌داریم و امیدواریم که از این پیشنهاد ما خوشحال شده باشید. باستانی می‌گوید: «هشکرم از لطف شما اما من زندگی در شهرستانهای جنوب کشور را دوست ندارم در بفرستید به مراغه که نزدیک کرمان خودمان باشیم.

استاد باستانی در مدت عمر پر برکت خویش در صداکنگر و سمینار و کنفرانس تاریخ و ایران شناسی داخلی و خارجی شرکت کرد و مقالات بی‌شماری در مجامع بین‌المللی درباره تاریخ ایران خوانده و او را می‌توان بزرگترین روایت‌گر تاریخ عصر ما دانست و او توانست مردم عادی، بویژه جوانان را با تاریخ آشتی دهد و روایت‌های واقعی تاریخ ایران برای آنها روایت کند. در مورد «اچرا»‌های تاریخی و بیشتر درباره تکرار تاریخ بحث می‌کرد.

رسم دنیا جمله تکرارست اندر کارها

تا چه زاید عاقبت زین رسم، این تکرارها؟

من ندانم راستی ماهیت تاریخ چیست؟

چون حاصل زین همه تکرارها، تذکارها؟

استاد باستانی فقط روایت‌گر تاریخ کرمان نبود. او نه تنها عاشق زادگاه خود کرمان بود بلکه وجب به وجب سایر مناطق ایران را به اندازه کرمان دوست داشت و با دوست دیرینش ایرج افشار بیشتر جاهای ایران را زیر پا گذاشته بودند.

او ایران را از دریچه چشم کرمان می‌نگریست. نه اینکه کرمان نکای از خاک ایران است و ایشان از جزء ایران به کل ایران رسیدبه بودند و همه جای ایران را سرای خود می‌دانست و به همین سبب بود که روایت‌های تاریخی کرمان را چنان با رویدادهای تاریخی دیگر مناطق ایران پیوند می‌زد ... ادامه دارد





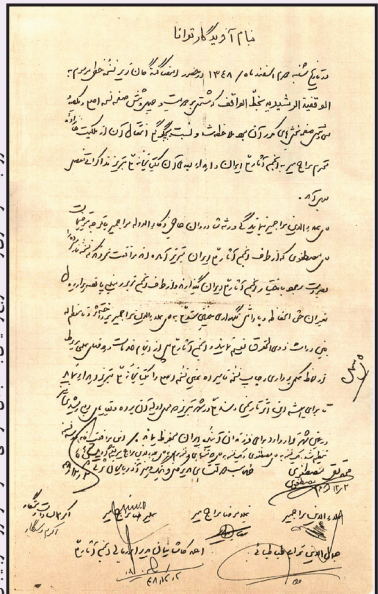
تمدن

مهدی بزاز دستفروش

خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی (متوفی به سال ۸۱۷ ه. ق) طبیب، مورخ و وزیر معروف غازان خان ایلخان مغول در شمال محله بیلانگوه تبریز مجموعه‌ای عظیم احداث نمود که به «ربع رشیدی» معروف است. رشید الدین در نامه‌ای به فرزندش خواجه سعدالدین ضمن توصیف ربع رشیدی می‌نویسد:

«ربع رشیدی که در زمان مفارقت و اوان مبادعت آن فرزند عزیز طرح انداخته و تهیه اسباب آن ساخته بودیم اکنون به میامن قدوم علما و یمن همت فضلا به اتمام پیوسته، بیست و چهار کاروانسرای رفیع که چون قصر خورتق منبع است... و هزار و پانصد دکان... و سی هزار خانه دلکش در او بنا کرده‌ایم و حمامات خوش هوا و بساتین باصفا و حوائت و طواحین و کارخانه‌های شعر بافی و کاغذ سازی و دارالضرب و رنگخانه و غیره احداث و انشاء رفته و از هر شهری و ثغری جماعتی آورده و در ربع مسکون ساکن گردانیده‌ایم...»

سپس اشاره می‌کند که «دویست نفر قاری از کوفه و بصره و واسط و شام آورده شده‌اند که دائما به نوبت مشغول تلاوت کلام الله مجیدند و چهل تن از غلام زادگان از آنان تعلیم قرائت می‌گیرند، چهار صد فقیه و محدث برگزیده از کشورهای مختلف مامور تدریسند و هزار طالب علم از آنان تعلیم فقه و حدیث می‌گیرند و دقت شده که هر یک از طلاب به فراخور استعداد خود به تحصیل رشته‌ای گماشته شوند، پنجاه پزشک حاذق از هند و مصر و چین و شام استخدام شده‌اند که هر روز در دارالشفاء مشغول طبابت‌اند و در پیش هر یک ده تن طالب علم مستعد مشغول فرا گرفتن فن پزشکی هستند. چشم پزشکان، جراحان و شکسته بندان در نزدیکی باغ رشید آباد و دیگر صاحبان صنایع و حرف در کویهای دیگر جا گرفته‌اند و هر



یک متناسب با فضل و هنر خود وظیفه و حقوقی دریافت می‌دارند و...»

همچنانکه از مفاد نامه‌ها نیز به خوبی معلوم می‌شود ربع رشیدی به اصطلاح امروز یک شهر علمی و دانشگاهی شده و بزرگترین علمای عصر از کشورهای مشرق در آن گرد آمده بودند. کتابخانه عظیمی داشت، کشت خیلی از گیاهان در باغهای نمونه آن مورد آزمایش قرار می‌گرفت و در موارد علمی مختلف بحث و فحص به عمل می‌آمد. (کارنگ، ۱۳۷۴: ۱۶۳)

وقفنامه ربع رشیدی که موضوع اصلی نوشتار حاضر است، یادگاری بی‌بدیل است از قرن هشتم

هجری که واقف (رشیدالدین فضل الله همدانی) آن را برای کلیه املاک و اراضی و دارائی‌های متعلق به خود و بیان نحوه هزینه عایدات حاصل از آنها در مجموعه ربع رشیدی ترتیب داده است. عمده عایدی املاک موقوفه از برای پرداخت مصارف لازم به جهت نگاهداری تاسیساتی مثل: مدرسه و بیمارستان و دارالایتم و سایر دستگاههای عام‌المنفعه تعیین شده و عمده اهمیت وقفنامه از این لحاظ است.

وقفنامه ربع رشیدی

از پیلانگوه تا یونسکو



تا سال ۱۳۴۸ شمسی و برگزاری «مجمع علمی و تحقیقی رشیدالدین فضل الله همدانی» اطلاعات بسیاری اندکی در باره موجودیت این سند ارزشمند در دست بود تا آنکه مجمع مذکور طی روزهای ۱۱ الی ۱۵ آبان ماه ۱۳۴۸ با حضور جمعی از بزرگترین دانشمندان و صاحب نظران ایران و جهان که بی اغراق نام هر یک به تنهایی اعتباری برای هر محفل علمی و دانشگاهی تلقی می‌گردد، به میزبانی دانشگاههای تهران و تبریز برگزار گردید، سرشناس ترین دانشمندان و محققان حاضر در این مجمع علمی عبارت بودند از:

بدیع الزمان فروزانفر، مجتبی مینوی، عباس زریاب خویی، محمد تقی دانش پژوه، ایرج افشار، سید محمد محیط طباطبائی، سید جعفر شهیدی، محمد ابراهیم باستانی پاریزی، منوچهر مرتضوی، مهدی محقق، محمد جواد مشکور، غلامحسین یوسفی و... از ایران و کارل یان از دانشگاه لیدن، جان بویل از دانشگاه منچستر، عثمان توران از دانشگاه آنکارا، احمد زکی ویلیدی طوغان از دانشگاه استانبول، کنت لوتر از دانشگاه میسینگن و... (باستانی پاریزی، ۱۳۴۸: ۵۰۸)

دو روز پایانی این مجمع علمی در دانشگاه تبریز برگزار گردید و یکی از ویژگیهای گردهمایی تبریز معرفی نسخه اصلی وقفنامه ربع رشیدی به شرکت کنندگان در این همایش بود. استاد فقید ایرج افشار در این باره می‌نویسد:

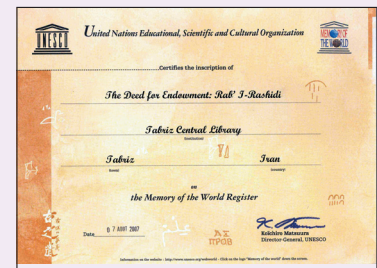
«موقعی که یکی از جلسات مجمع علمی و تحقیقی در باره خواجه رشیدالدین فضل الله طبیب همدانی در تبریز تشکیل شد به اهتمام قابل تقدیر منوچهر مرتضوی رئیس دانشمند دانشگاه ادبیات تبریز نسخه اصلی و بی نظیر وقفنامه خواجه که اغلب قسمتهای آن به خط شخص اوست به معرض دیدار شرکت کنندگان قرار گرفت و به مناسبت اهمیتی که این نسخه مهم تاریخی دارد، در پیشنهادهای نهایی مجمع گنجانده شد که یکی از دستگاههای ملی و عمومی کشور آن را خریداری کند تا از تصرفات دائمی روزگار در امان بماند»

صور تجلسه یک صفحه‌ای و اگذاری وقفنامه ربع رشیدی به انجمن آثار ملی در سه نسخه یکسان و به قلم تهماسب دولتشاهی مدیرکل وقت فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی تنظیم یافته و نسخه‌ای از آن هم‌اینک در موزه آذربایجان در تبریز نگهداری می‌شود (دو نسخه دیگر یکی به علاء الدین سراجمیر نماینده وراث مرحوم ذکاءالدوله و یکی به سید محمد تقی مصطفوی نماینده انجمن آثار ملی تسلیم گردیده است)، در ذیل این صور تجلسه علاوه بر امضاء دولتشاهی، امضاء سید محمد تقی مصطفوی بعنوان نماینده و عضو هیات موسس و احمد کاشانیان مدیر امور مالی انجمن آثار ملی، وراث مرحوم حاجی میرزا سعیدخان ذکاءالدوله سراجمیر و سید جمال ترابی طباطبائی رئیس وقت موزه آذربایجان دیده می‌شود.

بدین ترتیب فرزندان ذکاء الدوله سراجمیر که سالهای سال این امانت و میراث ارزشمند ملی را در خانواده خود حفظ نموده بودند آن را با اساس توافقات بعمل آمده در اختیار انجمن آثار ملی قرار دادند، مهدی مجتهدی مولف کتاب رجال آذربایجان در عصر مشروطه درباره حاجی ذکاء الدوله می‌نویسد: «حاج میرزا سعیدخان ذکاءالدوله سراج میر، از طرف پدر از خانواده طباطبایی و از طرف مادر نوه حاج کلاتر معروف می‌باشد. شرف نسب را با طهارت اخلاق در خود جمع نموده است. دارای اطلاعات فراوان در ادبیات فارسی است. خط نستعلیق را بسیار شیرین و شیوا می‌نویسد، اما شهرت عمده او در درستکاری و امانت و دیانت او می‌باشد که اجماع کل تبریز به بی غرضی او حاصل است. کتابخانه‌ای معتبر مشتمل بر کتب نفیس عربی و فارسی دارد. کتابخانه او نیز به نوبه خود اسباب آبروی تبریز است.» (مجتهدی، ۱۳۲۷: ۲۰۰)

نسخه اصلی وقفنامه ربع رشیدی توسط زنده یاد سید محمد تقی مصطفوی به تهران منتقل گردید تا بر اساس تصمیمات قبلی بصورت چاپ عکسی و متن تصحیح شده منتشر گردد و این مهم به همت دو تن از دانشمندان بزرگ، اساتید زنده یاد مجتبی مینوی و ایرج افشار و نیز همکاری شادروان عبدالعلی کارنگ در تصحیح قسمت مربوط به آذربایجان، به بهترین وجه ممکن انجام پذیرفت و پس از آن نسخه اصلی وقفنامه به کتابخانه ملی تبریز (کتابخانه مرکزی کنونی) اهداء شد و هم‌اینک در این کتابخانه نگهداری می‌شود. وقفنامه بصورت کتابی مجلد است و نام آن در صفحه اول به خط ثلث و به طلا «الوقیة الرشیدیة بخط واقف فی بیان شرایط امور الوقف و المصارف» است. این اثر ارزشمند و بی نظیر در سال ۱۳۸۶ در «برنامه حافظه جهانی» به ثبت رسیده است. سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) به منظور عمل به مسئولیت خود در حفظ و معرفی میراث مستند در سطح جهان در سال ۱۹۹۲ میلادی اجرای برنامه حافظه جهانی را آغاز کرده و بر اساس اعلام رسمی کمیته حافظه جهانی، وقفنامه ربع رشیدی در اجلاس پروتوریای آفریقای جنوبی (۱۱ تا ۱۵ ژوئن ۲۰۰۷) بعنوان نخستین اثر از ایران در حافظه جهانی یونسکو ثبت گردیده است.

منابع:  
- افشار، ایرج، (۱۳۴۹)، «معرفی نسخه اصل وقفنامه رشیدالدین فضل الله»، بررسی‌های تاریخی، شماره ۲۵، از ص ۲۴۹ تا ص ۲۵۵.  
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۴۸) «یادبود خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی»، یغما، شماره ۹، از ص ۵۰۸ تا ص ۵۱۳.  
- کارنگ، عبدالعلی، (۱۳۷۴)، آثار باستانی آذربایجان، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ج دوم.  
- مجتهدی، مهدی، (۱۳۲۷)، رجال آذربایجان در عصر مشروطیت، نقش جهان، چ اول.







## گفتار

امیرعلی قبادی

اشاره: گفت و شنود با استاد دکتر اسلامی ندوشن در تابستان ۱۳۸۱ به درخواست کتاب ماه «ادبیات و فلسفه» صورت گرفت و آقایان دکتر اصغر دادبه، دکتر محمد دهقانی، کامیار عابدی و علی اصغر محمد خانی در آن شرکت داشتند.

بعد از یک سال آقای فروشانی که دبیر انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی بود، یک شب که در آنجا فیلم نشان می دادند و من با دوستان برای دیدن فیلم رفتیم، به من گفت یک لحظه بیا بید، من با شما کار دارم. به دفترش رفتم و گفت که داستان شما به روسی ترجمه شده است، در مجله‌ای به اسم جرعه که امتیازش با لنین بوده است.

یک نسخه هم به من داد که مجله‌ای بود با قطع بزرگ که بعد در حوادث گم شد. این اولین داستانی بود که در پیام نو نوشتم و اولین چیزی بود که از من ترجمه می شد. بعد از آن در دوره دوم سخن و یکی دو جای دیگر چند داستان از من چاپ شد که مجموع اینها در کتاب پنجره‌های بسته آمده. البته نمایشنامه ابر زمانه و ابر زلف هم هست که آن هم بیان داستانی دارد که از آن دو ترجمه به زبان‌های دیگر (آلمانی و عربی) شد. بعد افسانه و افسون می آید که با امضاء مستعار «دیده‌ور» انتشار دادم. داستانی بود که هیچ وقت نخواستم درباره‌اش صحبت بشود، برای اینکه خیلی حساسیت ایجاد می کرد.

تقریباً سرگذشت نظام گذشته بود از کودتای زاهی به بعد. البته آن موقع که این را نوشتم، ده سال قبل از سقوط حکومت بود، ولی این سقوط به زبان کنایه در آن پیش‌بینی می شد. حرف‌ها در قالب داستان آمده. افسانه و افسون دو بار چاپ شد، ولی این سال‌ها در فکر تجدید چاپش نبودم، زیرا احتمال حذف و تعدیل در کار بود.

بلافاصله ترجمه روسی‌اش بیرون آمد. آقای کمیسارف ایران‌شناس روس ترجمه کرد و از روی آن ترجمه لیتوانی و ترجمه گرجی نیز صورت گرفت. قرار بود به بلغاری هم ترجمه بشود که با تغییر رژیم بلغار بودجه آن‌ها تغییر کرد، زیرا نشریات دولتی این کار را می کردند. شاید باز روزی به جریان بیفتد.

من داستان‌های معاصر را هم تعقیب می کردم ولی از سویی دیگر فرصت ندارم که مانند گذشته به آن بپردازم. آن زمانه تعداد

کتاب‌ها کمتر بود و ما هم وقت بیشتری برای خواندن داشتیم. با صادق هدایت شروع کردم، بعد بزرگ علوی، چوبک و کسان دیگری که در جهت داستان‌نویسی بودند.

آن زمان من محصل بودم. تا چند سال رمان‌های خارجی می خواندم. تمام زمانی که در فرانسه بودم، خیلی بیشتر وقت برای خواندن می گذاشتم. نویسندگان مهم فرانسه مثل فلوریر، مویسان، استاندال، آندره ژید و ... کمابیش اینها را دنبال می کردم. بعد از طریق زبان فرانسه، به کسان دیگر پرداختم.

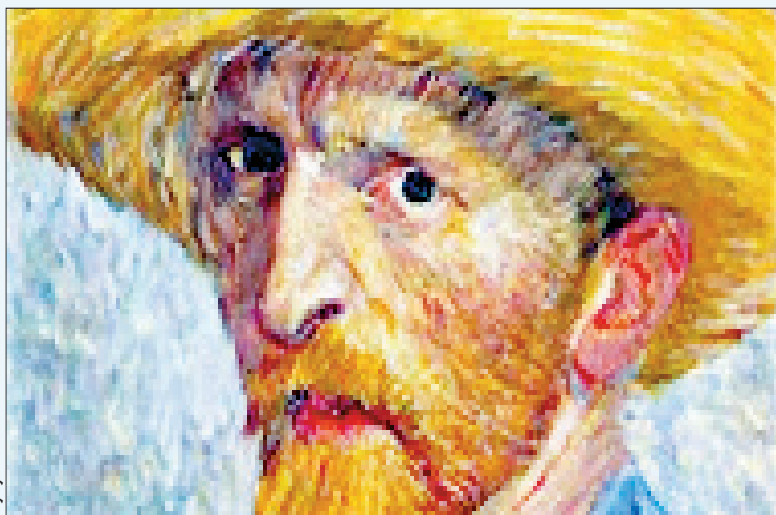
به رمان‌های روس خیلی علاقه داشتم، مثل داستایوسکی، چخوف، تولستوی، گوگول

«هنوز هدایت!!» این را هیچ وقت با جریمیت نمی گویم. چون واقعاً دیگران را نخوانده‌ام. شاید کسان دیگری هم به همان اندازه اهمیت داشته باشند. همین طور هم هست. هدایت در زمان خودش توانست مطرح شود.

فرهنگ ایرانی را می شناخت. هیچ کدام از کسانی که قلم بر کاغذ گذاشته‌اند، فرهنگ ایران را چنانکه باید نشانخته‌اند. با همه ظاهر و لنگاری که به خود گرفت، در درونش جدی بود.

فرهنگ مغرب زمین را هم می شناخت. از فرهنگ ایران دوران قبل از اسلام با احترام و علاقه یاد می کرد. ادب فارسی را

## داستان شور زندگی



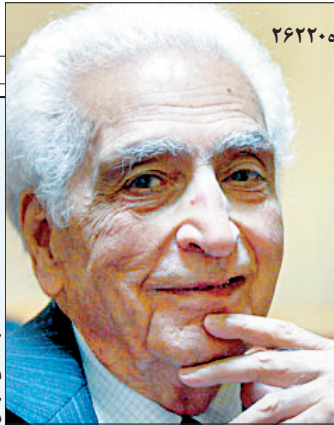
دوست می داشت.

برای اینکه به فرهنگ کشور خودش وارد بود و صمیمیتی به موضوع داشت. احساس درد می کرد. راجع به این مسائل احساس جدی بودن می کرد. این حالت شوخی که از خود نشان می داد، به سبب جدی بودن بود، برای آنکه می پنداشت که کار از کار گذشته است و قابل علاج نیست!! البته همه نوشته‌های هدایت هم خوب نیست. اگر مجموعه‌ای از نوشته‌هایش انتخاب شود، شاید در حدود سیصد صفحه از آن شاخص باشد. بقیه حالت عادی دارند. بی شک بوف کور به جای خودش کتاب مهمی است، تقریباً تاریخ ایران است. البته هر کسی همین طور است. هیچ کس نمی تواند

و ... اینها را می خواندم. تمام دورانی که در فرانسه بودم تقریباً چیزی ننوشتم و بیشتر به خواندن گذشت. بعد که برگشتم جریان عوض شد و دیگر کمتر وقت خواندن پیدا می کنم. بزرگ‌ترین مشکل زندگی من مشکل وقت بوده است.

**\* اگر چه حدود ۲۵ سال به علت کمبود وقت مطالعه نکردید، اما اگر بخواهید مهم‌ترین چهره داستان‌نویسی ایران را در قرن بیستم انتخاب کنید، فکر می کنید جز صادق هدایت می شود شخص دیگری را انتخاب کرد یا در کنارش گذاشت؟**

از آندره ژید سؤال کردند، مهم‌ترین شاعر فرانسه کیست؟ گفت: «افسوس: ویکتور هوگو» من هم با افسوس باید بگویم



دکتر اسلامی ندوشن

همه آن چه را که می نویسد، برجسته باشد.

**\* داستان شور زندگی را که زندگی نامه وان گوگ است و حالت رمان دارد شما ترجمه کردید و خیلی مورد استقبال قرار گرفت. اصولاً ترجمه‌های شما خیلی کم است. مجموعه شعری را از بودلر ترجمه کردید، یکی هم که پیروزی آینده دموکراسی است و یکی دو تای دیگر.**

بله، پیروزی آینده دموکراسی از توماس مان، آنتونیوس و کلوپاترا از شکسپیر و از اشیل نمایشنامه ایرانیان و از لانگ فلو به صورت دو زبانی چاپ شده است. این‌ها یک کار تفننی بوده است، واقعاً کار من ترجمه به آن معنا نبوده است.

**\* حالا چرا شور زندگی را انتخاب کردید؟ آیا احساس همدلی با وان گوگ بود؟**

شور زندگی انتخاب من نبود. مؤسسه فرانکلین این کتاب را جزو برنامه کارش گذاشته بود و به من پیشنهاد کرد که ترجمه کنم. من آن را نخوانده بودم، کتاب را خواندم و دیدم چه اثر ارزنده‌ای است. بعد هم پی بردم که نویسنده‌اش در زندگی نامه نویسی فرد معتبری است و تخصصش در این است که راجع به چند نفر از بزرگان هنری کتاب بنویسد و همه مقبول واقع شده و به زبان‌های مختلف ترجمه شده و از آن‌ها فیلم ساخته‌اند.

یک بار هم به ایران آمد که من دیدمش و این کتابش اتفاقاً بسیار گل کرد، برای اینکه خیلی کتاب انسانی‌ای است. من اخیراً برای بررسی آخرین چاپ یک بار دیگر آن را خواندم، برای اینکه چاپ سیزدهم یا چهاردهم آن قرار بود منتشر شود، واقعاً خیال کردم که از نو آن را می خوانم. برای آخرین بار که آن را می خواندم احساس شعف کردم که چهل سال پیش توفیق ترجمه آن را یافته بودم. در مقدمه‌اش هم نوشتم که چنانکه می خواستم امروز این کتاب را ترجمه کنم، به این خوبی از عهده بر نمی آمدم که آن زمان برآمدم، برای اینکه آن موقع شاید فراغت و شوق بیشتر داشتم

پایان

## زبانزد / گیتا کلانکی

«گ»



## کو بوی مشکت؟

\* گربه مرتضی علی است، پشتش به زمین نمی آید

\* گربه مسکین اگر برداشتی تخم گنجشک از زمین برداشتی

\* گربه هفت بار جای بچه‌هایش را عوض می کند.

\* گربه همه شب به خواب ببند دنبه

\* گر به همه شب موش در خواب ببند.

\* گر پرده ز روی کارها بردارند / معلوم شود که در چه کاریم همه

\* گر تضرع کنی و گر فریاد جوجه را گربه پس نخواهد داد

\* گرت نیست باور بیا و ببین.

\* گر تو بهتر می زنی بستان بز.

\* گر تو خواهی و نخواهی بندهام تا زنده‌ام.

\* گر تو دشوار نگیری همه کار آسان است.

\* گر تو قرآن بدین نمط خوانی / ببری رونق مسلمانی

\* گر تو ناف آهوئی کو بوی مشکت؟

\* گر تو نباشی یار من خدا بسازد کار من

\* گر تو نمی پسندی تغییر ده قضا را.

\* گرچه بازو سخت داری زور با آهن مکن.

\* گرچه خوبی به سوی زشت به خواری منگر.

\* گرچه دور است او به چشم دل همی ببند تو را.

\* گر حکم شود که مست گیرند / در شهر هر آنکه هست گیرند!

\* گر خانه محقر است و تاریک / بر دیده روشن نشانم

\* گر خرمن گل خواهی از خار مترس ای دل.

\* گر خواجه ما خواجه حسن خواهد بود / ما را نه جوال و نه رسن خواهد بود!

\* گرد اسرار غیب نتوان گشت.

\* گرد بیهوده و محال مگرد.

\* گرد خیزد از زمین چون خانه‌ای گردد خراب.

\* گردد خراب خانه موری به شب‌نمی.

\* گردد کده ویران چون کدیور دو شود.

\* گر در همه شهر یک سریشتر است

در پای کسی رود که درویش تراست

\* گر دست فتاده را بگیری مردی

\* گر دست ما نتهی است، ولی چشم ما پُر است.

\* گر دعا جمله مستجاب شدی / هر دمی عالمی

خراب شدی

\* گرد کردی لاقلاقو، دراز کردی خاک انداز.

\* گرد گله توتیای چشم گرگ است.

\* گرد نام پدر چه می گردی / پدر خویش باش

اگر مردی

\* گردن ما از مو باریکتر، شمشیر شما از الماس

برنده‌تر!



